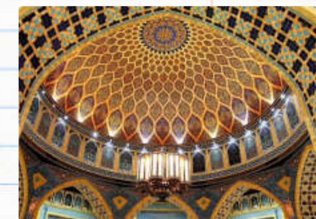


فهرست مطالب



پیشگفتار

{خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيانَ} (الرحمن، آیه ۳ـ ۴)

(خداوند رحمان...) انسان را آفرید و به او بیان (گفت‌وگو و زبان) آموخت.

زبـان فارسـی در میـان ملت‌هـای فارسـی‌زبان، رکـن مهـم همگرایـی و یکپارچگـی آنـان اسـت و در سـطح بین‌المـلل در جایـگاه دومیـن زبـان جهـان اسـلام قـرار دارد. ایـن زبـان مـروج ارزش‌هـای انسـانی، آموزه‌هـای اسـلامی و آرمان‌هـای متعالـی انقلاب اسـلامی ایـران می‌باشـد. زبـان فارسـی، حامـل مجموعـه‌ای گران‌بهـا از میـراث بشـری اسـت؛ چراکـه بخـش چشـم‌گیری از مواریـث کهـن بشـریت، اعـم از فلسـفه، دیـن، علـم، اخـلاق، عرفـان و سیاسـت بـه زبـان فارسـی تولیـد و به‌وسـیله آن منتقـل شـده اسـت و دسـت یافتـن بـه ایـن علـوم و معـارف، بـدون آگاهـی از ایـن زبـان، آسـان نیسـت.

مفاهیـم متعالـی انسـانی، خداشناسـی، دینـداری، راسـتی، عدالـت و... از مفاهیـم پربسـامد در زبان فارسـی اسـت که در آثـار بزرگان علـم و ادب فراهـم آمـده اسـت و دسترسـی کامـل و شایسـته بـه آنهـا آن‌گاه میسـر خواهـد شـد کـه بـا زبـان اصلـی، یعنـی زبـان فارسـی در اختیـار طالبـان و پژوهنـدگان آن قـرار گیـرد. زبـان فارسـی، عـلاوه بـر داشـتن دامنـه وسیع و ترکیب‌پذیـری، زبانـی شـیرین، جـذاب، باظرفیـت و قابل گسـترش اسـت.

بـا ورود اسـلام بـه ایـران، اسـتعداد، زبـان و اندیشـه ایرانـی در خدمـت اسـلام قـرار گرفـت و ایـران بـه سـرعت بـه میزبانـی شایسـته بـرای اسـلام تبدیـل گشـت و نقـش بزرگـی در تولیـد فکـر و اندیشـه نورانـی اسـلام و بازتولیـد آن بـه زبـان فارسـی ایفـا نمود. اسـلام از طریـق زبـان فارسـی و فارسـی‌زبانان در مناطـق مختلـف جهـان، از جملـه چیـن، شـبه‌قاره و آسـیای میانـه گسـترش یافـت.

ارتبـاط و تعامـل اسـلام و زبـان فارسـی، بـا رشـد و توسـعه حوزه‌هـای علمیـه و تثبیـت گفتمـان انقـلاب اسـلامی کـه برگرفتـه از اندیشـه نـاب اسـلامی اسـت، محکم‌تـر شـده و زبـان فارسـی در ایـران، بیشـترین نقـش را در گسـترش و تحکیـم اسـلام داشـت. اکنـون زبـان فارسـی یکـی از بهتریـن حامل‌هـا و رسـانه‌ها بـرای معـارف، افـکار، نوآوری‌هـا و تمـدن عمیـق اسـلام شـناخته می‌شـود و می‌توانـد نقـش بزرگـی در انتقـال ایـن معـارف بـه جوامـع بشـری ایفـا کنـد.

زبـان فارسـی، زبانـی غنـی و دارای ویژگی‌هـای ممتـاز اسـت کـه ظرفیـت شایسـته‌ای دارد تـا در سراسـر دنیـا به‌عنـوان یـک زبـان زنـده و پویـا پذیرفتـه شـود. قدمـت ایـن زبـان و گسـتره جغرافیایـی اسـتفاده از آن در طـول تاریخ، بـر اهمیـت آن می‌افزایـد. زبـان فارسـی بـا برخـورداری از واژگانـی غنـی و پربـار و دایـره معانـی گسـترده، به‌ویـژه بـا تولـد واژگان برخاسـته از ارزش‌هـای انقـلاب اسـلامی و گفتمـان اسـلام نـاب پـس از پیـروزی انقـلاب شـکوهمند اسـلامی، یکـی از زبان‌هـای پرطرفـدار در سـطح جهـان شـده اسـت.

در ایـن میـان، جامعـة المصطفی (صلی الله علیه و آله وسلم) العالمیـه نهـادی حـوزوی و بین‌المللـی اسـت و فعالیت‌هـای آن در عرصه‌هـای گوناگـون علمـی و آموزشـی بـرکات و تأثیـرات فراوانـی داشـته و دانش‌آموختـگان المصطفی (صلی الله علیه و آله وسلم) شـبکه علمی گسـترده‌ای در جهان ایجاد کـرده و گسـترش منطـق انقـلاب، اسـلام و اهل‌بیت (علیهم السلام) از دسـتاوردهای ایـن مجموعـه مبـارک به شـمار مـی‌رود.

و در عرصه آموزش و ترویج زبان فارسی در سطح بین‌الملل نیز نهادی پیش‌رو شناخته می‌شود. مراکز وابسته به این نهاد مبارک توانسته‌اند با تمرکز و توسعه پذیرش مخاطبان غیرایرانی و استفاده از ظرفیت دانش‌آموختگان، به نوآوری در الگوهای آموزشی دست یابند و پیشرفت چشم‌گیری در انتقال آموزه‌های اخلاقی، حوزوی و گفتمان انقلاب اسلامی در بستر آموزش زبان فارسی را فراهم نمایند.

ورود نهاد حوزوی جامعة المصطفی (صلی‌الله علیه و آله و سلم) العالمیه به عرصه ترویج زبان فارسی در چند دهه اخیر در سطح بین‌الملل، قلمرو گسترده‌ای را در حوزه آموزش زبان فارسی گشوده است و اکنون در بیش از پنجاه کشور دنیا کرسی‌های تدریس زبان فارسی توسط این نهاد فعال است که حاصل آن، تربیت ده‌ها هزار زبان‌آموز از حدود ۱۲۰ کشور دنیاست.

از آن‌جا که فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی به‌عنوان مهارت پنجم، پس از مهارت‌های چهارگانه خواندن، نوشتن، صحبت کردن و شنیدن است، در این مجموعه سعی شده تا انتقال ارزش‌های فرهنگی نیز به زبان‌آموزان صورت گیرد؛ لذا رویکردهای فرهنگی و ارزشی در تدوین و تنظیم محتوا، گزینش واژگان و انتخاب تصاویر و نیز توجه به دیدگاه‌های گوناگون روان‌شناسی و زبان‌شناسی، زمینه مناسبی برای مرجعیت کتاب‌های حاضر فراهم آورده است ویراست جدید کتاب حاضر که در اختیار مدرسان و دانشجویان زبان فارسی قرار می‌گیرد، با همکاری پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (صلی‌الله علیه و آله و سلم) و دانشگاه مجازی المصطفی (صلی‌الله علیه و آله و سلم) و اهتمام جمعی از اساتید و کارشناسان برجسته انجام پذیرفته و دورهٔ آزمایشی تدریس را گذرانده است. از کلیه اساتید بزرگوار، دانشجویان عزیز و کارشناسان محترم می‌خواهیم با ارائه نظرات و پیشنهادهای اصلاحی، خود را در ارتقای کیفی کتاب در ویرایش‌های بعدی سهیم گردانند.

در پایان لازم است از همه اساتید و کارشناسان و مدیرانی که در مراحل مختلف شکل‌گیری این اثر نقش داشته‌اند، به‌ویژه از تلاش وافر مؤلفان محترم، آقایان احمد کولی‌وندی، علی فاطمی‌منش و علی پورمند و نیز گروه بازنگری و ویراستاران، آقایان حسین حیدری‌مهذب، علی قهرمانی، رسول ملکیان، علی فاطمی‌منش و سرکار خانم رقیه ابراهیمی‌شهرآباد سپاس‌گزاری کرده و برای ایشان توفیق روزافزون مسئلت کنیم.

سعید ارجمندفر	حسن رضایی
رئیس دانشگاه مجازی المصطفی (صلی‌الله علیه و آله و سلم)	رئیس پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (صلی‌الله علیه و آله و سلم)

آبان ۱۳۹۹

مقدمه

بـه طورعمـده در تمامـی کتاب‌هـای نظـری تولیـد محتـوای آمـوزش زبـان را بـه دو دسـتهٔ عمـده محتـوای تفکیکـی و محتـوای تلفیقـی تقسـیم می‌کننـد: اسـاس ایـن تقسـیم بنـدی بـر مبنـای نگاهـی اسـت کـه برنامـهٔ درسـی مـورد نظـر در زبـان دارد. قائلیـن بـه شـیوه‌های تولیـد محتـوای تفکیکـی بـر ایـن باورنـد کـه می‌تـوان زبـان را بـه بخش‌هـای کوچکتـری تقسـیم کـرد و بـا آمـوزش جداگانـهٔ هـر بخـش مخاطـب را قـادر سـاخت تـا زودتـر بـه اهـداف مـورد نظـر و تخصصـی خـودش دسـت یابـد.

از سـوی دیگـر در رویکـرد تلفیقـی زبـان بـه منزلـهٔ کلافـی در نظـر گرفتـه مـی شـود کـه تفکیـك و جداسـازی نه تنهـا عاملـی بـرای تسـهیل و تسـریع یادگیـری در نظـر گرفتـه نمی‌شـود؛ بلکـه در نهایـت زبـان آمـوز را در معـرض گونـه‌ای مصنوعـی و غیـر واقعـی از زبـان قـرار می‌دهـد کـه هیـچ یـك از گویشـوران بومـی زبـان بـه ایـن طریـق از زبـان بهـره نمی‌گیرنـد. مثـلاً کمتـر دیـده می‌شـود کـه فـردی از مهـارت گفتـن، بـه جـز در سـخنرانی‌ها و تك‌گویی‌هـای یـك طرفـه، بـه صـورت منفـك و بـدون توجـه بـه سـایر مهارت‌هـا اسـتفاده کنـد. مـا معمـولاً چیـزی را می‌شـنویم یـا می‌خوانیـم و همسـوی بـا آن بـه بیـان یـك موضـوع می‌پردازیـم؛ حتـی در پـاره‌ای از مـوارد آنچـه را کـه مـی گوییـم، همزمـان می‌نویسـیم.

کتـاب آمـوزش زبـان فارسـی «فارسـی عمومـی» در سـه سـطح مقدماتـی، متوسـطه و پیشـرفته می‌کوشـد تـا بـا ارائـهٔ زبـان فارسـی در محیطـی واقعـی و نزدیـك بـه محیـط اجتماعـی حاکـم بـر زبـان فارسـی در ایـران بـه آمـوزش ایـن زبـان بپـردازد. در زمـان تهیـه و تدویـن ایـن اثـر توجـه بـه چنـد موضـوع الزامـی بـوده اسـت:

زبـان آمـوزان مخاطـب ایـن کتـاب فارسـی آموزانـی هسـتند کـه در حـال حاضـر در ایـران حضـور ندارنـد و چنـدان بـه محیـط واقعـی زبـان دسترسـی ندارنـد و فرهنـگ ایرانی را نیـز خـوب نمـی شناسـند و صـد البتـه بـرای کسـانی کـه در ایـران حضـور دارنـد بـا توجـه بـه اینکـه محیـط پیرامونـی هـم دارنـد، بسـیار مفیـد خواهـد بـود.

از آنجـا کـه بیشـتر تکالیـف و تمرین‌هـای کتـاب بـه صـورت تمرین‌هـای بسـته در نظـر گرفتـه شـده اسـت، قابلیـت تصحیـح آن هـم بـه صـورت حضـوری و هـم بـا ماشـین بـرای مجموعه‌هـای اموزش مجـازی امـکان پذیـر اسـت.

در کتـاب «فارسـی عمومـی» جامعـهٔ ایرانـی اسـلامی بـه عنـوان یـك جامعـهٔ جهانـی در نظـر گرفتـه شـده؛ از همیـن رو، تـلاش شـده تـا بـه نـکات فرهنگـی مشـترك در جوامـع دیگـر نیـز توجـه شـود.
کارکردهـای زبـان بـه خصـوص در سـطوح پاییـن بیشـتر محـدود بـه کارکردهـای مـورد نیـاز شـده و تـلاش شـده تـا از هـر گونـه اضافـه گویـی و مـواردی کـه احسـاس می‌شـود نیـاز درجـه اول زبـان آمـوز نباشـد، پرهیـز شـود.

واژه

در ایـن بخـش واژه‌هـای پربسـامد در نظـر گرفتـه شـده، همـه در قالـب تسـك و بـا رویکـرد شـناختی بـه زبان‌آمـوز ارائـه می‌شـود. بلافاصلـه بعـد از واژه‌هـا تمریـن امده اسـت تـا زبـان آمـوز اسـتفاده از واژه‌هـا را در محیـط واقعـی زبـان تجربـه کنـد. بـرای آمـوزش واژههـا از زبـان واسـط اسـتفاده نشـده اسـت و در دوره‌هـای میانـی و متوسـطه از مثـال، باهم‌آیـی و تعریـف واژه نامـه‌ای اسـتفاده می‌شـود.

شنیدن

در ایـن بخـش مهارت‌هـای شـنیدن (نـه صـرف شـنیدن) در نظـر گرفتـه شـده اسـت؛ البتـه از ذکـر و آمـوزش مهـارت و یـا عـدم آموزش مسـتقیم آن سـخنی گفتـه نشـده اسـت و ایـن مهـم بـه کتـاب راهنمـای تدریـس اسـتاد واگـذار شـده اسـت. گفتنـی اسـت تکالیـف ایـن بخـش کامـلاً بـر اسـاس مهارت‌هـا آمـده اسـت.

سخنرانی یا کارگروهی

زبـان آمـوز بسـته بـه موضـوع درس، چنـد دقیقـه بـه صـورت تك‌گویـی صحبـت کنـد. گفتنـی اسـت زبان‌آمـوز مختـار اسـت کـه متـن گفتـاری خـود را بـه تنهایـی یـا بـا کمـك دیگـر دوسـتانش در کلاس آمـاده کنـد. بـه همیـن جهـت در ایـن بخـش دو عنـوان سـخنرانی یـا کار گروهـی ارائـه شـده کـه چگونگـی اجـرای آن بسـته بـه سـطح کلاس و سیاسـت‌های عمومـی اسـتاد در آمـوزش دارد.

گفتگو

در کتـاب اول دو گفتگـو و در کتاب‌هـای بعـدی یـگ گفتگـو آمـده اسـت. گفتگوهـا یـك موقعیـت کاربـردی در حـوزهٔ زبانـی اسـت کـه بـه زبـان آمـوز واژه‌هـای آن را می‌آمـوزد و البتـه همان‌طـور کـه گذشـت، درك مطلـب شـنیداری آن را در بخـش قبـل فـرا گرفتـه اسـت تـا در ایـن بخـش بتوانـد بـه خوبـی گفتگـو کنـد. زبان‌آمـوز پیـش از ورود بـه گفتگـو بـا یـك نکتـهٔ عمومـی در گفتگـو آشـنا مـی شـود (پیـش گفتگـو) ایـن داده‌هـا می‌تواننـد شـامل واژگان و دسـتور (کـه در قالـب کلیشـه و بـدون آمـوزش مسـتقیم ارائـه می‌شـود) یـا فرهنگـی و فرازبانـی باشـد. گفتگوهـا در قالـب مـدل گفتگـو ارائـه شـده اسـت و از زبـان آمـوز انتظـار نمـی‌رود صرفـاً همیـن گفتگـو را حفـظ کـرده و ارائـه دهـد.

بـرای تسـهیل فراینـد گفتگـو و افـزودن نـکات اضافـی بـه آن، در زیـر هـر گفتگـو، واژه‌هـای مرتبـط دیگـری از بخش‌هـا و درس‌هـای گذشـته گنجانـده شـده اسـت تـا اسـاتید بـا ترغیـب زبـان آمـوز بـه اسـتفاده از ایـن واژه‌هـا، هـم بـه مـرور درس‌هـای پیـش کمـك کننـد و هـم فراینـد گفتگوهـای دو نفـره در کلاس را گسـترش دهنـد.

بحث آزاد

ایـن بخـش در کتـاب اول وجـود نـدارد؛ زیـرا زبان‌آمـوزان بـه ایـن توانمنـدی نرسـیده انـد کـه در کلاس بحـث آزاد کننـد. هـدف از بحث آزاد، افزایـش توانایی زبان‌آمـوز در نقـد و بیـان دیدگاه‌هـای شـخصی خـود اسـت و بـه او کمـک خواهـد کـرد تـا از بیـان صـرف چنـد کلیشـه رهـا شـود. گفتنـی اسـت، نبایـد ایـن بخـش بـا خوانـدن و درك مفاهیـم اشـتباه گرفتـه شـود. خوانـدن فقـط بهانـه‌ای بـرای گفتـن اسـت. از همیـن‌رو متـون ایـن بخـش بـه نسـبت بخـش خوانـدن و درك مفاهیـم بـه مراتـب سـاده‌تر اسـت.

خواندن

همـان شـرطی کـه دربـاره مهارت‌هـا در شـنیدن بیـان شـد، در خوانـدن نیـز هسـت. قبـل از خوانـدن قسـمتی بـا نـام «پیـش خوانـدن» وجـود دارد کـه هـدف آن آشـنایی زبـان آمـوز بـا واژه‌هـای دشـوار موجـود در متـن، آمـاده سـازی زبان‌آمـوز از نظـر ذهنـی بـا موضـوع درس، آشـنایی بـا ابعـاد جهـان شـناختی و فرازبانـی متـن، ایجـاد انگیـزه و ایجـاد سـؤال بـرای زبان‌آمـوز، قبـل از مطالعـه متـن اسـت.

گفتنـی اسـت متن‌هـای انتخـاب شـده بـرای ایـن مهـارت، یـك متـن آموزشـی صـرف نیسـت. سـعی شـده اسـت متن‌هـای واقعـی و جـذاب انتخـاب شـود تـا زبان‌آمـوزان عـلاوه بـر فارسـی، بـر اطلاعـات عمومـی خـود بیفزاینـد و بـا علاقـه بیشـتری متـن را بخواننـد.

دستور

دسـتور آخریـن بخـش کتـاب اسـت و بـه ایـن دلیـل در آخـر قـرار گرفتـه اسـت تـا از تمرکـز بیـش از حـد بـر دسـتور در زمـان گفتـن جلوگیـری شـود. بـرای تهیـه ایـن بخـش، بسـامد مـوارد دسـتوری مـورد نیـاز زبان‌آمـوزان اسـتخراج شـده و در کتـاب آمـده اسـت. بخشـی از ایـن دسـتورها در کتاب‌هـای دسـتور سـنتی نبـوده اسـت و مؤلفیـن گاهـی بـا توجـه بـه توصیفـات جدیـد زبان‌شناسـی، دسـتور را توصیـف نموده‌انـد.

در پایـان لازم اسـت از همـهٔ اسـاتید گرامـی بـه ویـژه آقایـان و خانم‌ها: عابدیـن سـیاحت، رقیـه ابراهیمـی شـهرآباد، محمـد سعیدنیا، عزالدیـن رضانـژاد، مجیـد خالق‌پـور، مجیـد بولحسـنی، حامـد طهماسـبی، اشـکان مصطفی‌پـور، رسـول مرجانـی، رسـول ملکیـان، محمـد مهـدی فتاحـی، مصطفـی رضایـی دیـل، مریـم افشـین‌پور، طیبه ابراهیمـی و میثـم جوادنیـا کـه در ارزیابـی شـکلی و محتوایـی کتـاب از مشـاورهٔ علمـی آنهـا اسـتفاده کردیـم، تشـکر نماییـم.

احمد کولی‌وندی
علی فاطمی‌منش
دی‌ماه ۹۷



درس اول: گپ زدن

واژه‌های جدید

تعریف کردن، در خدمت بودن، مرخصی، مزاحم، فرمایش، شلوغ بودن سر، شرمنده، عذرخواهی کردن، معذرت خواستن، عفو کردن، بند بودن دست، دست دادن، روبوسی کردن، بغل کردن، دست تکان دادن، پیروی کردن، هرقدر، ضربه، به حساب آمدن، بی‌احترامی، جویدن، نامحرم.

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با انواع سلام و احوالپرسی آشنا شود.
۲. بتواند با توجه به مخاطب دوستانه یا رسمی از سلام و احوالپرسی‌های گوناگون استفاده کند.
۳. برخی از روش‌های سلام و احوالپرسی در کشورهای مختلف را بداند.
۴. ساختار فعل مضارع مستمر را بشناسد.
۵. بتواند به‌خوبی از مضارع مستمر استفاده کند.

درس اول: گپ زدن

واژه‌ها و اصطلاحات



الف) به عبارت‌های زیر گوش کنید.

۱. سلام ۲. خوبی / خوبید؟ ۳. چطوری؟ ٤. چه خبر؟ ٥. حالِ شما؟
٦. خانواده خوب هستند؟/ خانواده چطورند؟ ٧. سلام علیکم. ٨. صبح بخیر.
٩. عصرتان بخیر ١٠. شب بخیر ١١. می توانم یک لحظه وقت شما را بگیرم؟
١٢. بفرمایید در خدمتم. ١٣. ببخشید عرضِ کوچکی داشتم.

ب) عبارت‌های بالا را در جدول زیر فهرست کنید.





	رسمی		غیر رسمی
١		١	
٢		٢	
٣		٣	
٤		٤	
٥		٥	
٦		٦	
٧		٧	

تمرین



دو ستون زیر را به هم وصل کنید.

۱. صبح شما بخیر.	الف) سلامتی، خبری نیست.
۲. سلام! ببخشید قربان، عرض کوچکی داشتم.	ب) خوبم، ممنون. شما چطورید؟
۳. خب تعریف کن، چه خبر؟	پ) سلام، ممنون.
۴. خانواده چطورند؟	ت) علیکم السلام. بفرمایید در خدمتم.
۵. حالتان خوب است؟	ث) سلام می‌رسانند.
۶. سلام، خوبی؟	ج) ممنون، صبح شما هم بخیر.

واژه‌ها و اصطلاحات



۱. خداحافظ / خدانگهدار. ۲. موفق باشید. ۳. به‌سلامت. ۴. خسته نباشید.
۵. کاری نداری؟ ۶. خوش آمدید، به سلامت. ۷. فعلاً با اجازه. ۸. به امید دیدار.
۹. روز خوبی داشته باشید. ۱۰. اجازهٔ مرخصی می‌دهید؟ ۱۱. بفرمایید منزل.
۱۲. بفرمایید در خدمتتان باشیم. ۱۳. خدمت از ماست. ۱۴. امری نیست.
۱۵. ببخشید وقت شما را گرفتم. ۱۶. ببخشید مزاحم شما شدم.

شنیدن



الف) به گفتگوهای زیر گوش کنید.



	پایان گفتگو است. ✓	پایان گفتگو نیست. ✗
۱	◯	◯
۲	◯	◯
۳	◯	◯
۴	◯	◯
۵	◯	◯
۶	◯	◯
۷	◯	◯
۸	◯	◯
۹	◯	◯
۱۰	◯	◯

ب) یک بار دیگر گوش کنید و جدول بالا را کامل کنید.

کار گروهی



مانند گفتگوی زیر با همکلاسی خود گفتگو کنید.



- سلام! خسته نباشید. می‌توانم یک لحظه وقت شما را بگیرم؟
- سلام! در خدمتم بفرمایید.
- داروخانهٔ امام رضا کجاست؟
- دو تا خیابان جلوتر است.
- ممنون! خدانگهدار.
- خداحافظ.



پیش گفتگو

✔ اصطلاحات مجاز در گفتگوهای صمیمی

معمولاً فامیل یا دوستان خیلی صمیمی، معمولاً این سؤال‌ها را از هم می‌پرسند:

✔ خانواده چطورند؟ ✔ بچه‌ها چطورند؟ ✔ خانم و بچه‌ها چطورند؟ ✔ به خانواده سلام برسانید.

✘ اصطلاحات غیرمجاز در احوال‌پرسی رسمی

معمولاً دو شخص غریب، دو همسایه و دو همکار از هم این سؤال‌ها را نمی‌پرسند:

✘ همسرتان چطورند؟ ✘ خانمتان چطورند؟ ✘ دخترتان چطورند؟ ✘ خواهرتان چطورند؟

گفتگوی صمیمی



- سلام آقای محرابی.
- سلام، حال شما خوب است؟
- ممنون، سلامت باشید.
- خانواده چطورند؟
- ممنون، سلام دارند خدمتتان.
- چه خبر؟
- سلامتی، خبری نیست.
- بفرمایید منزل در خدمت باشیم.
- ممنون، شما بفرمایید.
- خیلی ممنون، خداحافظ.
- خداحافظ.



کار گروهی



مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- سلام.
- حال شما خوب است؟
- چه خبر؟
- خانواده خوب هستند؟
- خُب، تعریف کن.
- کوچولوهایتان خوبند؟
- بفرمایید منزل

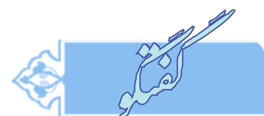
- چه‌کارها می‌کنی؟(چه‌کارا می‌کنی؟)
- در خدمتم.
- خسته نباشید.
- بهترید؟
- خوش آمدید.
- به‌سلامت.
- به امید دیدار.

- خداحافظ / خدانگهدار.
- موفق باشید.
- کاری نداری؟
- فعلاً با اجازه.
- امری ندارید؟ / فرمایشی ندارید؟
- روز خوبی داشته باشید.
- اجازهٔ مرخصی می‌دهید.

پیش گفتگو

معمولاً برای بیان کاری در زمان حال از «دارم،داری، دارد،داریم،دارید،دارند» قبل از فعل مضارع اخباری استفاده می‌شود.

دارم با تلفن صحبت می‌کنم.	الان دارم با تلفن صحبت می‌کنم.
دارم می‌روم مدرسه.	الان دارم می‌روم مدرسه.
دارم آشپزی می‌کنم.	الان دارم آشپزی می‌کنم.





گفتگوی زیر را بخوانید و تکرار کنید.

- الو، سلام حسن. خوبی؟
- سلام مجید جان. قربانت. تو خوبی؟
- ممنون خوبم، الان داری چه کار می‌کنی؟
- سرم خیلی شلوغ است؛ دارم درس می‌خوانم. شما چه کار می‌کنی؟
- من دارم می‌روم خانهٔ محسن. امروز تولدش است. می‌آیی با هم برویم؟
- نه شرمنده؛ فردا امتحان دارم. نمی‌توانم بیایم.
- اشکالی ندارد.
- سلام من را به محسن برسان.





مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- دارم می‌روم سینما.
- دارم می‌روم استخر.
- دارم غذا می‌خورم.
- دارم می‌روم سرِ کار.
- دارم می‌روم دکتر.
- دارم کتاب می‌خوانم.

- شرمنده / شرمنده‌ام.
- ببخشید.
- عذرخواهی می‌کنم.
- معذرت می‌خواهم.
- با عرض معذرت.
- عفو کنید.

- سرم خیلی شلوغ است.
- خیلی کار دارم.
- دستم بند است.
- الان حالم خوب نیست.
- امروز وقت ندارم.
- امروز مهمان دارم.

پیش خواندن

شما هنگام سلام و احوالپرسی کدام‌یک از کارهای زیر را انجام می‌دهید؟


◯ دست دادن


◯ روبوسی کردن


◯ بغل کردن


◯ دست تکان دادن



خواندن

احوالپرسی در فرهنگ‌های مختلف

«سلام و احوالپرسی» در هر کشوری با کشورهای دیگر متفاوت است. مردم هر کشور در سلام کردن خود قوانینی دارند که همه از آنها پیروی می‌کنند. گاهی پیروی نکردن از این قوانین بی‌ادبی است؟ برای مثال در کشور روسیه مردم معمولاً خیلی محکم با یکدیگر دست می‌دهند و به چشم‌های هم نگاه می‌کنند؛ در ضمن روس‌ها هیچ‌وقت با دستکش دست نمی‌دهند. هر قدر هم که هوا سرد باشد، آنها وقتی دست می‌دهند، حتماً دستکش‌هایشان را از دست در می‌آورند.

در یونان مردانی که با هم دوست صمیمی نیستند، با یکدیگر فقط دست می‌دهند؛ اما دوستان صمیمی و اعضای خانواده، وقتی همدیگر را می‌بینند، یکدیگر را بغل می‌کنند و آرام به کمر هم ضربه می‌زنند. البته خانم‌ها اغلب همدیگر را می‌بوسند؛ در ضمن باید بدانید یونانی‌ها هنگامی که می‌خواهند با هم صحبت کنند، نزدیک به هم می‌ایستند و با صدای بلند با هم حرف می‌زنند.

گاهی حرکت دست در کشورها معنای خاصی دارد. در بیشتر کشورهای دنیا، دست تکان دادن به معنای سلام کردن یا خداحافظی است؛ اما در کشورهای شرق آسیا این کار به معنای « نه» است. در هندوستان گاهی اوقات دست تکان دادن به معنای این است که از طرف مقابل می‌خواهیم به طرف ما بیاید.

گاهی یک حرکت سادهٔ بدن در یک کشور بی‌ادبی به حساب می‌آید؛ برای نمونه اگر با یک آلمانی صحبت می‌کنید، دست خود را از جیبتان بیرون بیاورید؛ زیرا از نظر آلمانی‌ها صحبت کردن در حالی که دست‌ها در جیب است بی‌احترامی بزرگی است.

بلند صحبت کردن و یا آدامس جویدن در بین مردم، در بسیاری از کشورها مانند فرانسه و سنگاپور بی ادبی است.

در فرهنگ اسلامی دست دادن به یکدیگر ثواب دارد. مردها معمولاً در کشورهای مسلمان با هم دست می‌دهند و یکدیگر را بغل می‌کنند.

زنان نیز معمولاً در زمان احوالپرسی با هم دست می‌دهند و یکدیگر را می‌بوسند؛ اما فراموش نکنید، در کشورهای مسلمان مردان و زنان نامحرم به یکدیگر دست نمی‌دهند.

الف) کدام جمله درست و کدام جمله نادرست است؟ ✔ ✘

۱. روس‌ها درهنگام دست دادن به چشم‌های هم نگاه می‌کنند.	☐
۲. در یونان صحبت کردن با صدای بلند بی‌ادبی است.	☐
۳. تکان دادن دست در یونان؛ یعنی « نه».	☐
۴. در کشورهای عربی زنان با هم دست نمی‌دهند.	☐
۵. در فرانسه و سنگاپور آدامس جویدن در جمع بی‌احترامی است.	☐

ب) با توجه به متن واژه‌های هم معنا را به هم وصل کنید.

۱. پیروی می‌کنند.	الف) هر اندازه
۲. هر قدر	ب) پاداش بهشتی
۳. دوست صمیمی	پ) است.
۴. ثواب	ت) اطاعت می‌کنند.
۵. به حساب می‌آید.	ث) دوست نزدیک

سخنرانی

دربارهٔ احوالپرسی در کشورتان، سخنرانی کنید.

دستور

فعل مضارع مستمر برای بیان کاری استفاده می‌شود که الان در حال انجام است و هنوز تمام نشده است.

صرف فعل داشتن در زمان حال + فعل مضارع اخباری



۱. من دارم کتاب می‌خوانم.
۲. آنها حالا دارند درس می‌خوانند.
۳. دوستم الان دارد حرف می‌زند.
۴. ما حالا داریم به خانهٔ شما می‌آییم.

	بن مضارع فعل	شناسه	می	بن مضارع فعل	شناسه	مثال
۱	من دار	-َم	می	رو	-َم	من دارم می‌روم.
۲	تو دار	ی	می	رو	ی	تو داری می‌روی.
۳	او دار	-َد	می	رو	-َد	او دارد می‌رود.
٤	ما دار	یم	می	رو	یم	ما داریم می‌رویم.
٥	شما دار	ید	می	رو	ید	شما دارید می‌روید.
٦	آنها دار	-َند	می	رو	-َند	آنها دارند می‌روند.

نکته: فعل مضارع مستمر حالت منفی ندارد: من دارم می‌روم. ~~من دارم نمی‌روم.~~

تمرین

الف) جاهای خالی را با فعل مضارع مستمر کامل کنید.

مثال من و دوستم ......داریم...... در پارک ......درس می‌خوانیم...... (درس خواندن)

۱. علی و برادرش در حال حاضر دارند .... (درس خواندن)

۲. بچه‌ها و دوستانشان .... در پارک .... (بازی کردن)

۳. الان در اینجا .... باران .... (باریدن)

۴. خواهر کوچکم .... خانه را .... (تمیز کردن)

۵. بچهٔ خواهرم .... در خانهٔ ما .... (گریه کردن)

ب) با توجه به کلمه داخل پرانتز پاسخ دهید.

۱. بهنام دارد چه کار می‌کند؟ .... (استراحت کردن)

۲. پدرت الان دارد چه کار می‌کند؟ .... (قدم زدن)

۳. چرا پژمان الان نمی‌تواند تلویزیون ببیند؟ .... (درس‌خواندن)

۴. احسان و دوستش دارند چه کار می‌کنند؟ .... (فیلم دیدن)

۵. الان دارد باران می‌آید؟ نه، .... (برف آمدن)

پ) گفتگوهای صفحه ۴ و ۵ را دوباره بخوانید. در کدام بخش‌ها از مضارع مستمر استفاده شده بود؟

نوشتن


موضوع : دربارهٔ چگونگی احوال‌پرسی در کشور خود، انشا بنویسید.

موضوع: احوال‌پرسی در کشورم

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن) ☐ اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن) ☐

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن) ☐ زبان: ٦ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا) ☐

نمرهٔ توصیفی: عالی(۲۰-۱۹) ○ خیلی خوب (۱۸-۱۷) ○ خوب (١٦-١٤) ○ متوسط(۱۱-۱۳) ○ تلاش بیشتر(۱۰-۰) ○

درس دوم: تلفن و اینترنت

واژه‌های جدید

امکان داشتن، بانوان، مسؤول فروش، تشریف داشتن، مؤدبانه، ریاست، وصل کردن، شبکهٔ اجتماعی، سایت، الزامی، کالا، غیراخلاقی، هکر، خصوصی، به خطر انداختن، اعتیاد، آزمون، به‌ترتیب، برنامه‌ریزی، فاصله گرفتن، تنها گذاشتن، شکایت کردن، لطمه زدن، تصمیمات، دروغ گفتن، حل کردن مشکل، آماده کردن، جمع زدن

اهداف درس

انتظار می رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. تفاوت صحبت رسمی و غیر رسمی با تلفن را بداند.

۲. بتواند به خوبی از درخواست مؤدبانه استفاده کند.

۳. با اعتیاد اینترنتی آشنا شود.

۴. ضمیر مشترک را بشناسد.

۵. کاربرد ضمیرهای مشترک در جمله را بداند.

INTERNET

درس دوم: تلفن و اینترنت

واژه‌ها و اصطلاحات

به عبارت های زیر گوش کنید.





بله، بفرمایید.

سلام علی خانه است؟



۱. بی‌زحمت گوشی را به علی بدهید.

۱. بی‌زحمت ...
۲. می‌توانید ...
۳. می‌شود ...
۴. لطف می‌کنید ...
۵. ممکن است ...
۶. امکانش هست ...
۷. امکان دارد ...

۲. ....
۳. ....
۴. ....
۵. ....
۶. ....
۷. ....

تمرین

برای هر تصویر مانند مثال سه جمله درخواستی بگویید.



مثال: سعید معنای «کفش» را نمی‌داند.
۱. می‌شود معنای «کفش» را به او بگویید؟
۲. ممکن است معنای «کفش» را به او بگویید؟
۳. امکان دارد معنای «کفش» را به او بگویید؟



عاطفه دانشجوی زبان فارسی است. او معنای «تلفن همراه» را نمی‌داند.
۱. ....
۲. ....
۳. ....



علی می‌خواهد در هتل مهتاب اتاق رزرو می‌کند. او «شمارهٔ تلفن هتل» را ندارد.
۱. ....
۲. ....
۳. ....





سهیلا با آژانس مسافرتی صحبت می‌کند. او «قیمت بلیت» را نمی‌داند.
۱. ....
۲. ....
۳. ....



علی دارد به سینما می‌رود. او «ساعت شروع فیلم» را نمی‌داند.
۱. ....
۲. ....
۳. ....



آرش از بازار پیراهن خریده است. این پیراهن برای او تنگ است. او می‌خواهد پیراهن خود را «عوض کند.»
۱. ....
۲. ....
۳. ....



واژه‌ها و اصطلاحات

اصطلاحات زیر مربوط به کدام بخش است؟ لطفاً در جدول علامت بزنید.



۱. می‌شود وصل کنید اتاق ۱۳۷؟
۲. الو، تاکسی تلفنی بانوان؟ می‌خواهم بروم میدان سعیدی.
۳. الو هتل پارسیان؟ ببخشید من دیروز یک اتاق رزرو کردم.
۴. شرمنده! الان ایشون خانه نیستند. شب می‌آیند/ امکان دارد شب دوباره تماس بگیرید.
۵. چند لحظه گوشی خدمتتان تا من لیست پروازها را نگاه کنم.
۶. الان مسئوول فروش بلیت نیست. می شود چند لحظهٔ دیگر تماس بگیرید؟
۷. ببخشید یک سؤال داشتم؛ هتل شما استخر هم دارد؟
۸. محمد آقا خانه است؟/ تشریف دارند؟
۹. الو، سلام! منزل آقای حیدری؟
۱۰. تاکسی تلفنی لاله. بفرمایید.
۱۱. برای هفتهٔ آینده پرواز ترکیه دارید؟
۱۲. الو، سلام؛ یک تاکسی می‌خواستم.

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
خانه												
هتل												
تاکسی تلفنی												
آژانس مسافرتی												

شنیدن



	خانه	هتل	تاکسی تلفنی	آژانس مسافرتی	درخواست
۱					
۲					
۳					
۴					
۵					
۶					
۷					
۸					

ب) یک‌بار دیگر گفتگوها را بشنوید و درخواست هر گفتگو را در جدول بنویسید.

پیش گفتگو

درخواست مؤدبانه

مضارع اخباری؟	می‌شود + مضارع التزامی؟
وقتی پدرت /پدرتان آمد، به من زنگ می‌زنید؟	وقتی پدرت /پدرتان آمد، می‌شود به من زنگ بزنید؟
وصل می‌کنید اتاق آقای رییس؟	می‌شود وصل کنید اتاق آقای رییس؟
یک ظرف سالاد برایم می‌آورید؟	می‌شود یک ظرف سالاد برایم بیاورید؟
معنای این کلمه را به من می‌گویید؟	می‌شود معنای این کلمه را به من بگویید؟





- وقت بخیر؛ شما با آژانس مسافرتی حسینی تماس گرفته‌اید. برای ارتباط با بخش پروازهای داخلی عدد ۱، پروازهای خارجی عدد ۲، خرید بلیت قطار عدد ۳ و ارتباط با اپراتور عدد ۴ را شماره‌گیری نمایید.
- آژانس مسافرتی حسینی بفرمایید.
- سلام، آقای بهرامی تشریف دارند؟
- آقای بهرامی؟ کدام بخش هستند؟
- بخش ریاست.
- بله، بله، آقای دکتر بهرامی. شما آقای؟
- میرزایی هستم. از بانک ملی تماس می‌گیرم. می‌شود وصل کنید اتاق آقای رییس؟
- بله، یک لحظه گوشی خدمتتان. الان وصل می‌کنم اتاقشان.
- متشکرم.







مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- الو، سلام هتل پارسیان؟
- مسئوول فروش هستم؛ بفرمایید.
- می‌توانم یک لحظه وقت شما را بگیرم؟
- وقتتان بخیر.
- امری داشتید؟ در خدمتم.
- ببخشید یک سؤال کوچک داشتم.
- می‌شود وصل کنید داروخانه؟
- الو تاکسی تلفنی سجاد؟
- می‌خواهم بروم میدان امام.
- چند لحظه گوشی حضورتان.
- می‌شود یک ساعت دیگر تماس بگیرید؟

بحث آزاد



موافقان

۱ اینترنت وسیلهٔ ساده و ارزان برای ارتباط است. شبکه‌های اجتماعی، مردم کشورهای مختلف را به یکدیگر وصل می‌کنند. هر روز میلیون‌ها نفر در دنیا با استفاده از این وسیله به یکدیگر ایمیل می‌زنند و گفتگو می‌کنند.

۳ اینترنت بانک بزرگی از اطلاعات است. یک سایت ساده می‌تواند تعداد زیادی فیلم، عکس، صوت یا بازی را در اختیار شما قرار بدهد. استفاده از اینترنت برای دانشجویان الزامی است.

۵ با استفاده از اینترنت مردم می‌توانند هر نوع کالایی را به‌سادگی بخرند. استفاده از اینترنت انجام کارهای روزانه را راحت‌تر می‌کند؛ حالا به سادگی می‌شود بلیت هواپیما خرید یا هتل رزرو کرد.

مخالفان

۲ استفادهٔ زیاد از اینترنت ارتباط بین دوستان و اعضای خانواده را کم می‌کند. این روزها دوستان دیگر کمتر به پارک، رستوران یا سینما می‌روند؛ چون بیشتر به‌وسیلهٔ اینترنت با یکدیگر در ارتباط هستند. این روزها مردم باهم صمیمی نیستند.

۴ اینترنت پر از فیلم‌ها و عکس‌های غیراخلاقی است. من همیشه نگران فرزندانم هستم. باید راهی برای مراقبت از فرزندان خود پیدا کنم

۶ اینترنت زندگی خصوصی افراد را به خطر می‌اندازد. هر روز هَکرها به سادگی عکس‌های محرمانه و پول‌های مردم را از بانک‌ها سرقت می‌کنند.

نظر شما دربارهٔ اینترنت چیست؟

موافق هستم. 

به شرط استفادهٔ درست موافقم. 

فرقی نمی‌کند. 

مخالف هستم. 

به نظر شما مهم‌ترین فایدهٔ اینترنت چیست؟

به نظر شما مهم‌ترین ضرر اینترنت چیست؟

تست اعتیاد به اینترنت: آیا شما به اینترنت اعتیاد دارید؟

آزمون اعتیاد به اینترنت (IAT) یکی از معتبرترین آزمون‌هایی است که به افراد کمک می‌کند تا بفهمند به اینترنت اعتیاد دارند یا خیر؟ نمرات به ترتیب از پنج تا یک هستند. هنگامی که جدول صفحهٔ بعد را تکمیل کردید، نمرات خود را جمع بزنید تا میزان اعتیاد شما به اینترنت مشخص شود.

آزمون

سؤال‌های آزمون

نمرات آزمون از ۱ تا ۵ نمره

سؤال	همیشه (۵)	بیشتر وقت‌ها (۴)	بعضی وقت‌ها (۳)	خیلی کم (۲)	هیچ‌وقت (۱)
۱. آیا بیشتر از آنچه برنامه‌ریزی کرده‌اید، در اینترنت می‌مانید؟					
۲. آیا به خاطر استفاده از اینترنت از اعضای خانوادهٔ خود دور می‌شوید؟					
۳. آیا به خاطر استفاده از اینترنت خانواده‌تان را تنها می‌گذارید؟					
۴. آیا از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با دیگران صحبت می‌کنید؟					
۵. آیا دیگران به خاطر استفاده شما از اینترنت از شما ناراحت می‌شوند؟					
۶. آیا استفاده از اینترنت به درس و دانشگاه شما آسیب می‌رساند؟					
۷. وقتی از شما می‌پرسند:«در اینترنت چکار می‌کنی؟» آیا به آنها جواب می‌دهید؟					
۸. آیا وقتی عصبانی هستید، برای آرام شدن از اینترنت استفاده می‌کنید؟					
۹. استفاده از اینترنت، چقدر به شما کمک می‌کند تا تصمیم درست بگیرید؟					
۱۰. آیا «زندگی بدون اینترنت؛ یعنی زندگی بدون تفریح»؟					
۱۱. اگر در زمان استفاده از اینترنت کسی با شما حرف بزند، عصبانی می‌شوید؟					
۱۲. آیا دربارهٔ ساعت‌های استفاده خود از اینترنت به دیگران دروغ می‌گویید؟					
۱۳. چقدر در زمان استفاده از اینترنت می‌گویید؟«یک دقیقه صبرکن! الان می‌آیم»					
۱۴. آیا ایمیل خود را قبل از انجام هر کاری در روز، چک می‌کنید؟					
۱۵. آیا استفاده از اینترنت به شغل شما صدمه می‌زند؟					

جمع نمرات آزمون: ....

هر چه نمرهٔ شما در این آزمون بیشتر باشد، اعتیاد شما به اینترنت شدیدتر است.

نمره	نتیجه
از ۱۵ تا ۳۵	شما یک کاربر معمولی اینترنت هستید.
از ۳۶ تا ۵۹	**مراقب باشید، شما در حال معتاد شدن به اینترنت هستید.**
از ۶۰ تا ۷۵	**شما معتاد به اینترنت هستید و باید خیلی زود مشکلتان را حل کنید.**

بحث آزاد



قدم به قدم برای کم کردن ساعت مصرف اینترنت

قدم اول: آگاهی از مدت زمان استفاده از اینترنت

۱. چند ساعت در هفته به چت کردن مشغول هستید؟

۲. چند ساعت در هفته را صرف بازی‌های رایانه‌ای و گروهی می‌نمایید؟

۳. چند ساعت در شبکه‌های اینترنتی حضور دارید؟

۴. چند ساعت در هفته را به مرور اخبار گروه‌های خبری و تفریحی اختصاص می‌دهید.

قدم دوم: مدیریت زمان استفاده از اینترنت

برای استفاده از اینترنت برنامه‌ریزی خود را عوض کنید. اگر عادت دارید که بعد از ظهرها در اینترنت بمانید، زمان استفاده از اینترنت را کم کنید. اگر تا پیش از این، چهل ساعت از هفته را در اینترنت می‌گذرانید، از این به بعد بیست ساعت در هفته را به این موضوع اختصاص دهید.

قدم سوم: پیدا کردن دوست خوب در دنیای واقعی

اغلب افرادی که ساعت زیادی در اینترنت هستند، از خانواده، دوستان، فعالیت‌های اجتماعی جدا شده‌اند. اگر شما ساعات استفاده از اینترنت را کاهش دهید و زمان بیشتری برای دوستان و آشنایان بگذارید و به تفریح و گردش، سینما و پارک بروید، فرصت استفاده از اینترنت محدود می‌شود.

تمرین ۱: شما کدام یک از این راه‌های بالا را قبول دارید؟ چرا؟

تمرین ۲: شما چه راه‌های دیگری برای کم کردن ساعات اینترنت می‌شناسید، بیان کنید.

سخنرانی

دربارهٔ استفاده از اینترنت، سخنرانی کنید.

دستور



ضمیر مشترک

این ضمیرها دو کاربرد اصلی دارند:

۱. وقتی فاعل مجبور باشد در جمله تکرار شود، در جایگاه دوم از ضمیر مشترک استفاده می‌شود.

جملات زیر را باهم مقایسه کنید:

مریم از مریم عکس گرفت = مریم از خودش عکس گرفت.

۲. برای تاکید هم می‌توانیم از ضمیر مشترک استفاده کنیم.

مثال: **من (خودم) ظرف‌ها را می‌شویم.**

فاعل	ضمیر مشترک	جمله
من	خودم	من خودم بازی می‌کنم.
تو	خودت	تو خودت بازی می‌کنی.
او	خودش	او خودش بازی می‌کند.
ما	خودمان	ما خودمان بازی می‌کنیم.
شما	خودتان	شما خودتان بازی می‌کنید
آنها	خودشان	آنها خودشان بازی می‌کنند.

نوشتن



موضوع: دربارهٔ چگونگی استفاده از اینترنت انشا بنویسید.

موضوع: چگونگی استفاده از اینترنت

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن) ☐

اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن) ☐

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن) ☐

زبان: ٦ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا) ☐

نمرهٔ توصیفی: عالی(۲۰-۱۹) ○ خیلی خوب (۱۸-۱۷) ○ خوب (١٦-١٤) ○ متوسط(۱۱-۱۳) ○ تلاش بیشتر(۱۰-۰) ○

درس سوم: ورزش و سلامتی

واژه‌های جدید

محبـوب، هندبـال، تنیـس روی میـز، بدمینتـون، وزنه‌بـرداری، کشـتی، اسـکی، کوه‌نـوردی، بوکـس، تکوانـدو، پیـاده‌روی، دو و میدانـی، اسب‌سـواری، سـوارکاری، تیرانـدازی، جـودو، شـنا، واترپلـو، هاکـی روی یـخ، کریکـت، ورزش باسـتانی، دسـته، انفـرادی، رزمـی، راکـت، تشـک، سـالن ورزشـی، زمیـن چمـن، خـوش آمـدن، آی گفتـی، پیسـت، رالـی، دوچرخه‌سـواری، باشـگاه، بدنسـازی، جـودو، تنبـل، فایـده، تلـف کـردن، قـوی، هم‌سـن، بی‌حوصلـه، حرکـت کششـی، دراز کشـیدن، صـاف، کـف پـا، وضعیـت.

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با انواع ورزش‌های انفرادی و گروهی آشنا شود.

۲. وسایل مورد نیاز برای هر ورزش را بداند.

۳. با مکان‌های مناسب برای هر ورزش آشنا شود.

۴. چند حرکت ورزشی را بداند.

۵. قانون حذف حرف اضافه در حالت گفتاری را یاد بگیرد.



درس سوم: ورزش و سلامتی



واژه‌ها و اصطلاحات

انواع ورزش‌ها

فوتبال، والیبال، بسکتبال، هندبال، تنیس روی میز (پینگ‌پنگ)، بدمینتون، تنیس، وزنه‌برداری، کشتی، اسکی، کوه‌نوردی، بوکس، ژیمناستیک، تکواندو، پیاده‌روی، دو و میدانی، اسب‌سواری (سوارکاری)، تیراندازی، جودو، شنا، واترپلو، هاکی روی یخ، کریکت، ورزش باستانی



۱. محبوب‌ترین ورزش ها در کشور شما چیست؟
۲. کشور شما معمولاً در کدام رشته ها در المپیک مدال می‌گیرد؟
۳. به کدام یک از ورزش‌های زیر بیشتر علاقه دارید؟



تمرین

الف) ورزش‌های بالا را در دسته‌های زیر فهرست کنید.







ورزش‌های انفرادی	ورزش‌های گروهی	ورزش‌های آبی	ورزش‌های رزمی	ورزش‌های زمستانی
....	....	....	....	....
....	....	....	....	....
....	....	....	....	....
....	....	....	....	....
....	....	....	....	....



تمرین

ب) به نظر شما چه ورزشی برای این افراد مناسب‌تر است؟









واژه‌ها و اصطلاحات

این واژه‌ها مربوط به چه ورزش‌هایی هستند؟ (می‌توانید برای هر واژه چندین ورزش بنویسید)

واژه	ورزش
توپ	
راکت	
استخر	
تشک	
دست‌کش	
کفش	
عینک	
میز	
حلقه	





شنیدن



الف) گفتگوهای زیر را بشنوید در هر گفتگو افراد در مورد چه ورزشی صحبت می‌کنند؟

	فوتبال	پیاده‌روی	بسکتبال	شنا	کشتی	کوهنوردی	والیبال	جودو	ورزش باستانی
۱									
۲									
۳									
۴									
۵									

ب) یک بار دیگر گفتگوها را بشنوید و حدس بزنید هر گفتگو با چه جمله‌ای تمام می‌شود.

۱
- الف) فکر خوبی است.
- ب) نه من خیلی وقت ندارم.
- ج) بعداً با شما تماس می‌گیرم.

۲
- الف) من از فوتبال خوشم نمی‌آید.
- ب) من از والیبال خوشم نمی‌آید.
- ج) فکر خوبی است.

۳
- الف) آره من عاشق شنا کردنم.
- ب) نه من کفش کتانی ندارم.
- ج) آره من صبح زود سر کار می‌روم.

۴
- الف) یک ورزش گروهی است.
- ب) یک ورزش زمستانی است.
- ج) یک ورزش انفرادی است.

۵
- الف) آی گفتی.
- ب) ورزش خیلی خوب است.
- ج) من امروز خیلی کار دارم.

پیش گفتگو

سالن (فوتبال، والیبال، بسکتبال، هندبال)

زمین (فوتبال، تنیس)

پیست (رالی، دوچرخه‌سواری، دو و میدانی، اسب‌سواری)

باشگاه (بدنسازی، جودو، تکواندو، کشتی، بوکس)

مکان‌های ورزشی








گفتگو



- سلام. خسته نباشید.

- سلام علیکم. ممنون. شما هم همین‌طور.

- امروز هوا خیلی خوب است. شما هر روز می‌آیید پارک؟

- هر روز که نه؛ بیشتر روزهای تعطیل می‌آیم. شما چطور؟

- من هر روز صبح می‌آیم پارک؛ هفته‌ای سه بار هم می‌روم استخر.

- استخر؟ من هم خیلی دوست دارم بروم استخر؛ ولی شنا بلد نیستم.

- می‌خواهی به شما شنا یاد بدهم؟

- واقعاً!؟



کار گروهی



مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- چه ورزشی دوست داری؟
- کی ورزش می‌کنی؟
- با کی ورزش می‌کنی؟
- فردا ساعت چند می‌روی فوتبال؟
- دیروز رفتی استخر؟
- چند روز در هفته ورزش می‌کنی؟

- آخر هفته می‌روم استخر.
- صبح‌ها وقت ندارم ورزش کنم.
- اصلاً حوصلهٔ ورزش ندارم.
- بعضی وقت‌ها با دوستم می‌روم باشگاه.
- کوهنوردی سخت است.
- من عاشق اسب‌سواری هستم.







بحث آزاد

۱. چرا باید ورزش کنیم؟
۲. ورزش مورد علاقهٔ شما چیست؟ چرا؟
۳. به نظر شما روزانه چند ساعت باید ورزش کرد؟
٤. آیا در ده سال آینده مردم دنیا چاق‌تر می‌شوند یا لاغرتر؟ چرا؟
۵. چطور می‌توانیم افراد تنبل را به ورزش کردن تشویق کنیم؟

سلام
من یک پسر چهارده ساله دارم. او عاشق بازی‌های کامپیوتری است و هر روز حدود چهار یا پنج ساعت از کامپیوتر استفاده می‌کند؛ اصلاً ورزش نمی‌کند. من همیشه نگران سلامتی او هستم. به نظر شما بازی‌های کامپیوتری برای یک نوجوان چهارده ساله خطرناک است؟



سلام. به نظر من ضرر بازی‌های کامپیوتری برای نوجوانان خیلی بیشتر از فایدهٔ آن است. بچه‌های ما معمولاً چاق هستند و اضافه وزن دارند و دلیل اصلی آن همین بازی‌های کامپیوتری است. به نظر من، اصلاً به او اجازه ندهید بازی‌های کامپیوتری کند.



سلام. به نظر من همه بچه‌ها مثل هم نیستند؛ بعضی‌ها ورزش کردن را دوست دارند و بعضی‌ها دوست ندارند. پسر شما چهارده سال دارد و خودش می‌داند چقدر ورزش کند.



سلام. من با کامپیوتر کاملاً مخالفم. چون بچه‌ها نمی‌توانند خوب درس بخوانند. شما باید برای کامپیوتر او رمز بگذارید تا او کمتر از رایانه استفاده کند با این کار او وقت بیشتری برای درس و ورزش کردن دارد.



سلام. من یک پسر دوازده ساله دارم. او خیلی پرانرژی و بازیگوش است. او عاشق ورزش است و برای همین کمی از بچه‌های هم‌سن خودش قوی‌تر است. او معمولاً در مدرسه و باشگاه با همه دعوا می‌کند و مشکل به وجود می‌آورد. بعضی وقت‌ها من و مادرش می‌گوییم، کاش او در خانه می‌ماند و بازی‌های کامپیوتری انجام می‌داد.

نظر شما چیست؟ بازی‌های کامپیوتری برای بچه‌ها خوب است یا نه؟
با همکلاسی‌های خود بحث کنید.

خواندن



ورزش صبحگاهی

حتماً خیلی از صبح‌ها با شنیدن صدای زنگ ساعت، دوست داشتید آن را بشکنید! شما معمولاً خیلی بی‌حوصله از خواب بیدار می‌شوید و دوست ندارید از رختخواب بلند شوید و کارهای روزانه خود را انجام دهید. بهتر است قبل از شروع هر کاری پنج حرکت کششی ساده انجام بدهید. این حرکات باعث آرامش عضلات شما می‌شود و خون به تمام قسمت‌های بدنتان می‌رسد. نگران نباشید؛ این حرکت‌ها فقط چند دقیقه از وقتتان را می‌گیرد.

۱

برای انجام دادن این حرکت کششی باید در عضلات پای عقب (مخصوصا ساق پا) احساس کشش کنید. برای شروع حرکت، ابتدا باید جلوی دیوار بایستید؛ سپس پای راست خود را به‌سمت دیوار خم کنید. پای پشتتان باید صاف باشد. هر دو پایتان باید محکم روی زمین قرار بگیرند. با دستان خود به سمت دیوار نیرو وارد کنید. این کار را با پای مخالف تکرار کنید.

۲

اگر یک بندِ کشی دارید، از آن برای این حرکت استفاده کنید تا بتوانید پایتان را تا ارتفاع بیشتری بالا ببرید. روی زمین دراز بکشید. پای راستتان را روی زمین خم کنید. پای دیگرتان را به سمت بالا صاف نگه دارید تا بتوانید زاویهٔ ۹۰ درجه بسازید؛ سپس این حرکت را با پای مخالف تکرار کنید. همچنین شما می‌توانید پای خود را به‌کمک یک پارچه در هوا نگه دارید.

۳

در حالت نشسته، ابتدا گردن خود را به‌آرامی به سمت راست بچرخانید و ۳۰ تا ۶۰ ثانیه در این حالت باقی بمانید. سپس گردنتان را صاف نگه دارید و بعد از ۵ ثانیه گردنتان را به سمت چپ بگردانید و در این حالت نیز ۳۰ تا ۶۰ ثانیه باقی بمانید.



به نظر شما تصویرهای زیر مربوط به کدام یک از متن‌های بالا است؟









دربارهٔ ورزش مورد علاقهٔ خود سخنرانی کنید.



گاهی در زبان محاوره حروف اضافه «به» و «در» حذف می‌شوند.

۱. علی در خانه است.	←	علی خانه است.
۲. سمیرا به مدرسه رفت.	←	سمیرا رفت مدرسه.
۳.صادق و برادرش به بازار رفتند.	←	صادق و برادرش رفتند بازار.
۴. شمیم به استخر می‌رود.	←	شمیم می‌رود استخر.



الف) جمله های زیر را با حذف حرف اضافه به زبان محاوره بازنویسی کنید.

۱. کودک تنها به پارک می‌رود.	
۲. او پدرش را به بیمارستان برد.	
۳. مادر در خانه است.	
۴. کتاب را به استاد داد.	
۵. آنها هر هفته به استخر می‌روند.	

ب) حروف اضافهٔ حذف‌شده را به جملات اضافه کنید.

۱ می‌روم بازار. ....

۲ ما همیشه رستوران غذا می‌خوریم. ....

۳ مادر بچه را می‌برد مدرسه. ....

۴ پدرت می‌رود سرِکار. ....

۵ من چهارشنبه‌ها می‌روم باشگاه. ....

۶ حسن کتاب را بُرد مدرسه. ....

نوشتن


موضوع : مردم در کشور شما به چه ورزش‌هایی علاقه دارند؟ انشا بنویسید.

موضوع: ورزش‌های مورد علاقهٔ مردم کشورم

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن) ☐

اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن) ☐

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن) ☐

زبان: ٦ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا) ☐

نمرهٔ توصیفی: عالی(۲۰-۱۹) ◯ خیلی خوب (۱۸-۱۷) ◯ خوب (١٦-١٤) ◯ متوسط(۱۱-۱۳) ◯ تلاش بیشتر(۱۰-۰) ◯

درس چهارم: رسانه و خبر

واژه‌های جدید

ماهـواره، رسـانه، تیتر(عنـوان)، صـدا و سـیما، اعتمـاد، سـایت خبـری، مجلـه، سـالمند، اقتصـادی، سیاسـی، مرکبـات، انـرژی هسـته‌ای، مذاکره‌کننـده، کمـپ، درگذشـتن، عامـل، حوالـی، فارغ‌التحصیـل، طـلاق دادن، طـلاق گرفتـن، رکـورد، دراز کشـیدن، اسـلحه، سـرقت، صنـدوق‌دار، بالگـرد، تعقیـب کـردن، زود بـاش، دسـتگیر شـدن، خواب‌آلـود، بازداشـت شـدن.

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با انواع رسانه‌ها آشنا شود.
۲. تیترهای خبری را بشناسد.
۳. اخبار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... را تشخیص دهد.
۴. کاربرد زمان گذشته ساده را بداند.
۵. بتواند به‌خوبی از افعال گذشته ساده در جمله‌ها استفاده کند.



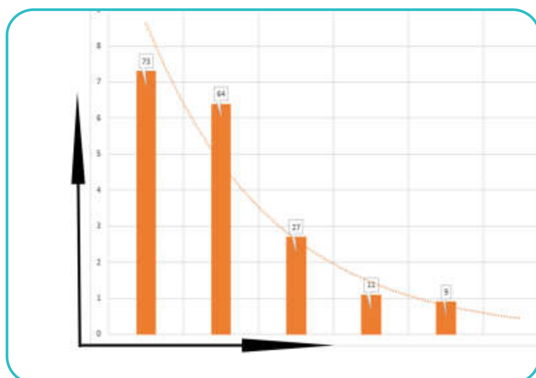
واژه‌ها و اصطلاحات



درس چهارم: رسانه وخبر

میزان اعتماد مردم تهران به رسانه‌ها

۱. رادیو و تلویزیون ایران (صدا و سیما)	٪۷۳
۲. روزنامه‌ها، مجله‌ها و سایتهای خبری ایرانی	٪۶۴
۳. شبکه‌های ماهواره‌ای	٪۲۷
٤. رادیوهای خارجی فارسی‌زبان	٪۱۱
۵. روزنامه‌های خارجی	٪۹



شما از کدام رسانهٔ خبری بیشتر استفاده می‌کنید؟

شما بیشتر به کدام رسانه اعتماد دارید؟ چرا؟ جدول زیر را کامل کنید.



	کاملاً اعتماد دارم (٪۱۰۰)	اعتماد دارم (٪۷۵)	تقریباً اعتماد دارم (٪۵۰)	کم اعتماد دارم (٪۲۵)	اصلاً اعتماد ندارم (٪۰)
تلویزیون					
رادیو					
روزنامه‌ها					
سایت‌های خبری					
مجله‌ها					

شنیدن

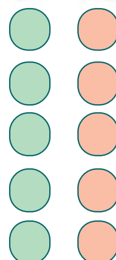


الف) گفتگوها را بشنوید و بگویید این افراد از کدام رسانه استفاده کرده اند؟

	تلویزیون	رادیو	روزنامه ومجله‌ها	سایت خبری
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				



ب) یک بار دیگر گفتگوها را بشنوید. جملات زیر درست هستند یا نادرست؟



۱. آنها به ورزش فوتبال علاقه دارند.

۲. قیمت نفت در هفتهٔ آینده حتماً پایین‌تر می‌آید.

۳. الان زمستان است.

٤. خانم محمدی معلم است.

۵. شربت عسل را با عسل، آبلیمو و آب سرد درست می‌کنند.



واژه‌ها و اصطلاحات

انواع خبر: تیترهای خبری زیر مربوط به چه نوع خبری هستند؟

تیتر خبر	انواع خبر
مثال: بهترین راه برای درمان کمردرد .... چ) پزشکی - سلامت	الف) اقتصادی
۱. مسئولین ایران و عراق دیروز با هم گفتگو کردند.	ب) ورزشی
۲. تصادف دو اتوبوس در ترکیه	پ) سیاسی
۳. باران شدید در شمال ایران	ت) فرهنگی، هنری
۴. قیمت طلا باز هم افزایش یافت.	ث) حوادث
۵. ترافیک در اتوبان کرج – چالوس	ج) اجتماعی
۶. فرهنگ کمک به سالمندان در تهران	چ) پزشکی- سلامت
۷. والیبالیست‌های ایران، برزیل را شکست دادند؛ ایران ۳ برزیل ۲	ح) آب و هوا
۸. فیلم «محمد رسول الله» در سینما آزادی	خ) ترافیک



تمرین

هر کدام از موارد زیر چه نوع خبری هستند؟ هر بخش ممکن است بیش از یک پاسخ داشته باشد.



بازار میوهٔ شب عید.

آقای «شعبانی» گفت تاکنون محصول مرکبات استان به حدود یک میلیون تن رسیده و تا عید نوروز به یک میلیون و ۳۰۰ هزار تن می‌رسد.



تیم هسته‌ای ایران فردا به ژنو می‌رود.

تیم مذاکره کنندهٔ هسته‌ای ایران فردا به شهر ژنو می‌رود تا گفتگو های هسته‌ای ایران با گروه ۱+۵ را آغاز کند.



قهرمان کشتی جهان کفش‌های زائران حسینی را واکس می‌زند.

سعید عبدولی، قهرمان کشتی جهان با گروه زائران اربعین حسینی به استان خوزستان آمد و کفش‌های زائران حرم مطهر امام حسین(علیه‌السلام) را واکس زد.



بازیگر معروف سینما و تلویزیون درگذشت.

انوشیروان ارجمند که مدتی پیش به دلیل بیماری قلبی در بیمارستان پارسیان تهران بستری شده بود، روز یکشنبه ۲۳ آذرماه از دنیا رفت.



مهمترین عامل دل درد کودکان

دل‌درد یکی از مشکلاتی است که در کودکان چهار سال به بالا دیده می‌شود. این بیماری در کودکان کمتر از چهار سال معمولاً با گریه و غذا نخوردن خود را نشان می‌دهد.



ورود کامیون به فروشگاه

امروز صبح یک دستگاه کامیون از جاده خارج شد و وارد چند فروشگاه در میدان هفت تیر شد. خوشبختانه در این حادثه کسی آسیب ندید.

پیش گفتگو

خبر خوش	خبر بـــد
۱. امروز تولد دخترم است.	۱. چند روز پیش، پدر دوستم فوت کرد.
۲. دیروز دوستم بچه‌دار شد.	۲. دوست خواهرم دیروز تصادف کرد.
۳. هفتهٔ پیش برادرم ازدواج کرد.	۳. هفتهٔ پیش برادرم همسرش را طلاق داد.
۴. ماه پیش خواهرم فارغ‌التحصیل شد.	۴. سال گذشته پدربزرگم به دلیل بیماری از دنیا رفت.
۵. چند روز پیش، همسرم در کنکور قبول شد.	۵. امسال همسرم بیمار شد و در کنکور قبول نشد.
۶. پریروز دوستم یک شغل جدید پیدا کرد.	۶. پریروز دوستم از کارش اخراج شد.





خبر خوش

- سلام، یک خبر خوش!
- سلام. خوش‌خبر باشی.
- دیروز یک کار خوب پیدا کردم.
- راست می‌گویی؟ مبارک باشد.
- سلامت باشی.



خبر بد

- سلام،چی‌شده؟چرا امروز لباس سیاه پوشیدی؟
- پریروز پدرم فوت کرد.
- جدی؟ای وای! تسلیت‌می‌گویم. خدابه شما صبر بدهد.
- ممنون.



مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود دربارهٔ خبر خوش و خبر بد گفتگو کنید.

- تسلیت می‌گویم، خدا صبرتان بدهد.
- شیرینی یادت نرود.
- روحش شاد باشد.
- ای وای! خدا رحمتش کند.
- یک خبرِ خوش.
- خوش‌خبر باشی.
- قدم نو رسیده مبارک.
- تبریک می‌گویم. مبارک باشد.

بحث آزاد



۱. شما معمولاً در روز چند ساعت به اخبار گوش می‌دهید؟

۲. در کشور شما مردم از کدام رسانهٔ خبری بیشتر استفاده می‌کنند؟

۳. آیا شما شبکه‌های خبری کشورهای دیگر را می‌بینید؟ چرا؟



مسعود

من به اخبار بعضی از کشورهای دیگر گوش نمی‌دهم؛ چون فقط به شبکه‌های خبری کشور خودم اعتماد دارم.
سؤال من این است که پول آن شبکه‌ها را چه کسی می‌دهد؟
معلوم است؛ دولت‌هایی که با کشور من مخالف هستند، می‌خواهند افکار و عقاید ما را تغییر دهند.



منتظر

به نظر من گوش دادن به اخبار خنده‌دار است. اخبار فقط همین است: جنگ، جنگ، جنگ! شبکه‌های خبری فقط می‌خواهند که مردم را بترسانند؛ چون وقتی مردم می‌ترسند، به دنبال کسی می‌گردند از او کمک بگیرند.
شبکه‌های خبری اول با دروغ‌هایشان همه را می‌ترسانند و بعد به مردم می‌گویند، فقط ما می‌توانیم به شما کمک کنیم. به نظر من اینها همه فقط یک بازی سیاسی است. اصلاً نباید به اخبار گوش داد.



بهاران

امروز ما در یک روستای جهانی زندگی می‌کنیم. یک حادثه کوچک در یک شهر کوچک می‌تواند زندگی همهٔ مردم دنیا را تغییر دهد؛ پس باید بدانیم در این دنیا چه خبر است. من هم با شما موافقم که بعضی شبکه‌های خبری دروغ می‌گویند؛ اما گوش ندادن به اخبار اشتباه است.
اگر فقط به یک شبکهٔ خبری گوش کنیم، ممکن است آن شبکه به ما دروغ بگوید؛ پس ما باید به اخبار چند شبکه گوش کنیم تا بفهمیم کدام خبر دروغ است و کدام خبر راست.



A.Ch

من دکتر هستم و هر روز از صبح تا شب در بیمارستان کار می‌کنم؛ برای همین زمان زیادی ندارم تا هر روز به اخبار چند شبکه گوش کنم. من هر شب قبل از خواب فقط نیم‌ساعت اخبار گوش می‌کنم.
لازم نیست از صبح تا شب به شبکه های خبری مختلف گوش کنیم؛ فقط باید خوب فکر کنیم. همین و بس!

۱. آیا فقط باید به شبکه‌های داخلی اعتماد کرد؟

۲. آیا همهٔ شبکه‌های خبری دروغگو هستند؟

۳. آیا آنقدر وقت داریم تا همهٔ شبکه‌های خبری را ببینیم؟

۴. نظر شما چیست؟

خواندن



هیچ‌وقت زود قضاوت نکنیم.

مرد پیری با پسر ۲۵ ساله‌اش در قطار نشسته بودند، قطار شروع به حرکت کرد. آن پسر پنجره را باز کرد و دستش را از پنجره بیرون برد و فریاد زد: پدر نگاه کن درخت هاحرکت می کنند. پیرمرد لبخند زد. خانم و آقایی که کنار آن پسر بودند از اینکه پسر مانند یک کودک پنج ساله رفتار می کرد ناراحت شدند. ناگهان جوان دوباره با خوشحالی فریاد زد: پدر نگاه کن، رودخانه، حیوانات و ابرها با قطار حرکت می‌کنند. باران شروع شد. چند قطره باران روی دست پسر جوان بارید و با لذت آن را لمس کرد و دوباره فریاد زد: پدر نگاه کن. باران می‌بارد. آن مرد و زن جوان بسیار ناراحت شدند و به آن مرد پیر گفتند: چرا شما پسرتان را دکتر نمی‌برید؟ چرا وقتی چیزی می‌بیند فریاد می‌زند. مرد پیر گفت:«ما همین الان از بیمارستان آمدیم. او تا امروز نابینا بود و بعد از ۲۵ سال برای اولین بار می‌تواند چیزها را خوب ببیند.»

یک لنگه کفش



روزی آقای گاندی در حین سوار شدن به قطار یک لنگه کفشش درآمد و روی خط آهن افتاد. او به خاطر حرکت قطار نتوانست لنگه کفش را بردارد.

در همان لحظه آقای گاندی لنگهٔ دیگر کفشش را از پای درآورد و آن را به بیرون قطار پرتاب کرد. لنگهٔ کفش او نزدیک لنگه کفش قبلی افتاد.



یکی از همسفران پرسید: «آقای گاندی چرا این کار را کردید؟»

گاندی خندید و در جواب گفت: «مرد فقیری که لنگهٔ کفش قبلی را پیدا کند، حالا می‌تواند لنگهٔ دیگر آن را نیز بردارد و از آن استفاده کند.»





نماز اول وقت چوپان

جوانی به یکی از روستاها سفر کرده بود. وقت اذان ظهر مشاهده کرد چوپانی مشغول خواندن نماز است و گوسفندان هم کنار او مشغول خوردن سبزه‌ها و گیاهان هستند. از دیدن این صحنه لذت برد و خودش را به چوپان رساند. از او پرسید. چرا نمازت را اول وقت خواندی؟



چوپان جواب داد:«وقتی من برای گوسفندانم «نی» می‌زنم آنها سریع اطراف من جمع می‌شوند. حالا که وقت نماز است و خدا من را صدا می‌کند، اگر من به طرف خدا نروم و زود نماز نخوانم از گوسفندانم هم کمتر هستم.»

تمرین





بر اساس متن کدام‌یک از جملات زیر درست هستند و کدام نادرست؟







۱. پسر ۲۵ساله از اینکه با قطار سفر می‌کرد، خیلی خوشحال بود.

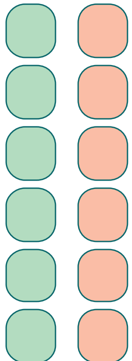
۲. آن مرد و خانم جوان گفتند رفتار آن جوان، مثل کودک ۶ ساله است.

۳. هنگام حرکت اتوبوس آقای گاندی کفش خود را بیرون انداخت.

٤. آقای گاندی می‌خواست با پرتاب کردن لنگه کفش به یک انسان فقیر کمک کند.

۵. وقتی چوپان نی می‌زد، گوسفندان اطراف او جمع می‌شدند.

٦. چوپان یک ساعت بعد از اذان نماز می‌خواند.



سخنرانی



دربارهٔ بهترین و بدترین خبری که شنیده‌اید، سخنرانی کنید.



دستور

کاربرد گذشتهٔ ساده

کاربرد گذشتهٔ ساده: کاری در گذشتهٔ دور یا نزدیک انجام شده و تمام شده است.

یادآوری:

مصدر بدون «ن» = بن ماضی

ساخت فعل گذشتهٔ ساده

بن ماضی + شناسه = فعل گذشتهٔ ساده

خورد + م = خوردم

صرف فعل: من خوردم /تو خوردی / او خورد /ما خوردیم / شما خوردید / آنها خوردند



الف) متن زیر را با نوشتن فعل مناسب (مثبت / منفی)کامل کنید.

من دیروز مریض بودم و به دانشگاه .... (رفتن). پدرم ساعت ۴ بعداز ظهر من را به مطب پزشک .... (بردن). من ۱۰دقیقه در مطب .... (نشستن). مطب شلوغ .... (بودن). دکتر ساعت ۴:۱۰ من را .... (معاینه کردن) و برای من دارو .... (نوشتن). من آمپول دوست ندارم و دکتر برای من آمپول .... (نوشتن). دکتر فقط قرص و شربت برای من .... (نوشتن). ساعت ۵ به خانه .... (برگشتن). داروهایم را .... (خوردن) و .... (خوابیدن).

ب) جملات زیر را به زمان گذشتهٔ ساده تبدیل کنید.

۱ سارا هر روز به مدرسه می‌رود.

۲ او غذاهای خوشمزه‌ای می‌پزد.

۳ آنها ساعت یک بعد از ظهر ناهار می‌خورند.

٤ امروز مقدار زیادی نان می‌خرم.

٥ ماهی‌گیر صبح زود سوار قایق می‌شود.

٦ پلیس دزد را در خیابان تعقیب می‌کند.

نوشتن


موضوع : به نظر شما یک رسانهٔ خبری خوب چه رسانه‌ای است؟ انشا بنویسید.

موضوع: ویژگی‌های یک رسانهٔ خبری خوب

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن) ☐ اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن) ☐

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن) ☐ زبان: ٦ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا) ☐

نمرهٔ توصیفی: عالی(۲۰-۱۹) ◯ خیلی خوب (۱۸-۱۷) ◯ خوب (١٦-١٤) ◯ متوسط(۱۱-۱۳) ◯ تلاش بیشتر(۱۰-۰) ◯

درس پنجم: آسیب‌های بدنی و حوادث

واژه‌های جدید

پانسمان، چسب، بخیه، سِرُم، گچ، معاینه، نوار قلب، عکس رادیولوژی، فشار خون، بُریدن، ورم کردن، کبود شدن، خراشیده شدن، در رفتن، سوختن، آسیب‌دیدگی، باند، گاز استریل، ساق پا، عفونت، آرنج، سرگیجه، حالت تهوع، ضعف، بی‌اشتهایی، آب ریزش بینی، به خیر گذشتن، مقصر، کنسل کردن، خون‌ریزی، حرارت، آغشته شدن، پیوند زدن، قطع شدن، مدام، بند آمدن (خون)، مصدوم، زلزله‌زده، مجروح، امدادگر، ناپدید شدن، آشامیدنی، توزیع کردن.

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. واژه‌های مرتبط با آسیب‌های بدنی را بشناسد.

۲. با برخی از افعال مرکب مربوط به درمان آشنا شود.

۳. برخی از اقدامات درمانی برای آسیب‌های بدنی را بداند.

۴. روش ساخت ماضی نقلی را بداند.

۵. بتواند به‌خوبی از ماضی نقلی در جمله‌ها استفاده کند.



درس پنجم: آسیب‌های بدنی و حوادث

واژه‌ها و اصطلاحات



واژه‌های زیر را به تصویرها وصل کنید.

پانسمان کردن — بخیه — سِرُم — نوارِقلب — فشار خون گرفتن













آمپول زدن — عکس رادیولوژی — گچ گرفتن — چسب — معاینه کردن

تمرین

الف) هرکدام از اسم‌های زیر با چه مصدری می‌آید؟ (بعضی از واژه‌ها بیش از یک پاسخ دارند)

پانسمان — چسب — بخیه — آمپول — سرم — گچ — معاینه — نوارقلب — عکس رادیولوژی — فشار خون

کردن — زدن — گرفتن

تمرین

ب) جملات زیر را با واژه‌ها و عبارت‌های مناسب کامل کنید. (هر جمله بیش از یک پاسخ دارد.)

۱. دیروز مادرم در آشپزخانه انگشتش را با چاقو برید. ما او را به بیمارستان بردیم و دکتر ....

۲. پارسال پسرم از پله‌ها افتاد و پایش شکست. من او را به بیمارستان بردم و دکتر ....

۳. امروز همکلاسی من دل‌درد گرفت. ما او را به اورژانس بیمارستان بردیم و دکتر ....

۴. دو روز پیش، قلب پدربزرگم درد گرفت. ما او را به بیمارستان بردیم و دکتر ....

۵. هفتهٔ گذشته سرما خوردم و نتوانستم سر کار بروم. همسرم من را به بیمارستان برد و دکتر ....



واژه‌ها و اصطلاحات

هر جمله مربوط به کدام تصویر است؟

الف) انگشت او بریده است.

ب) کمر او درد می‌کند.

پ) پای او ورم کرده است.

ت) دست او شکسته است.

ث) چشم او کبود شده است.

ج) آرنج او خراشیده شده است.

چ) انگشت پای او در رفته است.

ح) پای او سوخته است.


۶


۷


۸


۳


۴


۵


۱


۲





شنیدن

الف) به گفتگوها گوش دهید و زمان حادثه را مشخص کنید.

	گفتگوی اول	گفتگوی دوم	گفتگوی سوم	گفتگوی چهارم
زمان حادثه				

ب) به گفتگوها گوش دهید و نوع آسیب‌دیدگی را مشخص کنید.

	گفتگوی اول	گفتگوی دوم	گفتگوی سوم	گفتگوی چهارم
نوع آسیب‌دیدگی				

ج) یک‌بار دیگر به گفتگوها گوش دهید و درست یا نادرست بودن  جمله‌های زیر را تعیین کنید.

گفتگوی ۱

الف) دکتر دست او را بخیه زد.

ب) دکتر دست او را با گاز استریل و باند پانسمان کرد.

گفتگوی ۲

الف) ساق پای او شکسته است.

ب) بیمار عکاس است.

گفتگوی ۳

الف) دست بیمار عفونت کرده است.

ب) دست بیمار خیلی درد ندارد.

گفتگوی ۴

الف) آرنج بیمار هنگام بازی کردن آسیب دیده است.

ب) دکتر برای درمان، آرنج او را گچ می‌گیرد.

پیش گفتگو

نشانه‌های بیماری

سرم درد می‌کند.	سرگیجه دارم.
پایم درد می‌کند.	حالت تهوع دارم.
دستم درد می‌کند.	ضعف دارم.
عطسه می‌کنم.	بی‌اشتها هستم/ اشتها ندارم.
سرفه می‌کنم.	آب‌ریزش بینی دارم.

گفتگو



گفتگو با همراه بیمار

- سلام.
- چی شده آقا؟
- از پله‌ها افتاده آقای دکتر. سرش شکسته.

گفتگو با بیمار

- سلام پسرم؛ صدایم را می‌شنوی؟
- سلام. بله آقای دکتر.
- اسمت چیست؟
- سیاوش.
- سیاوش جان سرت خیلی درد می‌کند؟
- بله.
- سرگیجه هم داری؟
- بله، زیاد. نمی‌توانم بایستم.
- حالت تهوع هم داری؟
- نه. فقط سرم درد می‌کند.

گفتگو با همراه بیمار

- شکستگی سرش خیلی زیاد نیست. آن را برایش بخیه می‌زنم؛ اما اول باید از سرش عکس رادیولوژی بگیری.
- ممنون خانم دکتر.
- خواهش می‌کنم.

کار گروهی



مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- باید دستت را پانسمان کنیم.
- باید انگشتت را بخیه بزنیم.
- باید به شما آمپول / سرم بزنیم.
- باید پایت را گچ بگیری.
- باید نوار قلب / عکس رادیولوژی بگیری.
- انگشت شما در رفته است.
- پای شما سوخته است.

- اجازه بدهید فشار خون شما را بگیرم.
- اجازه بدهید چشم / گوش شما را معاینه کنم.
- بگذارید چشم / گوش شما را معاینه کنم.
- بگذارید فشار خون شما را بگیرم.
- به خیر گذشت.
- پای شما ورم کرده است.
- چشم شما کبود شده است.
- آرنج شما خراشیده شده.

بحث آزاد



ساعت ۱۰:۰۰ شب است. شما ساعت ۱۲:۰۰ یک پرواز خارجی بسیار مهم دارید. فاصلهٔ فرودگاه تا خانهٔ شما زیاد است. تاکسی می‌گیرید و از راننده می‌خواهید به سرعت شما را به فرودگاه برساند. وارد اتوبان بزرگی می‌شوید و در بین راه به راننده می‌گویید: آقای راننده عجله کن، پروازم دیر شده. راننده با سرعت زیاد رانندگی می‌کند؛ اما ناگهان با خانم جوانی که از اتوبان رد می‌شود، تصادف می‌کند!

مقصر در این تصادف کیست؟ شما در این شرایط چه کار می‌کنید؟



رانندهٔ تاکسی مقصر این حادثه است. راننده‌ای که نمی‌تواند خوب رانندگی کند، نباید این شغل را انتخاب کند. راننده باید با اورژانس تماس بگیرد و من هم با تاکسی دیگری به فرودگاه می‌روم.



اگر بیمارستان نزدیک باشد؛ او را با تاکسی به آنجا می‌برم؛ اما اگر دور باشد، با اورژانس تماس می‌گیرم تا دکترها به او کمک کنند و خودم با یک تاکسی دیگر به فرودگاه می‌روم.



به نظر من مقصر اصلی رانندهٔ تاکسی نیست، چون من به او گفتم که سریع رانندگی کند؛ پس باید پرواز را کنسل کنم و این خانم را به بیمارستان ببرم.



من اصلاً اجازه نمی‌دهم رانندهٔ تاکسی او را به بیمارستان برساند. رانندهٔ تاکسی که پزشک نیست! گاهی اوقات حرکت دادن چنین بیماری بسیار خطرناک است و به او آسیب‌های جدی می‌زند. من با اورژانس تماس می‌گیرم و بعد از آمدن اورژانس با یک تاکسی دیگر به فرودگاه می‌روم.



به نظر من مقصر اصلی آن خانم جوان است. چرا در یک شب تاریک از یک اتوبان بزرگ رد می‌شود؟



من اول با اورژانس تماس می‌گیرم، بعد هرچه آنها گفتند برای بیمار انجام می دهم؛ مثلاً اگر خونریزی شدید داشته باشد، زخم او را می‌بندم. به رانندهٔ تاکسی می‌گویم کنار بیمار باشد و من با یک تاکسی دیگر به فرودگاه می‌روم.



شما با کدام نظر بالا موافق هستید؟

اگر بیمار دوست شما باشد، چطور؟



خواندن

کمک‌های اولیه در سوختگی‌های ساده

۱. بهترین راه برای درمان سوختگی، سرد کردن آن با آب (حدود ۲۰ درجه) است. با این کار، پوست به سرعت سرد می‌شود و حرارت به قسمت‌های زیرین پوست نمی‌رسد. علاوه بر این، آب خنک درد را کاهش می‌دهد.

۲. گذاشتن سیب‌زمینی، خمیردندان، ریختن روغن و... هیچ کدام مفید نیستند. فقط و فقط از آب خنک و تمیز استفاده کنید.



کمک‌های اولیه در بریدگی‌ها

۱. یک گاز استریل یا پارچه تمیز و ضخیم روی محل بریدگی بگذارید و زخم را فشار دهید. تا وقتی خونریزی بند نیامده، پارچه را از روی زخم برندارید و فقط چند پارچه تمیز دیگر روی آن پارچه قرار دهید و فشار دهید.

۲. برای کاهش خونریزی، محل بریدگی را بالا بگیرند. محل خونریزی را آن‌قدر بالا بیاورید که بالاتر از قلب قرار گیرد.



کمک‌های اولیه در زمان قطع عضو

باید از عضو قطع‌شده به‌خوبی مراقبت شود تا پزشکان بتوانند با جراحی آن را دوباره به بدن پیوند بزنند. برای این کار لازم است:

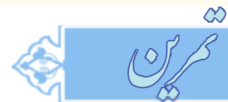
۱. عضو قطع‌شده را با آب تمیز کاملاً مرطوب کنید.

۲. عضو قطع‌شده را در گاز استریل یا پارچه تمیز بپیچید و در یک کیسه پلاستیکی تمیز قرار دهید.

۳. کیسهٔ پلاستیکی را محکم ببندید و در یک ظرف یخ یا آب یخ بگذارید.

٤. در کمترین فرصت، عضو قطع شده را همراه بیمار به بیمارستان ببرید.





تمرین

الف) بر اساس متن کدام‌یک از جملات زیر درست هستند و کدام نادرست؟

۱. محل سوختگی را با آب سرد کنید.

۲. استفاده از سیب‌زمینی، خمیردندان و روغن برای درمان سوختگی مناسب نیست.

۳. برای کنترل خونریزی مدام پارچهٔ روی زخم را عوض کنید تا خونریزی قطع شود.

۴. محل بریدگی را بالاتر از قلب بیاورید تا خونریزی کم شود.

۵. عضو قطع‌شده را در یک پارچهٔ تمیز و گرم نگهداری کنید.

۶. قبل از اینکه عضو قطع‌شده را در یک دستمال تمیز بگذارید، آن را با آب گرم خوب بشویید.

ب) با توجه به متن؛ معنای واژه‌های زیر را حدس بزنید.

حرارت	فشار دهید	مرطوب	خونریزی بند نیامده	پیوند بزنند.
....	....	....	....	....

سخنرانی

درباره‌ٔ یک حادثه که برای شما یا یکی از اعضای خانواده‌تان اتفاق افتاده است، سخنرانی کنید.

دستور



ماضی نقلی: از ماضی نقلی برای بیان کاری استفاده می‌شود که در گذشته اتفاق افتاده است و اثر و نتیجهٔ آن در زمان حال وجود دارد؛ مثال۱: دست من شکسته است. مثال۲: پای برادرم بریده است.

ماضی نقلی	بن ماضی + ه + ام، ای، است، ایم، اید، اند

بن ماضی+ ه + ام = رفته‌ام	مثال: من به کشور کانادا رفته‌ام.
بن ماضی+ ه + ای = رفته‌ای	تو تا به حال به لبنان نرفته‌ای.
بن ماضی+ ه + است = رفته‌است	فکر می‌کنم حسن به پارک رفته است.
بن ماضی+ ه + ایم = رفته‌ایم	من و برادرم به استخر رفته‌ایم.
بن ماضی+ ه + اید = رفته‌اید	تو و علی به خانهٔ پدربزرگتان رفته‌اید.
بن ماضی+ ه + اند = رفته‌اند	سلمان و خدیجه به رستوران رفته‌اند.

تمرین



الف) جاهای خالی را با فعل ماضی نقلی مناسب پر کنید.

۱. فکر می‌کنم پای مادرم .... (شکستن)
۲. من تا به حال به آفریقا .... (نرفتن)
۳. تا حالا آبگوشت ....؟ (خوردن)
۴. ما اتاق پذیرایی را دوباره .... (رنگ کردن)
۵. شما کی ....؟ (تصادف کردن)
۶. من تکالیفم را .... (ننوشتن)
۷. پدر و مادر من چند بار به مکه .... (رفتن)
۸. نمی‌دانم دستم ....(شکستن) یا ....(در رفتن)

تمرین





ب) دور فعل‌های ماضی نقلی در متن زیر خط بکشید.

روز گذشته در یک حادثهٔ آتش‌سوزی که در کشور عراق اتفاق افتاد، صدها خانه آتش گرفته است. تا کنون ۲۵۰ نفر دچار سوختگی شده‌اند و ۵۰ نفر جان خود را از دست داده‌اند. تعداد زیادی از مردم عراق به محل حادثه آمده‌اند تا به آسیب‌دیدگان کمک کنند.

اورژانس خیلی سریع به محل آتش‌سوزی رفته است و زخمی‌ها را به بیمارستان منتقل کرده است. مردم همچنان به دنبال افرادی می‌گردند که در آتش‌سوزی زیر خانه‌ها مانده‌اند؛ اما هنوز کسی را پیدا نکرده‌اند. مردمی که از نزدیک حادثه را دیده‌اند، می‌گویند علت آتش‌سوزی، ترکیدن لوله‌های نفتی است.

نوشتن



موضوع : دربارهٔ یک بیماری و راه‌های درمان آن، انشا بنویسید.

موضوع: توصیف یک بیماری و راه‌های درمان آن

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن) ☐ اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن) ☐

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن) ☐ زبان: ٦ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا) ☐

نمرهٔ توصیفی: عالی(۲۰-۱۹) ○ خیلی خوب (۱۸-۱۷) ○ خوب (١٦-١٤) ○ متوسط(۱۱-۱۳) ○ تلاش بیشتر(۱۰-۰) ○



درس ششم: بیمارستان

واژه‌های جدید

پزشـک عمومـی و متخصـص، مامـا، روان‌پزشـک، بیمـاری قلبـی، بـاردار، بریـدن، بیمـاری روحـی و روانـی، درمـان، مراقبـت کـردن، نوبـت گرفتـن، گوشـی، بسـتری شـدن، پرهیـز کـردن، نسـخه، نبـض، نوبـت دادن، وقـت قبلـی، منشـی، پذیـرش، آزمایشـگاه، رادیولـوژی، بخـش مراقبت‌هـای ویـژه، فیزیوتراپـی، تزریقـات، بخـش زنـان و زایمـان، مرخـص شـدن، تقویـت کـردن، ورم کـردن، اهـدا کـردن، فرصـت، تکه‌تکـه، مـرگ مغـزی، بی‌نظیـر، خاورمیانـه، پیشـرفته، خدمـات

اهداف درس

انتظار داریم دانشجو با خواندن این درس:

۱. با انواع تخصص‌های پزشکی آشنا شود.

۲. قسمت‌های گوناگون بیمارستان را بداند.

۳. شغل‌های گوناگونی را که در بیمارستان وجود دارد، بشناسد.

۴. با چند بیمارستان جالب و مجهز آشنا شود.

۵. تفاوت ماضی ساده و ماضی نقلی را بداند.

۶. بتواند به‌خوبی از زمان‌های ماضی ساده و ماضی نقلی در جمله استفاده کند.

واژه‌ها و اصطلاحات



درس ششم: بیمارستان

دو ستون زیر را به هم وصل کنید.

۱. پزشک عمومی	الف) دکتر بیماری‌های خاص؛ مثل متخصص قلب)
۲. پرستار	ب) پزشک مخصوص خانم‌های باردار.
۳. پزشک متخصص	پ) دکتر بیماری‌های چشم.
۴. چشم‌پزشک	ت) پزشکی که برای درمان، قسمتی از بدن بیمار را می‌شکافد.
۵. دندان‌پزشک	ث) دکتری برای درمان بیماری‌های روحی و روانی.
۶. ماما	ج) پزشکی برای درمان بیماری‌های معمولی مثل سرماخوردگی.
۷. جراح	چ) دکتر بیماری‌های دهان و دندان.
۸. روان‌پزشک	ح) کسی که در بیمارستان از بیماران مراقبت می‌کند.



تمرین

جاهای خالی متن را با استفاده از واژه‌های زیر کامل کنید.

نوبت بگیرید — درجه — گوشی — بستری شوید — نفس عمیق

پرهیز کنید — نسخه — نبض — نوبت می‌دهد — وقت قبلی

به مطب دکتر رفتن خیلی ساده است. اگر بخواهید دکتر متخصص شما را معاینه کند، باید از چند روز قبل .... ؛ یعنی باید با مطب دکتر تماس بگیرید و از منشی دکتر بخواهید اسم شما را بنویسد. منشی به شما می‌گوید، چه ساعتی باید به مطب بروید؛ اما برای دیدن دکتر عمومی نیاز به گرفتن .... نیست. شما به مطب می‌روید و منشی به شما .... هفتهٔ گذشته من سرما خوردم و به دکتر رفتم. دکتر، اول از من چند سؤال ساده پرسید. یک.................. در دهان من گذاشت و بعد از یک دقیقه به من گفت: «تب شما بالا است.»؛ سپس.................. را روی کمر و سینهٔ من گذاشت و از من خواست تا چند.................. بکشم؛ بعد.................. من را گرفت و در آخر هم فشار خونم را چک کرد. دکتر برای من یک .... نوشت و گفت: «شما باید دو روز در بیمارستان.................. و از خوردن غذاهای چرب و پرنمک ....»



واژه‌ها و اصطلاحات

هر واژه مربوط به کدام تصویر است؟

۱ نگهبانی/ حراست ( )	۲ پذیرش ( )	۳ آزمایشگاه ( )	۴ اورژانس ( )
۵ رادیولوژی ( )	۶ سی‌سی‌یو ( )	۷ فیزیوتراپی ( )	۸ تزریقات ( )
۹ بخش کودک ( )	۱۰ زنان و زایمان ( )		



الف



ب



پ



ت



ث



ج



چ



ح



خ



د

شنیدن



گفتگوهای زیر را بشنوید. هر یک از این گفتگوها در کدام بخش از بیمارستان است؟

	پزشک متخصص	رادیولوژی	حراست	سی سی یو	پزشک عمومی	اورژانس	پذیرش	زنان و زایمان	بخش کودک	تزریقات
۱										
۲										
۳										
۴										
۵										
۶										
۷										
۸										

پیش گفتگو

۱. چی شده؟	۶. عملتان خوب بوده؟
۲. بلا دور باشد!	۷. کی از بیمارستان مرخص می‌شوی؟
۳. الان بهتری؟	۸. إن‌شاءالله هر چه زودتر بهتر می‌شوی.
۴. خیلی نگرانتان شدیم.	۹. باید خودت را تقویت کنی.
۵. خدا خیلی بهتان رحم کرده.	۱۰. باید به خودت برسی.

گفتگو



- سلام! چه شده؟
- چیز مهمی نیست. یک دل‌درد ساده است.
- دکترها چه گفتند؟
- گفتند باید سه روز تو بیمارستان بستری شوم.
- سه روز؟ از کی بستری شدی؟
- از دیروز صبح.
- خیلی ناراحت شدم وقتی شنیدم مریض شدی؛ اما نگران نباش؛ ان‌شاءالله خیلی زود خوب می‌شوی.
- ممنون. خیلی زحمت کشیدید تشریف آوردید.
- خواهش می‌کنم، وظیفه است.



کار گروهی



مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- سلام علیکم!
- چطوری؟ خوبی؟
- بلا دور باشد.
- دکتر چه گفت؟
- الان بهتری؟
- کی مریض شدی؟
- خدا شفا بدهد.
- ان شاءالله زود خوب می‌شوی.

- انگشتم بریده است.
- یک کمی کمرم درد می‌کند.
- پایم ورم کرده است.
- دستم شکسته است.
- دستم در رفته است.
- پایم سوخته است.
- سرم درد می‌کند.
- کلیه‌ام درد می‌کند.



بحث آزاد

سلام! من مینا هستم و ۳۷ ساله هستم. دو پسر ۱۶ ساله و ۱۴ ساله دارم.
متأسفانه دیروز شوهرم تصادف کرد و امروز دکترها به من گفتند می‌توانم اعضای بدن شوهرم را به بیماران دیگر اهدا کنم. نمی‌دانم باید چه‌کار کنم. می‌ترسم تصمیم غلطی بگیرم. فرصت زیادی برای مشورت کردن ندارم. برای همین از شما می‌خواهم من را راهنمایی کنید.



به شما تسلیت می‌گویم.
فراموش نکنید، اهدای عضو کار بسیار خوبی است. وقتی شما اعضای بدن همسرتان را اهدا می‌کنید، فرزندانتان احساس می‌کنند پدرشان هنوز زنده است. این کار باعث آرامش شما می‌شود.



من هم به شما تسلیت عرض می‌کنم. به نظر من این کار اصلاً درست نیست! در هیچ دینی در مورد این موضوع صحبت نشده! این کار طبیعی نیست. چرا باید بدن یک نفر را پس از مرگ تکه تکه کنند؟ به نظر من خدا هم از این کار راضی نیست.



سلام. إن‌شاءالله خدا به شما صبر بدهد. من با اهدای عضو موافق هستم. به هر حال همهٔ انسان‌ها یک روز می‌میرند. اعضای بدن ما می‌توانند بعد از مرگ به یک یا چند بیمار کمک کند.



سلام دوستان! ما باید بدانیم شوهر مینا هنوز زنده است. زمانی که بعضی از دکترها احساس کنند یک نفر می‌تواند اعضای بدنش را اهدا کند، دیگر برای نجات او تلاش نمی‌کنند. منتظر می مانند تا بمیرد و بعد اعضای بدن او را می‌دزدند.



مینا جان سلام. من هم به شما تسلیت می‌گویم.
اعضای بدن یک فرد زمانی اهدا می‌شود که آن شخص، مرگ مغزی شده باشد و در این صورت یعنی او مرده است و هیچ پزشکی نمی تواند او را نجات دهد. من با اهدای اعضای او موافقم.



مینای عزیز سلام! تو الان باید خوب فکر کنی. تو دو فرزند داری. فرزندان تو بزرگ می‌شوند و بزرگ کردنشان پول زیادی می خواهد؛ پس با رئیس بیمارستان صحبت کن و اعضای بدن همسرت را به بیمارستان بفروش. مطمئن باش روح او با این کار خیلی خوشحال می‌شود.

اگر شما جای مینا بودید، چه‌کار می‌کردید؟
آیا شما با «اهدای عضو» موافقید؟



خواندن

معمولاً کسی دوست ندارد به بیمارستان برود. خیلی‌ها حتی از شنیدن نام بیمارستان هم می‌ترسند؛ اما آیا می‌توان کاری کرد که مردم زیاد از بیمارستان نترسند؟ بعضی از کارشناسان اعتقاد دارند، مردم از بیمارستان‌های زیبا کمتر می‌ترسند. به همین دلیل، در سراسر جهان بیمارستان‌هایی وجود دارد که بیشتر آنها شبیه هتل‌های پنج‌ستاره هستند. حالا با هم با چند بیمارستان مجهز و جالب آشنا می‌شویم.



● مرکز پزشکی کلمنسو (clemenceau)- بیروت، لبنان

بیمارستان «کلمنسو» پنج ستاره، دارای تلویزیون‌های بزرگ، اینترنت پرسرعت، اتاق‌های راحت و سالن‌های غذاخوری بزرگ است. سقف این بیمارستان با لامپ‌های رنگارنگ تزئین شده است. امکانات آزمایشگاهی، جراحی و پزشکی این بیمارستان نیز در دنیا بی‌نظیر است.



● بیمارستان بین‌المللی میلاد - تهران، ایران

این بیمارستان یکی از بزرگ‌ترین بیمارستان‌های ایران است و هر سال هزاران نفر از سراسر جهان برای درمان به این بیمارستان می‌آیند. مبل‌های راحت و تزئینات داخلی این بیمارستان بی‌نظیر است؛ اما مهم‌ترین ویژگی این بیمارستان قیمت مناسب خدمات آن است. امکانات پزشکی بیمارستان بسیار پیشرفته است؛ اما قیمت خدمات پزشکی آن در مقایسه با بیمارستان‌های اروپایی و امریکایی بسیار ارزان‌تر است.



● بیمارستان کودکان پیتزبورگ(Pittsburgh) - پیتزبورگ، آمریکا

یکی از بهترین و زیباترین بیمارستان‌های کودک دنیا، بیمارستان «پیتزبورگ» در آمریکا است. اتاق‌های بازی، سالن غذاخوری زیبا، کتابخانه، باغ بزرگ و فضای بازی این بیمارستان در دنیا کم‌نظیر است. بچه‌ها آن‌قدر این بیمارستان را دوست دارند که پس از مرخص شدن، دوست ندارند با والدین به خانه بروند و والدین آنها را به‌زور به خانه می‌برند.



● کلینیک هیرسلاندن(Hirslanden) - زوریخ، سوئیس

در این بیمارستان همه چیز بوی هنر و فرهنگ می‌دهد. پرستارها هر روز صبح گل‌های طبیعی زیبایی را در اتاق بیماران قرار می‌دهند. آنها با این‌کار به بیماران امید زندگی می‌دهند. بیماران وسط یک باغ بستری می‌شوند. انواع امکانات در اینجا وجود دارد: تلویزیون، اینترنت پرسرعت، تختخواب‌های راحت، استخر، سونا، جکوزی، خدمات پزشکی عالی و پزشکان متخصص.

تمرین

الف) متن بالا را بخوانید؛ از نظر نویسنده مهم‌ترین ویژگی هر یک از بیمارستان‌های بالا چیست؟

۱. بیمارستان بین‌المللی میلاد:

۲. بیمارستان کودکان پیتزبورگ:

۳. مرکزپزشکی کلمنسو:

٤.کلینیک هیرسلاندن:

ب) به کمک دوستان و استاد خود، معنای جملات قرمزرنگِ متن را حدس بزنید.

سخنرانی

دربارهٔ بستری شدن اعضای خانواده‌تان در بیمارستان سخنرانی کنید.

دستور




مقایسهٔ ماضی نقلی و گذشتهٔ ساده

گذشتهٔ ساده	گذشتهٔ نقلی
زمان وقوع اتفاق برای گوینده و شنونده مشخص است.	زمان وقوع فعل برای گوینده و شنونده مشخص نیست.
	
دو هفتهٔ پیش پایم شکست. **ما پارسال به مسجد جمکران رفتیم.**	**پایم شکسته است.** **ما به مسجد جمکران رفته‌ایم.**



تمرین



الف) فعل‌های متن زیر را پیدا کنید و در جدول بنویسید.

روز گذشته در یک زمین‌لرزهٔ هفت ریشتری در جنوب غربی کشور چین حدود ۱۹۲ کشته و حدود ۲۰ هزار نفر هم مصدوم شدند. تا کنون تعداد زیادی از مردم کشورهای دیگر به چین آمده‌اند تا به زلزله زده‌ها کمک کنند. مأموران هلال احمر حدود ۴۷۰ مجروح زلزله را به بیمارستان منتقل کرده‌اند. امدادگران و مردم به دنبال افرادی گشتند که در زلزله ناپدید شدند؛ اما هنوز کسی را پیدا نکرده‌اند. صبح امروز دولت چین حدود ۳۰ هزار چادر و مقدار زیادی لباس، مواد غذایی و آب آشامیدنی در مناطق زلزله‌زده توزیع کرد. همچنین مأموران ادارهٔ برق، برق ۵۸ منطقه را دوباره وصل کرده‌اند. رئیس جمهور ایران چند ساعت پیش به مردم چین تسلیت گفت.

ماضی ساده	ماضی نقلی

ب) برای هر جمله فعل درست را انتخاب کنید.

۱. هفتهٔ قبل خیلی خوش گذشت؛ چون به دیدن پدربزرگم .... (رفتم / رفته‌ام).

۲. گلودرد شدیدی دارم. فکر کنم .... (سرما خوردم / سرما خورده‌ام).

۳. دیشب تکالیفم را .... (نوشتم/ نوشته‌ام)؛ اما هنوز برای امتحانم .... (درس نخواندم/ درس نخوانده‌ام).

۴. دو سال پیش با خانواده‌ام به تبریز .... (رفتم / رفته‌ام).

۵. از دیروز تا حالا .... (سردرد گرفتم / سردرد گرفته‌ام).

۶. من تا حالا به روسیه .... (مسافرت نکردم / مسافرت نکرده‌ام).

نوشتن



موضوع : دربارهٔ امکانات و بخش‌های مختلف بیمارستان انشا بنویسید.

موضوع: توصیف امکانات و بخش‌های مختلف بیمارستان

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن) ☐ اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن) ☐

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن) ☐ زبان: ٦ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا) ☐

نمرهٔ توصیفی: عالی(۲۰-۱۹) ○ خیلی خوب (۱۸-۱۷) ○ خوب (١٦-١٤) ○ متوسط(۱۱-۱۳) ○ تلاش بیشتر(۱۰-۰) ○

درس هفتم: حوادث طبیعی

واژه‌های جدید

تگرگ، خشکسالی، فوران آتشفشان، طوفان، حشره، آتش‌سوزی، حریق، بهمن، صاعقه، رعد و برق، تلف شدن، کشته شدن، تلفات، سمپاشی، آوار، خسارت، آواربرداری، آواره شدن، دام، حیوان اهلی، اهالی، بارش، هکتار، عملیات، هجوم، موجب شدن، جنازه، اداره مسکن و شهرسازی، سراسر، اداره آموزش و پرورش، پیش‌بینی، جان سالم به در بردن، تزیینات، مانع، خرده‌شیشه، آویزان کردن، مرتب، سیم، محکم کردن

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با انواع حوادث طبیعی آشنا شود.

۲. بداند برای اشاره به هر یک از حوادث طبیعی از چه فعلی استفاده می‌شود.

۳. نکات ایمنی در برابر زلزله را بداند.

۴. به‌خوبی از فعل گذشته نقلی استفاده کند.

۵. تلفظ درست فعل‌های گذشته نقلی را بداند.



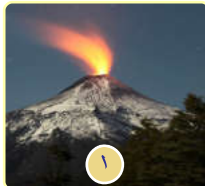
درس هفتم: حوادث طبیعی

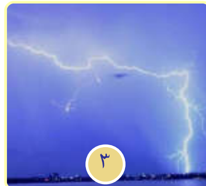
واژه‌ها و اصطلاحات

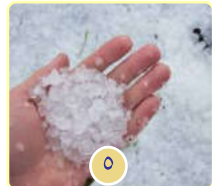


هر واژه مربوط به کدام تصویر است؟

تگـرگ ◯	خشک‌سالی ◯	فوران آتشفشان ◯	طوفان ◯	حمله حشرات ۸
زلزلـه ◯	آتش‌سوزی/حریق ◯	سیـل ◯	بهمـن ◯	صاعقه/رعدوبرق ◯


۱

۲

۳

٤

٥

٦

٧

٨

٩

١٠



تمرین

واژه‌ها و عبارت‌های دو ستون زیر را به هم وصل کنید.

۱. تلف شدن	الف) افرادی که در یک حادثه کشته یا زخمی می‌شوند.
۲. تلفات	ب) بخش‌هایی از خانه (دیوارها، سقف و...) که در اثر زلزله خراب شده‌اند.
۳. سمپاشی	پ) مردن / از بین رفتن ۱
٤. آوار	ت) از دست دادن خانه و محل زندگی در یک حادثه
٥. خسارت	ث) سم زدن به مزرعه‌ها و گیاهان
٦. آواربرداری	ج) جمع‌آوری آوار بعد از زلزله
٧. آواره شدن	چ) ضرر
٨. دام	ح) حیوانات اهلی که انسان‌ها پرورش می‌دهند.




شنیدن

در هر گفتگو چه حادثه طبیعی رخ داده است؟

	زلزله	تگرگ	آتش‌سوزی	خشک‌سالی	سیل	فوران آتشفشان	بهمن	طوفان	رعدوبرق	حمله حشرات
۱										
۲										
۳										
٤										
٥										
٦										



تمرین

باتوجه به بریدهٔ روزنامه‌ها جدول زیر را کامل کنید. (بدون استفاده از فرهنگ واژگان)



به دلیل باران و سیل در استان خراسان جنوبی، سه نفر از اهالی یک روستا از دنیا رفتند. در این سیل حدود ۷۰۰ خانواده آواره شدند.
روز چهارشنبه بارش باران، تگرگ و سیل به ۷۰۰ هکتار از زمین های کشاورزی، ۳۰۰ خانهٔ مسکونی و برخی از راه های این استان خسارت زد. حدود ۷۰۰۰ راس گاو



متأسفانه در یک زلزله در استان آذربایجان شرقی حدود ۳۰۶ نفر کشته و بیش از ۵۰۰۰ نفر زخمی شدند. پس از سه روز از زلزله، مأموران هلال احمر، زنی را در یکی از روستاها زنده از زیر آوار بیرون آوردند. با گذشت چند روز از این حادثه اعلام شد که عملیات آواربرداری تمام شده و



در یک صاعقه در «مشکین شهر» یک زن کشته و یک کودک ۱۲ ساله به شدت سوخت. مادر و فرزندی که در صاعقه آسیب دیدند در کنار رودخانه ایستاده بودند. صاعقه در «مشکین شهر» به برخی از مزارع و باغات روستاها نیز خسارت زد. در این حادثه، حدود ۱۵ هکتار از باغات و زمین های کشاورزی آتش گرفت و بیش از ۳۵ رأس گاو تلف شد. هر سال در فصل بهار حوادثی مانند صاعقه، تگرگ



هجوم ملخ ها به مزارع شهر «تایباد»، حدود یک میلیارد ریال خسارت زد. خشکسالی و تغییرات آب و هوایی موجب شد تا ملخ ها به ۶ هزار هکتار از مزارع و مراتع این شهرستان هجوم بیاورند. شهرستان «تایباد» حدود ۷۰۰۰ هکتار زمین زراعتی دارد و محصولات مختلفی در این آنها کشت می شود. تاکنون حدود ۲۵۰۰ هکتار از

نوع حادثه	اطلاعات آماری حادثه	نوع حادثه	اطلاعات آماری حادثه
۱. سیل	الف) تلفات جانی حادثه: .... نفر ب) آوارگان حادثه: .... خانواده پ) زمین های کشاورزی خسارت‌دیده: .... هکتار ت) دام تلف‌شده: .... رأس گاو	۲. زلزله	الف) تلفات جانی حادثه: .... نفر ب) تعداد زخمی‌ها: .... نفر
۳. صاعقه	الف) تعداد تلفات حادثه: .... نفر ب) زمین های کشاورزی خسارت دیده: .... هکتار پ) دام تلف شده: .... رأس	۴. حملهٔ حشرات	الف) خسارت به مزارع شهر «تایباد» .... ریال ب) هجوم ملخ‌ها به .... هکتار از مزارع و مراتع پ) زمین‌های کشاورزی خسارت دیده: .... هکتار




پیش گفتگو

	آمدن	کردن	شدن	زدن
۱. تگرگ	در ایران تگرگ آمده است.	X	X	X
۲. فوران آتشفشان	X	در چین آتشفشان فوران کرده است.	X	X
۳. خشک‌سالی	در پاکستان خشک‌سالی آمده است.	X	در مصر خشک‌سالی شده است.	X
٤. طوفان	دراندونزی طوفان آمده است.	X	X	X
٥. حملهٔ حشرات	X	حشرات به شهر حمله‌کردند.	X	X
٦. زلزله	در ژاپن زلزله آمده است.	X	در ترکیه زلزله شده است.	X
۷. آتش سوزی	X	X	در هند آتش‌سوزی شده است.	X
۸. سیل	در لبنان سیل آمده است.	X	X	X
۹. بهمن	در آمریکا بهمن آمده است.	X	X	X
۱۰. رعدوبرق	X	X	X	در سوریه رعدوبرق زده است.




گفتگو



- ببین در روزنامه چه نوشته؟

- چه نوشته؟

- نوشته که در شمال سیل آمده است.

- راست می‌گویی؟

- بله! خیلی خسارت مالی داشته. کلی به زمین‌های کشاورزی خسارت زده.

- تلفات جانی هم داشته؟

- بله متأسفانه! اینجا نوشته تا الان جنازهٔ حدود شش نفر را پیدا کرده‌اند؛ اما احتمالاً تلفات جانی‌اش بیشتر از این باشد.




کار گروهی

مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- سلام چه شده است؟
- سلام، تلویزیون را نگاه کن.
- اینجا کجا است؟
- کسی هم کشته شده است؟
- چند نفر از دنیا رفتند؟
- خدا به زخمی‌ها شفا بدهد.
- خدا رحمتشون کنه.

- در...... خشک‌سالی / زلزله / آتش‌سوزی شده.
- ...... را رعدو برق / صاعقه زده است.
- خسارت مالی داشته؟
- تلفات جانی داشته؟
- در...... تگرگ / خشک‌سالی / طوفان / زلزله / سیل / بهمن آمده.
- در...... آتشفشان فوران کرده.
- حشرات به...... حمله کردند.



بحث آزاد

مقصّر کیست و چه باید کرد؟















شهردار

سلام. شهر ما یک شهر تاریخی و زیباست. هر سال گردشگران بسیاری از همه جای دنیا برای دیدن این شهر می‌آیند؛ خانه‌های شهر ما خیلی قدیمی هستند و با یک زلزله هم خراب می‌شوند. به نظر من مقصّر اصلی «ادارهٔ مسکن» شهر است.
چرا هیچ کس به این فکر نمی کند که ممکن است یک روز در این شهر زلزله بیاید؟

رئیس ادارهٔ مسکن

مقصر «ادارهٔ مسکن و شهر سازی» نیست. ما چندین مرتبه خواستیم این خانه‌های قدیمی را خراب کنیم و خانه‌های جدید و محکم‌تری بسازیم؛ اما هر بار «ادارهٔ جهانگردی» جلوی این کار را گرفت و اجازه نداد خانه‌های جدید ساخته شوند.

رئیس ادارهٔ جهانگردی

ساختن خانهٔ جدید یعنی خراب کردن این خانه‌های قدیمی. این خانه‌ها بسیار باارزش هستند. هر سال هزاران نفر از سراسر دنیا به شهر ما می‌آیند تا ببینند مردم این شهر چگونه در این خانه‌های قدیمی زندگی می‌کنند. اگر این خانه‌ها خراب شوند، دیگر گردشگرها به شهر ما نمی‌آیند و بسیاری از جوانان بیکار می‌شوند. این خانه‌ها بخشی از فرهنگ ما هستند. ما نباید آنها را خراب کنیم. به نظر من «ادارهٔ آموزش و پرورش» باید این موضوع مهم را به مردم آموزش دهد.

رئیس ادارهٔ آموزش و پرورش

ما در مورد فرهنگ و تاریخ این شهر آموزش‌های زیادی به بچه‌ها داده‌ایم. بچه‌ها تاریخ این شهر را خیلی خوب می‌دانند. حق با «رئیس ادارهٔ جهانگردی» است. فرهنگ مهم است؛ اما جان مردم هم مهم است.

نمایندهٔ مردم

هر ماه تعداد زیادی جهانگرد به خانهٔ ما می‌آیند و در اینجا چند روزی می‌مانند. همهٔ درآمد ما از اجارهٔ این خانهٔ قدیمی است. اگر خانهٔ ما را خراب کنند و یک خانهٔ جدید به ما بدهند، دیگر نمی‌توانیم کار کنیم.



نظر شما چیست؟ چطور می‌توانیم این مشکل را حل کنیم؟





ایمنی در برابر زلزله

زلزله حادثه‌ای است که همیشه اتفاق می‌افتد و هیچ‌کس نمی‌تواند زمان و مکان آن را پیش‌بینی کند. بعضی از متخصصان می‌گویند، به‌سادگی می‌توان، تلفات و مجروحان این حادثهٔ طبیعی را کاهش داد. در این مقاله با «مهندس رادمرد» دربارهٔ این موضوع گفتگو کرده‌ایم.

آقای مهندس آیا می‌توان تلفات زلزله را کاهش داد؟

- بله، حتماً. بر خلاف تصور عموم مردم، در بسیاری از زلزله‌ها، ساختمان کاملاً خراب نمی‌شود و می‌توان با چند کار ساده از یک حادثهٔ وحشتناک مانند زلزله نجات پیدا کرد.

چطور؟

- اول از همه باید تزئینات خانه‌تان را کمی تغییر دهید؛ برای مثال در پله‌های خروجی هیچ مانعی، مثل گلدان یا مجسمه قرار ندهید. برای اینکه اگر زلزله اتفاق بیفتد نتوانید به‌راحتی از ساختمان خارج شوید.

به جز پله‌های خروجی چه مسألهٔ دیگری هست؟

در زمان زلزله معمولاً شیشهٔ بیشتر پنجره‌ها خرد می‌شوند و همین خرده شیشه‌ها ممکن است باعث بریدگی‌های عمیق شوند؛ به همین دلیل همیشه در مقابل پنجره‌هایی که شیشه‌های بزرگ دارند، پرده‌های بلند و ضخیم آویزان کنید تا اگر شیشه‌ای شکست، خرده‌های آن بر روی سر و صورتتان نریزد. گذشته از این، سیم‌های برق و لوله‌های آب و گاز خانه را نیز مرتب بررسی کنید تا سالم باشند.

دربارهٔ وسایل خانه چطور؟

- سؤال خوبی پرسیدید. بعضی وقت‌ها یک زلزلهٔ کوچک که هیچ خسارت مالی ندارد، آسیب‌های جانی به وجود می‌آورد؛ مثلاً در یک زلزلهٔ بسیار معمولی در شیراز با وجود اینکه هیچ ساختمانی آسیب ندید، متأسفانه یک نفر جان خود را از دست داد.

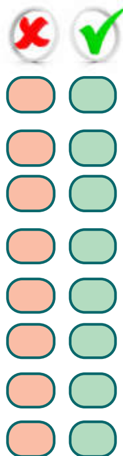
فردی که در زمان زلزله در اتاق مطالعه‌اش بود، زیر یک قفسهٔ کتاب کشته شد. زلزلهٔ شیراز خیلی بزرگ نبود؛ اما ایشان قفسه‌های کتابخانه‌اش را خوب محکم نکرده بود، دو قفسهٔ کتاب با تمام کتاب‌هایش روی ایشان افتاد و متأسفانه از دنیا رفت؛ پس باید محل نصب وسایلی مانند پنکه، لوستر، قاب عکس‌ها، آینه، ساعت دیواری و چیزهایی از این دست را بر روی دیوار و سقف محکم کنید.





تمرین

با توجه به متن، کدام جمله درست و کدام نادرست است؟



۱. با رعایت چند نکتهٔ ساده می‌توان زمان و مکان وقوع زلزله را پیش‌بینی کرد.
۲. رعایت نکات ایمنی می‌تواند، تلفات و مجروحان زلزله را کاهش دهد.
۳. در بسیاری از زلزله‌ها ساختمان‌ها کاملاً خراب می‌شوند و بسیاری آسیب می‌بینند.
٤. وجود گلدان در پله‌ها باعث می‌شود تا در زمان زلزله شما نتوانید از ساختمان خارج شوید.
۵. آویزان کردن پرده‌های ضخیم جلوی پنجره‌ها از تلفات زلزله کم می‌کند.
٦. زلزلهٔ شیراز خسارت مالی نداشته است.
۷. زلزلهٔ شیراز تلفات جانی نداشته است.
۸. وسایل سنگینی مثل قفسهٔ کتاب و یا کمد لباس در اثر یک تکان کوچک نمی‌افتند.

سخنرانی

دربارهٔ یک حادثهٔ طبیعی در کلاس سخنرانی کنید.

دستور



استفاده از گذشتهٔ نقلی

یادآوری:
از فعل گذشتهٔ نقلی برای بیان کاری که در گذشته رخ داده و اثر و نتیجهٔ آن هنوز در زمان حال وجود دارد استفاده می‌شود.
مثال: من ناهار خورده‌ام؛ اما حمید هنوز غذا نخورده است.
دو روز است که مهدیه از مسافرت برگشته است.

بن ماضی + ه + ام، ای، است، ایم، اید، اند = ماضی نقلی

فعل ماضی نقلی در محاوره کمتر شنیده می‌شود و در صحبت کردن مانند ماضی ساده تلفظ می‌شود و فقط در سوم شخص مفرد به صورت ماضی نقلی تلفظ می‌گردد. به جدول زیر توجه کنید و فعل‌ها را با صدای بلند بخوانید.

در نوشتار	در گفتار	مثال
خورده‌ام	خوردم	خوردم: من غذا خورده‌ام/ خوردم.
خورده‌ای	خوردی	خوردی: تو غذا خورده‌ای/ خوردی.
خورده است	خورده	خورده: او غذا خورده/ خورده.
خورده‌ایم	خوردیم	خوردیم: ما غذا خورده‌ایم/ ما غذا خوردیم.
خورده‌اید	خوردین	خوردین: شما غذا خورده‌اید/ خوردین.
خورده‌اند	خوردن	خوردن: آنها غذا خورده‌اند/ خوردن.

تمرین

ب) جمله‌های زیر را به صورت محاوره‌ای بخوانید.

۱. از دیروز تا حالا از خانه بیرون نرفته‌ام.
۲. تا حالا به شهر آبادان نرفته‌ام.
۳. تا حالا کتاب‌های آقای مطهری را خوانده‌ای؟
٤. عارف باید فردا به مدرسه برود؛ اما هنوز لباسش را اتو نکرده است.
۵. من و خانواده‌ام چند بار به چین رفته‌ایم؛ اما تا به حال به ژاپن نرفته‌ایم.
٦. هر دو پای دوستم در تصادف شکسته است.

نوشتن



موضوع: دربارهٔ حوادث طبیعی که خوانده یا شنیده‌اید، انشا بنویسید.

موضوع: توصیف یک حادثهٔ طبیعی

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن) ☐ اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن) ☐

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن) ☐ زبان: ٦ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا) ☐

نمرهٔ توصیفی: عالی(۲۰-۱۹) ◯ خیلی خوب (۱۸-۱۷) ◯ خوب (١٦-١٤) ◯ متوسط(۱۱-۱۳) ◯ تلاش بیشتر(۱۰-۰) ◯

درس هشتم: جاذبه‌های گردشگری

واژه‌های جدید

جاذبه‌های توریستی، ویلا، چمدان، دستگاه خودپرداز، کارت بانکی، پول نقد، موزه، سفر کاری، سفر تفریحی، سفر زیارتی(زمینی، هوایی، دریایی)، مرداب، قلعه، حرم، برج، آرامگاه، غار، جای شما خالی، طوفان، بدمزه، مقصد، جدا شدن، زمان محلی، اختلال، تنظیم کردن، آرامش، تاکنون، نامشخص

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با انواع جاذبه گردشگری آشنا شود.

۲. مسائل مربوط به سفر را بشناسد.

۳. انواع مسافرت را بداند.

۴. اختلال خواب را بشناسد و راه‌های مقابله با آن را در سفر بداند.

۵. تفاوت گذشته نقلی و گذشته ساده را بداند و بتواند به‌درستی از آنها استفاده کند.

درس هشتم: جاذبه‌های گردشگری



واژه‌ها و اصطلاحات

واژه‌ها و عبارت‌های زیر را به جملات مرتبط وصل کنید.

۱. جاذبه‌های گردشگری	الف) غذاهایی که مخصوص یک شهر یا روستا هستند.
۲. ویلا	ب) کارتی که با آن می‌توان از دستگاه خودپرداز پول گرفت.
۳. غذاهای محلی	پ) پولی که همراه شما است (در بانک نیست).
۴. پاساژ	ت) محل‌هایی که مسافران دوست دارند بیشتر به آنجا بروند.
۵. چمدان	ث) دستگاهی برای گرفتن پول
۶. دستگاه خودپرداز	چ) خانه‌ای که حیاط دارد.
۷. کارت بانکی	ح) یک ساختمان چند طبقه که مغازه‌های زیادی دارد.
۸. پول نقد	خ) کیف بزرگ برای سفر



تمرین

متن زیر را با فعل‌های مناسب کامل کنید.

اجاره کردیم، سوغاتی خریدیم، عکس گرفتیم، تاکسی گرفتیم، زیارت کردیم، گردش کردیم، بازدید کردیم

به نظر من مشهد بهترین شهر ایران است. من و خانواده‌ام پارسال به مشهد رفتیم. روز اول خانه‌ای را .... بعد چمدان‌هایمان را در خانه گذاشتیم و به حرم امام رضا علیه‌السلام رفتیم. حدود دو ساعت .... خیلی خوب بود. حرم امام رضا علیه‌السلام واقعاً زیبا است. بعد از زیارت به موزهٔ امام رضا رفتیم. موزه داخل حرم است و چند طبقه دارد. حدود یک ساعت و نیم در آنجا بودیم و از همهٔ طبقه‌های آن .... در نزدیکی حرم امام رضا علیه‌السلام یک بازار قدیمی است به نام «بازار رضا».



این بازار واقعاً زیباست.ما از آنجا برای همهٔ دوستانمان ....

روز بعد .... و به پارک «کوه سنگی» رفتیم.

چند ساعت در پارک .... من و پدرم در آنجا چند ....

من آن سفر را هیچ وقت فراموش نمی‌کنم.

واژه‌ها و اصطلاحات



هر واژه مربوط به کدام تصویر است؟











الف) سفر تفریحی
ب) سفر دریایی
پ) سفر زمینی
ت) سفر هوایی
ث) سفر کاری
ج) سفر زیارتی



شنیدن



الف) به گفتگوها گوش کنید و نوع سفر را مشخص نمایید.

	سفر تفریحی	سفر کاری	سفر زیارتی
۱			
۲			
۳			
۴			
۵			
۶			



ب) دوباره گفتگو را گوش کنید و وسیله سفر را مشخص نمایید.

	سفر زمینی	سفر هوایی	سفر دریایی
۱			
۲			
۳			
۴			
۵			
۶			



پیش گفتگو

در سفر خود به ایران دوست دارید سفرتان را از کجا شروع کنید؟ (مکان‌های زیر را از ۱ تا ۸ شماره بزنید.)





گفتگو



– تو تا حالا «میرزا قاسمی» خورده‌ای؟

– نه «میرزا قاسمی»؟ چه هست؟

– یک غذای محلی شمالی است. خیلی خوشمزه است. امسال تابستان این غذا را شمال خوردم.

– امسال شمال رفتی؟ خوش گذشت؟

– جای شما خالی. شما تابستان کجا رفتید؟

– رفتیم اصفهان.

– من تا حالا اصفهان نرفته‌ام.

– من هر ماه می‌روم اصفهان. میدان امام را خیلی دوست دارم. می‌خواهی این ماه با من بیایی؟

– چرا که نه؛ حتماً می‌آیم.



کار گروهی

مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- سلام، تا حالا قورمه سبزی خورده‌ای؟ نه هنوز نخورده‌ام.
- تا حالا تبریز رفته‌ای؟ نه تا حالا نرفته‌ام
- تا حالا حرم امام رضا علیه السلام رفته‌ای؟
- تا حالا از شمال ایران بازدید کرده‌ای؟
- خوش گذشت؟ چطور بود؟

- هوا ابری / بارانی / طوفانی / آفتابی و.... بود.
- خیلی خوش گذشت / خیلی بد گذشت.
- خیلی خوشمزه است / خیلی بدمزه است.
- خیلی بزرگ / کوچک / بلند / زیبا و... است.
- دوست داشتم / نداشتم.

بحث آزاد



آیا شما زیاد سفر می‌کنید؟ بله / خیر
آخرین بار به کدام شهر سفر کردید؟



من سفر کردن را دوست دارم؛ اما سرم خیلی شلوغ است و نمی‌توانم زیاد سفر کنم. از صبح تا شب کار می‌کنم، برای همین در تعطیلات بیشتر دوست دارم در خانه بمانم و استراحت کنم. کتاب بخوانم، تلویزیون ببینم و از این کارها؛ اما اگر زمانی به سفر بروم، دوست دارم با دوستانم باشم. به نظر من در سفر گروهی بهتر می‌توانیم تفریح کنیم.



من سفر کردن را دوست دارم و هر وقت فرصت کنم، برای سفر زیارتی برنامه‌ریزی می‌کنم. من سفر گروهی را دوست ندارم و بیشتر دوست دارم تنها سفر کنم. زمانی که با خانواده سفر می‌کنم، نمی‌توانم خوب زیارت کنم، چون من دو دختر کوچک دارم که همیشه باید مراقب آنها باشم.



گردش در طبیعت بهترین نوع سفر است. کوه، دریا، کویر، جنگل. من تعطیلات آخر هر هفته را در طبیعت هستم. هفتهٔ پیش با خانواده‌ام کنار دریا بودم؛ خیلی خوش گذشت. این هفته هم می‌خواهم با دوستانم به کویر لوت بروم؛ در این سفر نمی‌توانم خانواده‌ام را با خودم ببرم. من یک پسر چهار ساله دارم. محیط کویر گرم است و برای او خطرناک است. البته کویر برای همه خطرناک است؛ برای همین هیچ وقت تنهایی به آنجا سفر نکنید و همیشه با دوستان خود بروید.



من همیشه سفر را با همسرم شروع می‌کنم؛ اما وقتی به مقصد می‌رسیم از هم جدا می‌شویم؛ چون همسر من عاشق خرید کردن است و من عاشق گردش کردن؛ برای همین تا به مقصد می‌رسیم، من دوربین عکاسی خانمم را بر می‌دارم و او کیف پول من را. من نمی‌دانم چرا او این دوربین عکاسی را خریده است؛ چون همیشه فقط من با آن عکس می‌گیرم.

سفرهای شما بیشتر از چه نوع است؟
سفر کاری؟ سفر تفریحی؟ سفر زیارتی؟
دوست دارید با چه وسیله‌ای سفر کنید؟ چرا؟
شما بیشتر دوست دارید تنها سفر کنید یا گروهی؟چرا؟



خواندن

خوابـــم مـی‌آیـــد!



اختلال خواب (بی‌خوابی بعد از پروازهای طولانی)

حتماً بعد از سفر با هواپیما، بی‌خوابی داشته‌اید. این بی‌خوابی‌ها معمولاً پس از پروازهای طولانی اتفاق می‌افتد و مشکلات زیادی را در چند روز اول سفر برای افراد به وجود می‌آورد. تفاوت بین «زمان محلی» کشور شما و «زمان محلی» کشور مقصد باعث می‌شود ساعت خوابیدن شما تغییر کند و دیگر نتوانید راحت بخوابید. به بی‌خوابی‌هایی که بعد از پروازهای طولانی به وجود می‌آید، «اختلال خواب» می‌گویند.

نشانه‌های «اختلال خواب» چیست؟

«بی‌خوابی در شب، خستگی بسیار شدید، ضعیف شدن بدن و سردرد» از نشانه‌های اختلال خواب هستند.

چطور می‌توانید «اختلال خواب» را درمان کنید؟

۱. قبل از ترک کشور

الف) خوابیدن:

قبل از سفر خوب بخوابید. اگر به شرق سفر می‌کنید، چند روز قبل از سفر، زودتر به رختخواب بروید؛ اما اگر به غرب سفر می‌کنید، چند روز قبل از سفر، دیرتر بخوابید.

ب) مصرف «ملاتونین»:

«ملاتونین» ماده‌ای شیمیایی است که به شکل طبیعی در بدن وجود دارد و وظیفهٔ آن تنظیم ساعت خوابیدن است. اگر شما شیر و ماست بخورید، در طول سفر راحت‌تر می‌خوابید؛ زیرا این مواد دارای ملاتونین است.

۲. در طول پرواز

الف) تنظیم ساعت مچی:

در شروع سفر، ساعت کشور خود را فراموش کنید و ساعتتان را با کشور مقصد تنظیم کنید.

ب) تنظیم ساعت خواب:

اگر صبح به مقصد می‌رسید، در هواپیما بخوابید؛ اما اگر شب به مقصد می‌رسید، در هواپیما نخوابید تا بتوانید در ساعت مناسب در هتل بخوابید.

پ) تنظیم آب بدن:

فراموش نکنید، در طول پرواز زیاد آب بخورید؛ اما در طول پرواز چای و قهوه نخورید.

ت) آرامش در طول پرواز:

لباس‌های راحت بپوشید و اگر ممکن است، از صندلی خود بلند شوید و راه بروید.

۳. بعد از رسیدن به مقصد

الف) اول استراحت کنید:

اگر صبح به مقصد رسیدید، اول دوش بگیرید و بعد چند ساعت در آن مکان بخوابید. فراموش نکنید استراحت کردن باعث می‌شود ، خستگی سفر از بین برود.

ب) بعد از استراحت بیرون بروید:

نور خورشید بهترین وسیله برای هماهنگ کردن ساعت خواب شما است؛ بنابراین بعد از استراحت کردن بیرون بروید تا نور خورشید به بدن شما بتابد.

پ) خوردن ملاتونین را ادامه دهید:

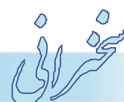
همان‌طور که گفته شد، ملاتونین ماده‌ای شیمیایی است که به شما کمک می‌کند در طول شب راحت‌تر بخوابید.



با توجه به متن قبل کدام جمله درست و کدام نادرست است؟



۱. «اختلال خواب» همیشه بعد از پرواز با هواپیما به وجود می آید.
۲. بی‌خوابی، سردرد و ضعف بدنی از نشانه‌های «اختلال خواب» در سفر است.
۳. اگر به شرق سفر می‌کنید، برای تنظیم ساعت خواب، چند روز قبل از سفر زودتر بخوابید.
٤. برای تنظیم ساعات خواب در طول سفر آرام باشید و چای بنوشید.
٥. اگر صبح به مقصد می رسید، در هواپیما بخوابید.
٦. اگر صبح به مقصد رسیدید، در هتل نخوابید. بیرون بروید تا نور خورشید ساعت خواب شما را تنظیم کند.



دربارۀ یکی از سفرهای خود درکلاس سخنرانی کنید.





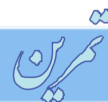
مقایسۀ گذشتۀ ساده با گذشتۀ نقلی

یادآوری

گذشتۀ ساده:	گذشتۀ نقلی:
زمان مشخص	زمان نامشخص (خبر)
مثال: دو هفتۀ پیش پایم شکست.	مثال: پایم شکسته است.
ما پارسال به ترکیه رفتیم.	ما به ترکیه رفته‌ایم.

گاهی در کنار فعل گذشتۀ نقلی از قیدهای خاصی استفاده می شود که به زمان گذشته اشاره می کند؛ این قیدها عبارت‌اند از:

هنوز　قبلاً　تا به حال　تا حالا　تا کنون
تا به امروز　پیش از این　از چند (روز، ماه، سال و ...) قبل　و ...



جملات زیر را با توجه به واژۀ داخل پرانتز تغییر دهید.

۱. مادرم دیروز از خانه بیرون نرفت. (از دیروز تا حالا) ....
۲. تو و خواهرت ماه گذشته از بازار تهران خرید کردید؟ (تا حالا) ....
۳. ما کتاب «منطق‌الطیر» را دو سال پیش در دانشگاه خواندیم. (قبلاً) ....
٤. فرید امروز باغچه را آب نداد. (هنوز) ....
٥. من و خانواده‌ام در سال گذشته چندین بار به کاشان رفتیم. (تا کنون) ....
٦. چند روز پیش، خواهرم دستش را هنگام آشپزی برید. (پیش از این) ....

نوشتن



موضوع : دربارهٔ یکی از جاذبه‌های گردشگری کشور خود، انشا بنویسید.

موضوع: جاذبه‌های گردشگری کشورم

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن) ☐ اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن) ☐

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن) ☐ زبان: ٦ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا) ☐

نمرهٔ توصیفی: عالی(۲۰-۱۹) ◯ خیلی خوب (۱۸-۱۷) ◯ خوب (١٦-١٤) ◯ متوسط(۱۱-۱۳) ◯ تلاش بیشتر(۱۰-۰) ◯



درس نهم: فیلم و سینما

واژه‌های جدید

فیلم داستانی، کمدی، مستند، حادثه‌ای(اکشن)، عاشقانه، ترسناک، تخیلی، پویانمایی(انیمیشن)، جنایی، جنگی، خیالی، دنبال چیزی گشتن، وحشتناک، پرهیجان، کارگردان، نویسنده، فیلمنامه‌نویس، بازیگر، آهنگساز، تصویربردار، فیلمبردار، طراح‌لباس، طراح‌صحنه، تدوین‌گر، موسیقی، دوختن، صحنه، هیجانی، جذاب، خسته‌کننده، کسل‌کننده، بی‌خود، مزخرف، مسخره، بی‌معنا، اعصاب‌خردکن، ضرر، تنبل، مضرات، فواید، تماشا کردن، اجتماعی بودن، روان‌شناس، فرصت کردن

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با انواع فیلم و سریال آشنا شود.
۲. افرادی که در ساخت فیلم شرکت می‌کنند را بشناسد.
۳. بتواند فیلم‌ها را به خوبی توصیف نماید.
۴. فواید و مضرات تماشای تلویزیون برای کودکان را بداند.
۵. با «که موصولی» و کاربرد آن در جمله آشنا شود.
۶. «ی» نکره را بشناسد و بتواند به‌خوبی در جمله از آن استفاده کند.

درس نهم: فیلم و سینما



واژه‌ها و اصطلاحات

انواع فیلم: واژه‌های زیر را به جمله‌های مرتبط وصل کنید.

۱. داستانی	الف) فیلم خیالی
۲. کمدی	ب) فیلمی که در آن پلیس به دنبال قاتل می‌گردد.
۳. مستند	پ) فیلم وحشتناک
٤. حادثه‌ای (اکشن)	ت) فیلمی که داستانی را دربارهٔ موضوعات جامعه تعریف می‌کند.
۵. عاشقانه	ث) یک فیلم پرهیجان
٦. ترسناک	ج) فیلم خنده‌دار
۷. تخیلی	چ) فیلمی دربارهٔ جنگ
۸. جنایی	ح) فیلم واقعی
۹. انیمیشن (پویانمایی)	خ) فیلمی که دربارهٔ علاقهٔ یک خانم و آقا به یکدیگر است.
۱۰. جنگی	د) کارتون

حدس بزنید هریک از فیلم‌های زیر از چه نوعی هستند؟ (با توجه به تمرین بالا عدد بگذارید.)

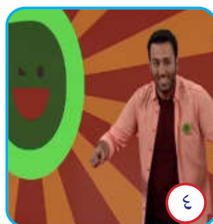


۱ ....



۲ ....


۳ ....


٤ ....



۵ ....


٦ ....



۷ ....


۸ ....


۹ ....



۱۰ ....

تمرین

الف) شما چه نوع فیلمی را بیشتر دوست دارید؟ فهرست زیر را به ترتیب شماره بزنید.

داستانی ◯ کمدی ◯ مستند ◯ حادثه‌ای (اکشن) ◯ عاشقانه ◯

ترسناک ◯ تخیلی ◯ جنایی ◯ انیمیشن ◯ جنگی ◯

ب) فهرست خود را با دوستانتان مقایسه کنید و با یکدیگر گفتگو کنید.

واژه‌ها و اصطلاحات



واژه‌ها و عبارت‌های زیر را به جملات مرتبط وصل کنید.

۱. کارگردان	الف) کسی که متن فیلم را می‌نویسد.
۲. نویسنده/فیلمنامه‌نویس	ب) کسی که موسیقی فیلم را می‌سازد.
۳. بازیگر	پ) کسی که لباس بازیگران را می‌دوزد.
۴. آهنگساز	ت) کسی که قطعه‌های فیلم را به هم متصل می‌کند.
۵. تصویربردار/فیلمبردار	ث) کسی که فیلم را می‌سازد.
۶. طراح لباس	ج) کسی که مکان فیلم را طراحی می‌کند.
۷. طراح صحنه	چ) کسی که با دوربین صحنه‌های فیلم را ضبط می‌کند.
۸. تدوین گر	ح) هنرپیشه.



شنیدن



الف) گفتگوها گوش کنید و نوع فیلم را مشخص کنید.

	حادثه‌ای	کمدی	تخیلی	عاشقانه	جنایی	داستانی	انیمیشن	مستند	جنگی	ترسناک
۱										
۲										
۳										
۴										
۵										
۶										



ب) دوباره به گفتگوها گوش کنید و بگویید که او از فیلم لذت برده است یا خیر؟

آیا او از فیلم لذت برده است؟

	۱	۲	۳	۴	۵	۶
بله						
خیر						

پیش گفتگو



فیلم/ سریال خوب	فیلم و سریال بد
هیجانی	خسته‌کننده / کسل‌کننده
دیدنی	بیخود
جذاب	مزخرف
قشنگ	مسخره
خنده‌دار	بی‌معنی
باحال	اعصاب‌خردکن

گفتگو



- می‌خواهی امشب یک فیلم ببینیم؟
- چه فیلمی داری؟
- فیلم «پرواز در شب» چطور است؟
- خوب است؛ اما من چند بار این فیلم را دیده‌ام. دوست دارم امشب یک فیلم جدید ببینم. فیلم دیگری نداری؟
- «خواب لیلا» خوب است؟
- «خواب لیلا»!؟ نه. من از فیلم‌های ترسناک اصلاً خوشم نمی‌آید. من یک سریال ایرانی دارم، سریال «یوسف پیامبر» خیلی قشنگ است؛ می‌خواهی قسمت اول آن را ببینیم؟
- خوب است. موافقم.

کار گروهی



مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- سلام شما چه فیلمی / سریالی دوست داری؟
- خیلی فیلم قشنگی / خنده‌داری / دیدنی ... بود.
- فیلم خیلی بیخودی / مزخرفی / اعصاب‌خردکنی ... بود.
- شما از چه فیلم‌هایی خوشت می‌آید؟
- من از فیلم‌های /سریال‌های عاشقانه/ کمدی / خانوادگی ... خیلی خوشم می‌آید.
- شما از چه فیلم‌هایی بدت می‌آید؟
- من از فیلم‌های جنگی / مستند / انیمیشن ... خیلی بدم می‌آید.
- من که از فیلمش خوشم نیامد.
- شما از کدام بخش فیلم خوشت آمد؟
- اسم کارگردانش / نویسنده‌اش / آهنگسازش چیست؟
- تصویربردارش / تهیه کننده‌اش ... که بود؟
- عجب فیلم / باحال / بزن بزن /قشنگی ... بود.
- من خیلی دوست دارم فردا سینما بروم.
- فرصت داری برویم سینما؟

بحث آزاد





دکتر پَرهام دارابی
۳۲ ساله
اهل تهران
فیزیوتراپ





کیان دارابی
۹ ساله
اهل تهران
دانش آموز دبستان



مونس محرابی
۳۰ ساله
اهل تهران
استاد دانشگاه

کیان پسر باهوشی است و معمولاً در مدرسه نمره‌های خوبی می‌گیرد. چند روز پیش معلم کیان از بچه‌ها یک امتحان کلاسی گرفت؛ اما او در این امتحان نمرهٔ خیلی کمی گرفت. معلم با مادر کیان تماس گرفت و موضوع را به او گفت. بعد از تلفنِ معلم، پدر و مادرِ کیان با هم گفتگو کردند:



من می‌دانم چرا کیان نمرهٔ کمی گرفته؛ چون او هر روز حدود دو ساعت تلویزیون می‌بیند. این برنامه‌های تلویزیونی اجازه نمی‌دهند او خوب درس بخواند.



روزی دو ساعت تلویزیون دیدن ضرری ندارد. به نظر من کیان زیاد تلویزیون نمی‌بیند. اولین بار است که او نمرهٔ بدی می‌گیرد. شما تا حالا هیچ وقت نمرهٔ پایین نگرفته‌ای؟



خیلی از کارتون‌هایی که او می‌بیند مناسب سن او نیست. بعضی فیلم‌های انیمیشن ترسناک هستند این فیلم‌ها تأثیر منفی روی ذهن او می‌گذارند؛ چون قهرمان داستان در این انیمیشن‌ها معمولاً کسی است که به دیگران حمله می‌کند. بچه‌ها با دیدن این فیلم‌ها چیزهای بد یاد می‌گیرند.



خوب اگر تلویزیون نبیند، چه‌کار کند؟ در مدرسه بچه‌ها همیشه از برنامه‌های تلویزیون حرف می‌زنند. اگر او تلویزیون نبیند، نمی‌تواند با دیگران حرف بزند و با آنها دوست شود.



تلویزیون بچه‌ها را تنبل می‌کند. بچه‌ها چاق‌تر می‌شوند و کمتر با هم بازی می‌کنند؛ شب‌ها کم می‌خوابند و خواب‌های بد می‌بینند. کیان نباید تلویزیون تماشا کند.



به نظر من باید همهٔ کتاب‌های مدرسه را حذف کنند و برای هر درس یک برنامهٔ تلویزیونی بسازند؛ این‌طوری بچه‌ها هم بیشتر درس می‌خوانند و هم بیشتر لذت می‌برند.



یعنی باید مدرسه‌ها را تعطیل کنیم و بچه‌ها فقط در خانه بنشینند و تلویزیون تماشا کنند!؟ عجب حرف‌هایی می‌زنی!



چه اشکالی دارد؟ شاید در آینده مدرسه‌ها این‌طور شوند.

شما با نظر چه کسی موافق هستید؟ چرا؟
نظر شما دربارهٔ تلویزیون دیدن بچه‌ها چیست؟
بچه‌ها چند ساعت در روز می‌توانند تلویزیون ببینند؟

خواندن



«دیدن یا ندیدن تلویزیون»

ضررها و فایده‌های تماشای تلویزیون

این روزها بیشترین تفریح کودکان تماشای تلویزیون است. بسیاری از والدین بچه‌های خود را جلوی تلویزیون می‌نشانند تا ساکت باشند و کمتر سر و صدا کنند. آیا این کار درست است؟ آیا زیاد تماشا کردن تلویزیون برای بچه‌ها خطرناک نیست؟

تحقیقات نشان می‌دهد، کودکانی که تلویزیون تماشا می‌کنند، از کودکانی که تلویزیون تماشا نمی‌کنند، بهتر حرف می‌زنند. این بچه‌ها «اجتماعی‌تر» هستند؛ یعنی به‌سادگی می‌توانند با دیگران دوست شوند و از انجام کارهای گروهی لذت ببرند؛ اما چون بسیاری از برنامه های تلویزیون مناسب بچه ها نیستند پدر و مادرها باید دقت کنند که آن برنامه مناسب سن و سال فرزندانشان باشد. شاید بپرسید، ویژگی‌های یک برنامهٔ تلویزیونی خوب چیست؟ روانشناسان می‌گویند، یک برنامهٔ تلویزیونی خوب باید:

۱. کودک را تشویق کند که خوب گوش کند و سؤال بپرسد.

۲. چیزهای خوبی را به کودک یاد بدهد.

۳. به کودک کمک کند واژه‌های بیشتری یاد بگیرد.

٤. برای بچه‌ها خسته‌کننده نباشد.

هر وقت فرصت داشتید، در کنار کودکتان تلویزیون ببینید و با او دربارهٔ آن برنامه صحبت کنید. به سؤالاتش پاسخ دهید. از او بخواهید داستان را توضیح دهد. این کار باعث می‌شود، کودک یاد بگیرد سؤال کند و با دقت تلویزیون ببیند. اگر برای تماشای تلویزیون در کنار او وقت ندارید، از او بپرسید چه برنامه‌ای را نگاه می‌کند و دربارهٔ آن برنامه با او گفتگو کنید. ببینید چه چیزهایی یادگرفته، از چه چیزهایی خوشش آمده و از چه چیزهایی بدش آمده است.

از همه مهم‌تر، والدین باید زمان تماشای تلویزیون را برای فرزندانشان مشخص کنند تا بچه‌ها فرصت کنند کتاب بخوانند و با دوستان خود بازی و ورزش کنند.



سخنرانی

دربارهٔ یکی از فیلم هایی که دیده‌اید در کلاس سخنرانی کنید.



«ی» نکره و «که» موصولی

گاهی در زبان فارسی برای توضیح یک اسم، از یک جمله استفاده می شود. این جمله با حرف اضافهٔ«که» شروع می‌شود که به آن « که موصولی» می‌گویند.

مثـــال‌ها:

لباسی که دیروز پوشیده بودی، خیلی زیبا بود.
مردی که آن روز دیدی، پدرم است.
پرنده‌ای که روی شاخهٔ درخت نشسته است، عقاب است.

زمانی که برای توصیف یک اسم از «که» موصولی استفاده شود، معمولاً آن اسم « ی» نکره می گیرد.

تمرین

الف) هر جمله را به گزینه مربوط به خودش وصل کنید. (یک گزینه اضافی است)

۱. تکلیفی را که گفتید ... .
۲. ... خیلی ترسناک بود.
۳. ابری که تیره باشد ... .
٤. شخصیتی که در فیلم خیلی مهربان بود.
٥. نام هتلی که در آن هستیم ... .

الف) باران دارد.
ب) «بهاران» است.
پ) خیلی بچهٔ خوبی است.
ت) فیلمی که دیروز دیدیم،
ث) انجام دادم.
ج) واقعاً دوست‌داشتنی بود.

ب)جملات زیر را با «که» به هم ربط دهید و جملهٔ جدید بنویسید.

۱. آن پیرمرد را دیدی؟ پیرمرد پدربزرگ من بود.	....
۲.آن لباس را تو دوختی؟ من لباس را خیلی دوست دارم.	....
۳. غذا را خوردی؟ مادرم غذا را پخته بود.	....
٤. کتاب فارسی را خواندی؟ کتاب برادر حسن بود.	....
٥. فیلم کمدی را دیدی؟ کارگردان فیلم، دایی من بود.	....

نوشتن



موضوع: دربارهٔ خلاصهٔ یکی از فیلم‌هایی که دیده‌اید، انشا بنویسید.

موضوع: خلاصهٔ فیلم ....

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن) ☐ اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن) ☐

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن) ☐ زبان: ٦ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا) ☐

نمرهٔ توصیفی: عالی(۲۰-۱۹) ○ خیلی خوب (۱۸-۱۷) ○ خوب (١٦-١٤) ○ متوسط(۱۱-۱۳) ○ تلاش بیشتر(۱۰-۰) ○

درس دهم:  هنر

واژه‌های جدید

تئاتـر، ادبیـات، مجسمه‌سـازی، موسـیقی، معمـاری، گنبـد، نوازنـده، رمـان، قلم‌مـو، نقشـه، بـوم، سـاز، شـاعر، منـاره، شـعر، رنـگ، نویسـنده، طراحـی، تحقیـق، تدریـس، کوشـش، سـبک، خلق کـردن، سـنتی، نـوآوری، خـط منحنـی، سـایر، آفرینـش، ضامـن آهـو، عاشـورا، ضریح، نویسـنده

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. انواع هنرها را بشناسد.

۲. بتواند به‌خوبی از جمله‌های تعجبی استفاده کند.

۳. با یکی از هنرمندان ایرانی و آثار او آشنا شود.

۴. صفت‌های برتر و برترین را بشناسد و تفاوت آنها را بداند.

۵. به‌خوبی از صفت‌های برتر و برترین در جمله استفاده کند.

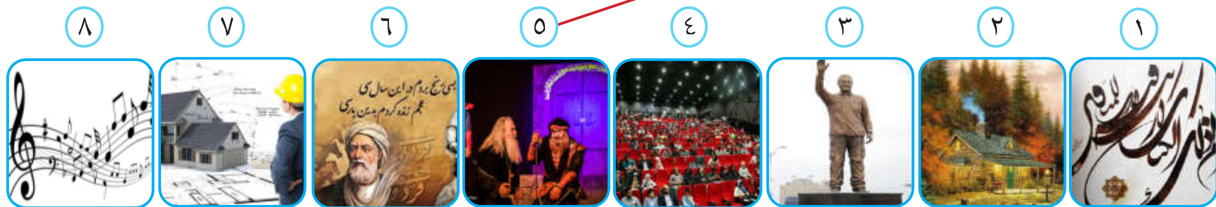
درس دهم: هنر



واژه‌ها و اصطلاحات

هر تصویر مربوط به کدام یک از هنرهای زیر است؟

الف) نقاشی   ب) خطاطی   پ) تئاتر   ت) سینما   ث) مجسمه‌سازی   ج) ادبیات   چ) موسیقی   ح) معماری



تمرین

الف) شما چه هنری را بیشتر دوست دارید؟ (فهرست زیر را به ترتیب شماره بزنید.)

نقاشی   خطاطی   معماری   سینما

موسیقی   تئاتر   مجسمه‌سازی   ادبیات

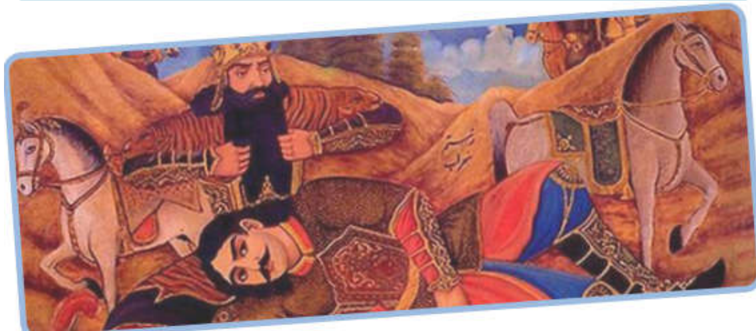
ب) فهرست خود را با دوستانتان مقایسه کنید و با یکدیگر گفتگو کنید.

پ) به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱. کدام‌یک از دو نقاشی زیر گران‌تر و کدام‌یک ارزان‌تر است؟
۲. در کدام اثر از رنگ‌های روشن بیشتر استفاده شده است؟
۳. کدام نقاشی واقعی‌تر است؟
٤. به نظر شما کدام اثر زیباتر است؟
٥. شما کدام یک از این دو تابلو را می‌خرید؟ چرا؟



ب



الف



واژه‌ها و اصطلاحات

هریک از واژه‌های زیر مربوط به‌کدام هنر است؟ (هر واژه ممکن است بیش از یک پاسخ داشته باشد)

گنبد	نوازنده	رمان	قلم‌مو	نویسنده	فیلم‌ساز	نقشه	بوم	کارگردان
نمایش‌نامه	آهنگ‌ساز	شاعر	مناره	شعر	رنگ	نقاش	بازیگر	ساز

نقاشی	سینما و تئاتر	ادبیات	موسیقی	معماری
....	....	....	....	....
....	....	....	....	....
....	....	....	....	....
....	....	....	....	....

شنیدن



الف) در گفتگوهای زیر این افراد در مورد چه هنری صحبت می‌کنند؟ (هر گفتگو ممکن است بیش از یک پاسخ داشته باشد)

	نقاشی	معماری	تئاتر	سینما	مجسمه سازی	ادبیات	موسیقی	خطاطی
۱								
۲								
۳								
۴								
۵								



ب) هرگفتگو با یک سؤال تمام می‌شود. پاسخ هر سؤال را حدس بزنید.

گفتگوی اول
- الف) ۲۷ سال
- ب) ۳۲۱۱۶۱۲۷
- پ) mtzh@yahoo.com

گفتگوی دوم
- الف) باشه. حتماً.
- ب) ممنون خیلی قشنگ بود.
- پ) من از شعر خوشم نمی‌آید.

گفتگوی سوم
- الف) من عاشق عکاسی هستم.
- ب) نه! ممنون.
- پ) وای! عالی می‌شود.

گفتگوی چهارم
- الف) من خطاطی بلد نیستم.
- ب) نمی‌دونم.
- پ) خیلی قشنگ است.

گفتگوی پنجم
- الف) دست شما درد نکند.
- ب) من ادبیات را خیلی دوست دارم.
- پ) من از موسیقی خیلی خوشم نمی‌آید.

پیش گفتگو

ساخت تعجبی!

چـــه/ چقدر

چه نقاشی قشنگی است!
چه فیلم خوبی است!
چه نمایش خسته‌کننده‌ای بود!
چه ساختمان بلندی است!
چه خط فوق‌العاده‌ای است!
چه معماری زیبایی است!



عجــب

عجب نقاشی قشنگی است!
عجب فیلم خوبی است!
عجب نمایش خسته‌کننده‌ای بود!
عجب ساختمان بلندی است!
عجب خط فوق‌العاده‌ای است!
عجب معماری زیبایی است!







گفتگو

- عجب نقاشی‌های قشنگی!

- کدام؟

- این نقاشی‌هایی که توی این سایت است.

- وای چقدر قشنگ هستند! من این نقاشی را خیلی دوست دارم؛ خیلی رنگ‌های شادی دارد.

- بله؛ اما به نظر من این یکی قشنگ‌تر است؛ چون تصاویرش واقعی‌تر هستند.

- خب هرکسی یک سلیقه‌ای دارد.





کار گروهی

مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- عجب / چه نقاشی زیبایی بود.
- چه خط / نمایش / فیلم / ساختمان / طراحی / وب سایت / .... زیبایی بود.
- عجب / مجسمهٔ قشنگی / زیبایی / واقعی‌ای / بزرگی / .... بود.
- من این مناره را بیشتر دوست دارم.
- شما کدام کتاب / نویسنده / بازیگر / کارگردان / عکاس را بیشتر دوست دارید؟
- نقاش / بازیگر / کارگردان / خطاط / مجسمه ساز / آهنگساز مورد علاقهٔ شما چه کسی است؟

بحث آزاد





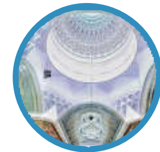
دیشب یک تابلوی نقاشی به نام «درختان سرو»به قیمت ۵۷ میلیون دلار فروخته شد.
سؤال این است که چرا برخی از افراد ثروتمند چنین تابلوهای گران‌قیمتی را می‌خرند؟



خریدن این تابلوهای نقاشی با قیمت زیاد، کار خوبی است و می‌تواند مشکلات مالی هنرمندان را کم کند. در گذشته هنرمندان بسیار فقیر بودند و به‌سختی زندگی می‌کردند. مثلاً «ونگوگ» نقاش بزرگ هلندی تمام پولش را برای خرید رنگ می‌داد تا بتواند نقاشی بکشد و در آخر هم بر اثر فقر از دنیا رفت.



خریدن این نقاشی‌ها با این قیمت زیاد، اصلاً کار خوبی نیست. بله، خرید این تابلوها مشکلات مالی هنرمندان را کمتر می‌کند، اما به این تابلو نگاه کنید. نام این تابلو «درختان سرو» است. این تابلو را که یک دختر بچهٔ هشت ساله هم می‌تواند بکشد. چرا باید برای این تابلو پول زیادی بدهیم.



بله، ممکن است یک دختر بچهٔ هشت‌ساله هم بتواند این نقاشی را بکشد؛ اما او برای کشیدن این نقاشی فکر نمی‌کند. گاهی نقاشی‌های یک هنرمند خیلی ساده است؛ اما در همین سادگی فکرهای بزرگی وجود دارد؛ پس قیمت این نقاشی‌ها برای ظاهر آنها نیست.



حق با شماست. افکار هنرمند بسیار مهم است، اما با ۵۷ میلیون دلار پول می‌توان به بسیاری از کشورهای فقیر دنیا کمک کرد تا برای فقیرها غذا بخرند. هر سال تعداد زیادی مرد و زن و کودک فقیر در کشورهای مختلف از گرسنگی می‌میرند. بهتر است این پول‌ها را به این مردم فقیر بدهند.



این حرف شما درست است. هر سال مردم بسیاری بر اثر گرسنگی می‌میرند و روزانه بسیاری از مردم هم براثر جنگ می‌میرند؛ اما هنرمندها به جنگ فکر نمی‌کنند این پول برای حفظ از افکار پاک هنرمندان است؛ هنرمندها می‌توانند با هنر خود، مردم را از فقر فرهنگی نجات دهد.



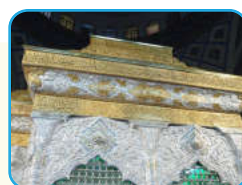
کسی که با ۵۷ میلیون دلار یک تابلوی نقاشی می‌خرد، آیا به فکر فرهنگ مردم دنیاست؟ آدم‌های پولدار همیشه دوست دارند چیزهایی داشته باشند که دیگران ندارند؛ مثلاً ماشین گران‌قیمت، خانهٔ گران‌قیمت یا تابلوهای نقاشی گران‌قیمت. این نجات دادن فرهنگ نیست!

نظر شما چیست؟
آیا فکر می‌کنید این همه پول برای این نقاشی‌ها باید پرداخته شود؟ چرا؟



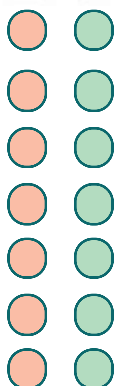
خواندن

«استاد محمود فرشچیان» در سال ۱۳۰۸ در شهر اصفهان به دنیا آمد. پدر او تاجر فرش بود و به هنر علاقه زیادی داشت. او می‌گوید: «در چهار سالگی بر روی فرش های خانه می نشستم و گل های آن را نقاشی می کردم».
زمانی که پدر محمود علاقه‌اش را به نقاشی می‌بینند، او را به کلاس استاد «حاج میرزا آقا امامی» می‌فرستند. پس از چند سال، محمود به «هنرستان هنرهای زیبای اصفهان» می‌رود و در آنجا در رشتهٔ نقاشی تحصیل می کند. فرشچیان پس از تمام کردن دورهٔ هنرستان به اروپا رفت و چند سال در آنجا آثار نقاشان بزرگ غرب را مطالعه کرد. استاد می‌گوید: «من هر روز صبح اولین کسی بودم که با چند کتاب وارد موزه می‌شدم و آخرین کسی بودم که از آنجا خارج می‌شدم». او در این مدت بسیار تحقیق کرد و با هنر نقاشی در اروپا به‌خوبی آشنا شد.
استاد فرشچیان پس از بازگشت به ایران کار خود را در «ادارهٔ هنرهای زیبای تهران» آغاز کرد. او بعد از مدت کوتاهی، مدیر «ادارهٔ هنرهای ملی» در ایران شد و در «دانشکدهٔ هنرهای زیبا» در دانشگاه تهران شروع به تدریس کرد. در این زمان او با کار و کوشش زیاد نقاشی‌های بسیار زیبایی کشید و خیلی زود در ایران و فرانسه مشهور شد.
استاد فرشچیان در نقاشیِ ایرانی، سبک جدیدی را خلق کرد. او توانست هنر نقاشی سنتی ایران را با اشعار، داستان‌ها و ادبیات فارسی ترکیب کند. او در نقاشی خود از رنگ‌های روشن و خط‌های منحنی استفاده می کند.
آثار استاد فرشچیان در صدها نمایشگاه در ایران و سایر کشورها نمایش داده شده است و بسیاری از عاشقان هنر آرزو می کنند بتوانند یکی از این آثار را بخرند. مهم‌ترین آثار او عبارتند از: ضامن آهو، پنجمین روز آفرینش، عصر عاشورا؛ اما بزرگ‌ترین اثر استاد فرشچیان طراحی ضریح امام رضا (علیه السلام) در مشهد و امام حسین (علیه السلام) در کربلا است.





با توجه به متن بالا کدام جمله درست و کدام نادرست است؟

۱. استاد فرشچیان در شهر اصفهان متولد شد.
۲. استاد فرشچیان در ابتدا تاجر فرش بود و به هنر علاقهٔ زیادی داشت.
۳. استاد فرشچیان دربارهٔ نقاشی‌های قدیمی اروپا بسیار مطالعه کرده است.
۴. استاد فرشچیان در «ادارهٔ هنرهای ملی» تدریس می کرد.
۵. استاد فرشچیان به ادبیات علاقهٔ بسیاری دارد.
۶. استاد فرشچیان در نقاشی‌هایش بیشتر از خط‌های صاف استفاده می کند.
۷. بزرگ‌ترین اثر استاد فرشچیان تابلوی «ضامن آهو» است.

سخنرانی

دربارهٔ یکی از آثار هنری هنرمندان کشورتان سخنرانی کنید.





صفت برتر و برترین

صفت برتر برای مقایسهٔ دو شیء، دو شخص و دو صفت با هم به کار می‌رود. این صفت با اضافه کردن «تر» به صفت ساخته می‌شود.

مثال‌ها:

حمید **بلند** است.	⟷	علی **از** حمید **بلندتر** است.
کیف سارا **بزرگ** است.	⟷	کیف من **از** کیف سارا **بزرگ‌تر** است.

صفت برترین برای مقایسهٔ یک چیز با چند چیز به کار می‌رود. این صفت با اضافه کردن «ترین» به صفت ساخته می‌شود .

پیراهن من **زیبا**ست.	⟷	این پیراهن **زیباترین** لباس من است.
ماهان شناگر **ماهری** است.	⟷	ماهان **ماهرترین** شناگر تیم است.

به مثال‌های زیر توجه کنید:

صفت ساده	صفت برتر	صفت برترین
سرد	سردتر	سردترین
زیبا	زیباتر	زیباترین
کوتاه	کوتاه‌تر	کوتاه‌ترین
خوب	خوب‌تر / بهتر	خوب‌ترین/ بهترین



الف) جدول زیر را کامل کنید.

صفت ساده	صفت برتر	صفت عالی
گرم		
	سفیدتر	
		خوشمزه‌ترین
زیبا		
	بدتر	
		بهترین
سخت		

ب) جاهای خالی را با صفت مناسب پر کنید.

۱) سارا از خواهرش .... است. (بلند)

۲) حمید خیلی ....است. (منظم)

۳) دختر من از بچه‌های دیگر ....است. (کوتاه)

۴) امسال .... سال است. (سرد)

۵) این درخت .... درخت روستا است. (بلند)

۶) کت من از کت مجید .... است. (بلند)

۷) او .... دانشجوی کلاس بود. (بهتر)

۸) یادگیری زبان فارسی خیلی .... است. (آسان)

نوشتن


موضوع: دربارهٔ یک هنرمند که او را می‌شناسید، انشا بنویسید.

موضوع: زندگی‌نامهٔ یک هنرمند

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن) ☐ اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن) ☐

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن) ☐ زبان: ٦ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا) ☐

نمرهٔ توصیفی: عالی(۲۰-۱۹) ◯ خیلی خوب (۱۸-۱۷) ◯ خوب (١٦-١٤) ◯ متوسط(۱۱-۱۳) ◯ تلاش بیشتر(۱۰-۰) ◯

درس یازدهم: خاطرات کودکی

واژه‌های جدید

ماشین کوکی، چیپس، بیسکویت، بستنی، بادکنک، تفنگ، عروسک، پفک، آدامس، خوراکی، قهر، آشتی، تنبیه، شیطان، بازیگوش، پرخور، بهانه، درسخوان، سربه‌هوا، لوس، شکمو، خاله‌بازی، قایم‌موشک، گرگم‌به‌هوا، لِی‌لِی، طناب‌بازی، خاک‌بازی، وابسته، کم‌رو(خجالتی)

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با برخی از بازی‌ها و اسباب بازی‌های کودکانه آشنا شود.

۲. صفات مربوط به توصیف افراد را بداند.

۳. بتواند دربارهٔ خاطرات کودکی‌اش با دیگران صحبت کند.

۴. راه‌هایی برای مقابله با کمرویی کودکان بداند.

۵. گذشته استمراری را بشناسد و بتواند به‌خوبی از آن استفاده کند.





درس یازدهم: خاطرات کودکی



واژه‌ها و اصطلاحات

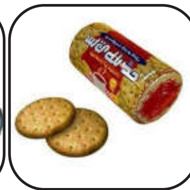


واژه‌های مناسب را زیر تصاویر بنویسید.

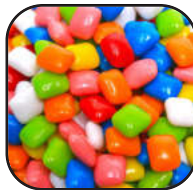
الف) ماشین کنترلی ◯ ب) بیسکویت ◯ پ) بادکُنک ◯ ت) عروسک ◯ ث) آدامس ◯
ج) چیپس ◯ چ) بستنی ◯ ح) تفنگ آب‌پاش ◯ خ) پفک ◯ د) توپ ◯


۵


۴


۳


۲


۱


۱۰


۹


۸


۷


۶

به هر قسمت چند واژه اضافه کنید.

خوراکی	....
اسباب بازی	....

تمرین





متن زیر را با واژه‌های مناسب کامل کنید.

دعوا می‌کردیم — کمک می‌کردیم — قصه می‌گفت — دوچرخه‌سواری می‌کردیم
نقاشی می‌کرد — آشتی می‌کردیم — تنبیه می‌کرد — کاردستی درست می‌کرد

اسم من عبدالله است. من ۵۸ سال دارم و در شهر انزلی زندگی می‌کنم. من یک برادر دارم که دو سال از من کوچک‌تر است. اسم برادرم اکبر است. من اکبر را خیلی دوست دارم. ما از بچگی با هم مثل دو تا دوست بودیم. البته بعضی وقت‌ها با هم .... ؛ اما خیلی زود .... و دوباره دوست می‌شدیم. من و برادرم اکبر دو تا دوچرخه داشتیم و همیشه در خیابان‌ها .... من خیلی شیطون و بازیگوش بودم. یا پنجره می‌شکستم یا گلدان و یا چیزهای دیگر را. برای همین پدرم، همیشه من را .... ؛ اما اکبر پسر خیلی آرام و ساکتی بود. او هنرمند خوبی بود. همیشه یک کاغذ و مداد در دستش بود و .... بعضی وقت‌ها هم با برگ درخت‌ها و چوب .... من و اکبر یک مادربزرگ مهربان داشتیم که ما را خیلی دوست داشت. ما همیشه روزهای تعطیل به خانه اش می‌رفتیم و در کارهای خانه به او .... من مادربزرگم را خیلی دوست داشتم. او همیشه قبل از خواب برای من و اکبر .... خدا رحمتش کند!

واژه‌ها و اصطلاحات



هر یک از گزینه‌های زیر را به گزینه مناسب وصل کنید.

۱ خجالتی
۲ کسی که زیاد حرف نمی‌زند.
۳ بچه‌ای که به حرف پدر و مادرش توجه می‌کند.
۴ کسی که باادب نیست.
۵ کسی که خیلی درس می‌خواند.
۶ پرخور
۷ شیطون
۸ ساکت
۹ بچه‌ای که همیشه گریه می‌کند و بهانه می‌گیرد.
۱۰ کسی که در انجام کارهایش دقت نمی‌کند



۱ درس‌خوان
۲ بازیگوش
۳ سربه‌هوا
۴ حرف‌گوش‌کن
۵ بی‌ادب
۶ لوس
۷ شکمو
۸ کمرو
۹ آرام
۱۰ کم‌حرف











کدام‌یک از صفات زیر برای توصیف هر کودک مناسب است؟ (هر فرد ممکن است بیش از یک صفت داشته باشد)

	درس‌خوان	بازیگوش	سربه‌هوا	حرف‌گوش‌کن	بی‌ادب	لوس	شکمو	کم‌رو	کم‌حرف	آرام
۱										
۲										
۳										
۴										
۵										





پیش گفتگو



خاله‌بازی — قایم‌موشک — گرگم به هوا — لِی‌لِی — طناب‌بازی — خاک‌بازی



گفتگو

- وقتی بچه بودی، با خانواده‌ات در چه شهری زندگی می‌کردی؟
- ما آن موقع ترکیه زندگی می‌کردیم. شهر استانبول.
- تا چند سالگی ترکیه زندگی می‌کردی؟
- تا نُه سالگی.
- پس زبان ترکی هم بلدی؟
- آره من در ترکیه همیشه ترکی صحبت می‌کردم.
- حتماً آنجا دوست و رفیق زیادی هم داشتی؟
- آره. هر روز در پارک با دوستانم بازی می‌کردم. قایم موشک، خاک‌بازی. طناب بازی ، والیبال. یادش بخیر. شما چطور؟



- من تا هشت سالگی لبنان زندگی می‌کردم. من هم دوستان زیادی داشتم و همیشه با آنها بازی می‌کردم. گرگم به هوا، قایم‌موشک، فوتبال ...
- پس شما زبان عربی بلد هستید؟
- بله، مثل بلبل حرف می‌زنم.



کار گروهی

مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- وقتی بچه بودید، کجا زندگی می‌کردید؟
- کجا درس می‌خواندید؟ / کدام مدرسه می‌رفتید؟
- کجا بازی می‌کردید؟
- شما چطور بچه‌ای بودید؟
- اسم بهترین دوست شما چه بود؟
- شما بیشتر چه بازی هایی می‌کردید؟
- من بچهٔ باهوشی/ کم حرفی/ بازیگوشی/ سربه هوایی بودم.

- من و دوستانم همیشه دوچرخه‌بازی / عروسک بازی / طناب‌بازی / خاله بازی می‌کردیم.
- من و دوستانم هر روز لی‌لی / گرگم‌به‌هوا / قایم موشک بازی می‌کردیم.
- معلم‌ما خیلی مهربان بود.
- دوستم خیلی سربه‌هوا بود؛ معلم‌ما همیشه او را تنبیه می‌کرد.
- من هر روز با دوستم دعوا می‌کردم و یک ساعت بعد آشتی می‌کردم.

بحث آزاد





«کار»، «شغل»، «حرفه»؛ همهٔ ما معنای این واژه‌ها را می‌دانیم. وقتی با کسی دوست می‌شویم، معمولاً بعد از پرسیدن اسم و فامیل او، این سؤال را از او می‌پرسیم: «شغل شما چیست؟» بنابراین، داشتن شغل، خیلی اهمیت دارد؛ اما آیا بچه‌ها هم باید شغل داشته باشند؟ در این موضوع افراد مختلف جامعه نظرهای گوناگونی دارند:



محمد: به نظر من دوران شیرین کودکی بسیار کوتاه است. بچه‌ها باید از این دوران لذت ببرند و ما نباید این دوران کوتاه را برای آنها تلخ کنیم.



مجید: من با کار کردن بچه‌ها موافقم. این روزها پیدا کردن شغلِ مناسب، بسیار سخت‌تر از گذشته است. آنها از کودکی باید به فکر پیدا کردن یک کار خوب برای آیندهٔ خود باشند.



مهدی: من با کار کردن بچه‌ها مخالف هستم. در گذشته آنها از پدر و مادر خود یاد می‌گرفتند چطور دامداری یا کشاورزی کنند؛ اما این روزها بچه‌ها برای پیدا کردن یک شغل خوب باید به دانشگاه بروند. اگر دانش‌آموزان کار کنند، فرصت نمی‌کنند خوب درس بخوانند و بچه‌ای که خوب درس نخواند، نمی‌تواند در آینده شغل مناسبی پیدا کند.



سامان: به نظر من بچه‌ها قبل از اینکه وارد دانشگاه بشوند، باید مدتی کار کنند تا تجربه به دست آورند. مدرسه و دانشگاه نمی‌تواند همهٔ تجربه‌های لازم را به آنها بدهد. این تجربه‌ها فقط در محیط کار به دست می‌آیند.



صادق: من هم موافقم که بچه‌ها باید تجربه به دست آورند؛ اما تجربه‌هایی که آنها باید به دست بیاورند، با تجربهٔ بزرگ‌ترها فرق می‌کند. بچه‌ها باید دوچرخه‌بازی را تجربه کنند. آنها باید خاک‌بازی را تجربه کنند. اینها تجربه‌های زمان کودکی است.



منتظر: کار کردن برای بچه‌ها خیلی خوب است. آنها وقتی کار می‌کنند، می‌فهمند به دست آوردن پول چقدر سخت است. هم‌چنین یاد می‌گیرند مستقل باشند و برای پول همیشه به پدر و مادر خود وابسته نباشند.



نظر شما چیست؟
آیا شما با کار کردن بچه‌ها موافق هستید؟ چرا؟

خواندن



بند اول: چرا پسر من همیشه در خانه است؟ چرا دختر من کمرو است؟ چرا او هیچ دوستی ندارد؟ کودکان کمرو اغلب دوست ندارند زیاد با دیگران صحبت کنند. آنها معمولاً در مهمانی‌ها ساکت هستند. حتی هنگامی که با آنها حرف می‌زنیم، فقط زمین را نگاه می‌کنند. آنها دوست ندارند بدون پدر و مادرشان جایی بروند؛ اما چطور می‌توان به بچه‌های کمرو کمک کرد تا بیشتر اجتماعی باشند؟



بنددوم: صحبت کردن با کودکان، روش مناسبی برای درمان کمرویی است؛ مثلاً اگر کودکی با دوستانش صحبت نمی‌کند یا با آنها بازی نمی‌کند، پدر و مادر می‌توانند به او بگویند: «من احساس تو را می‌فهمم» یا «من هم وقتی بچه بودم، گاهی این احساس را داشتم». آنها با این کار به کودک کمک می‌کنند، مشکلاتش را حل کند.

بندسوم: هیچ‌وقت به بچه‌ها نگویید «کمرو». گفتن این کلمه بچه‌ها را ناراحت می‌کند. اگر شما مجبور بودید از واژهٔ «کمرو» استفاده کنید، همیشه واژهٔ «کمرو» را در کنار یک نکتهٔ مثبت بگویید؛ مثلاً بگویید: «پسرم در مهمانی‌ها کمی کمرو و خجالتی است؛ ولی پسرم یک دانش‌آموز خوب و درسخوان است».

بندچهارم: اگر در خانه فرزند کمرو دارید، با او بازی کنید؛ نقش‌های مهم را در بازی به او بدهید و به او کمک کنید تا همه چیز را در بازی تجربه کند. مثلاً به او بگویید: «من یک دانش‌آموز جدید هستم. شما هم معلم کلاس باش. بیا با هم معلم‌بازی کنیم».

تکرار بعضی از بازی‌ها به بچه‌ها کمک می‌کند تا کمتر بترسند و راحت‌تر با دیگران دوست شوند.

بندپنجم: وقتی کودک شما در مهمانی سلام کرد، او را تشویق کنید؛ چون تشویق کردن کودک در بین دیگران خیلی مؤثر است برای بعضی از کودکان کمرو، گفتن حتی یک جمله در مهمانی موفقیت خیلی بزرگی است. پدر و مادر باید این موفقیت‌ها را پیدا کنند و کودک را تشویق نمایند.

متن بالا را بخوانید و عنوان مناسب برای بندها بنویسید.

عنوان مناسب برای بند اول:	....
عنوان مناسب برای بند دوم:	....
عنوان مناسب برای بندسوم:	....
عنوان مناسب برای بند چهارم:	....
عنوان مناسب برای بند پنجم:	....

سخنرانی

دربارهٔ دوران کودکی خود در کلاس سخنرانی کنید.



گذشتهٔ استمراری

برای بیان کاری که در زمان گذشته اتفاق افتاده و قدری ادامه داشته یا چند بار تکرار شده است از فعل گذشتهٔ استمراری استفاده می‌شود.

روش ساخت

می + بن ماضی فعل (مصدر بدون «ن») + شناسه = فعل گذشتهٔ استمراری

مثـال:

من همیشه کتاب‌های علمی می‌خواندم.
دانش‌آموزان هر روز با اتوبوس به مدرسه می‌رفتند.
وقتی مادربزرگم جوان بود، هر روز به خرید می‌رفت.

نکته: معمولاً در کنار فعل ماضی استمراری از قیدهای هر هفته، هرماه، هرسال و همیشه استفاده می‌شود.

می	بن ماضی	شناسه	ماضی استمراری	مثال
می	خورد	م	می‌خوردم	من هر روز ساعت ۱۲ ناهار می خوردم.
می	خورد	ی	می‌خوردی	تو هر روز ساعت ۱۲ ناهار می خوردی.
می	خورد	-----	می‌خورد	او هر روز ساعت ۱۲ ناهار می خورد.
می	خورد	یم	می‌خوردیم	ما هر روز ساعت ۱۲ ناهار می خوردیم.
می	خورد	ید	می‌خوردید	شما هر روز ساعت ۱۲ ناهار می خوردید.
می	خورد	ند	می‌خوردند	آنها هر روز ساعت ۱۲ ناهار می خوردند.



تمرین

الف)جای خالی را با فعل گذشتهٔ استمراری کامل کنید.

مثال مهسا هر روز خیلی زود سر کار ....می‌رفت.... (رفتن)

۱ معلم ما همیشه خیلی خوب.................. (درس دادن)

۲ من همیشه قبل از خواب .... (مسواک زدن)

۳ ابو علی سینا بیش از هزار سال قبل در ایران .... (زندگی کردن)

۴ مردم در گذشته با آتش غذا .... (پختن)

۵ علی هر روز خیلی دیر از مدرسه .... (برگشتن)

ب)جاهای خالی را با فعل مناسب پر کنید.

وقتی بچه بودم، با خانواده‌ام در شهر کرمان ....(زندگی کردن) مدرسهٔ من از خانه‌مان خیلی دور بود. من همیشه با اتوبوس به مدرسه .... (رفتن) من در کرمان دوستان خوبی داشتم. ما هر روز با هم به پارک .... رفتن و .... (بازی کردن) من کرمان را خیلی دوست داشتم. برای همین روزی که از کرمان به تهران برمی‌گشتم، خوشحال نبودم و خیلی ....(گریه کردن)

ج)به سوالات زیر پاسخ دهید.

۱. پدربزرگ شما وقتی جوان بود در کجا کار می‌کرد؟
....

۲. شما وقتی دانش‌آموز بودید چه کارهایی می‌کردید؟
....

۳. شما وقتی بچه بودید چه ورزشی می‌کردید؟
....

۴. شما دیروز در بازار مرکزی چه می‌کردید؟
....

نوشتن



موضوع: دوران کودکی شما چگونه بود؟ انشا بنویسید.

موضوع: دوران کودکی من

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن) ☐

اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن) ☐

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن) ☐

زبان: ٦ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا) ☐

نمرهٔ توصیفی: عالی(۲۰-۱۹) ○ خیلی خوب (۱۸-۱۷) ○ خوب (١٦-١٤) ○ متوسط(۱۱-۱۳) ○ تلاش بیشتر(۱۰-۰) ○

درس دوازدهم: فرودگاه

واژه‌های جدید

تحویل بار، صرافی، پله برقی، شارژ کردن، نمازخانه، گمرک، خروجی، گیت(ورودی)،گم شده، رفت و برگشت، یک‌طرفه، مبدأ، از این گذشته، مستقیم، راهرو، خروپف، دستمال مرطوب، ضدعفونی‌کننده، یک‌بارمصرف، تعویض

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. بخش‌های گوناگون فرودگاه را بشناسد.

۲. واژه‌ها و اصطلاحات مرتبط با فرودگاه را بداند.

۳. بتواند درباره مزایا و معایب سفر با هواپیما صحبت کند.

۴. با مسائل بهداشتی سفر با هواپیما آشنا شود.

۵. شناسه‌های گذشته را به خوبی تلفظ کند.



درس دوازدهم: فرودگاه

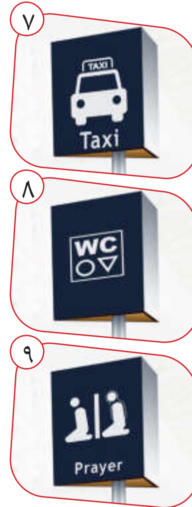


واژه‌ها و اصطلاحات

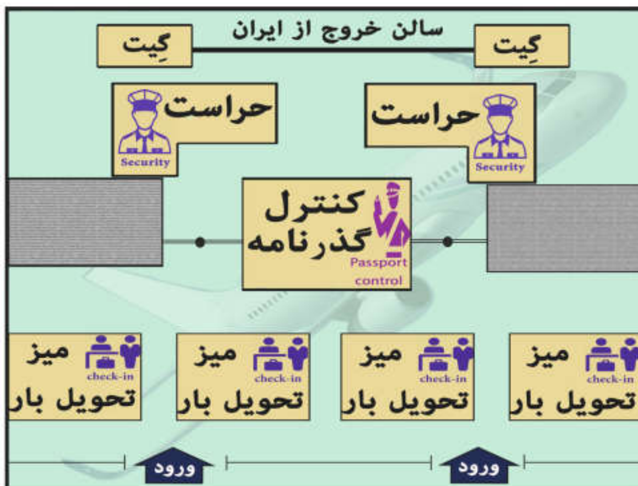
هر تابلو نشان دهندهٔ کدام بخش از فرودگاه است؟







- ١ آسانسور
- تحویل بار مسافر
- بانک/ صرافی
- سرویس بهداشتی
- تاکسی
- محل شارژ موبایل
- پله برقی
- نمازخانه
- اطلاعات





بخش‌های مختلف فرودگاه را به ترتیب علامت بزنید.













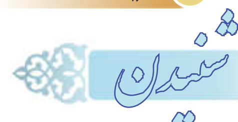


تمرین

با توجه به نقشهٔ صفحهٔ قبل گزینه‌های درست را به هم متصل کنید.

۱ تحویل‌بار به مسافر..................
۲ گمرک..................
۳ محل اشیای گم‌شده..................
۴ پلیس..................
۵ میز پذیرش بار از مسافر..................
۶ کنترل گذرنامه..................
۷ حراست..................
۸ گیت..................

الف انتهای سالن ورود، یکی سمت چپ است و یکی سمت راست.
ب انتهای سالن خروج، بعد از میز پذیرش بار.
پ ابتدای سالن ورود، بین صرافی و اطلاعات.
ت انتهای سالن خروج، سمت راست و چپ بین گیت‌ها و کنترل گذرنامه.
ث وسط سالن ورود سمت راست، بین نمازخانه و گمرک.
ج انتهای سالن خروج، سمت راست و چپ بعد از حراست.
چ ابتدای سالن خروج، دوتا سمت راست است و دوتا سمت چپ.
ح انتهای سالن ورود، سمت راست. نزدیک محل شارژ موبایل.





الف) هر یک از این افراد با کدام بخش از فرودگاه کاردارند؟ (ممکن است نام بیش از یک بخش آمده باشد)

	گمرک	صرافی	کنترل گذرنامه	نمازخانه	رستوران	دفتراشیای گمشده	فروشگاه	پلیس	سرویس بهداشتی
۱									
۲									
۳									
۴									
۵									
۶									

ب) یک‌بار دیگر گفتگوها را بشنوید و بگویید هر بخش در کجاست؟

۱ روبه‌روی نمازخانه.
۲ طبقهٔ پایین کنار سالن تحویل بار.
۳ کنار فروشگاه.
۴ کنار ادارهٔ پلیس.
۵ طبقهٔ پایین، انتهای سالن، کنار بانک.
۶ بین رستوران و سالن تحویل بار.

پیش گفتگو


AirPlane

نام و نام خانوادگی: فهیمه مرادی
مبدأ: تهران
نوع بلیت: رفت و برگشت ☐ یک طرفه ☒
مقصد: دوبی
مستقیم ☒ غیرمستقیم ☐
نوع پرواز: درجه یک ☐ عادی ☒
2805600012262805



گفتگو

- سلام، خسته نباشید.
- سلام. ممنونم. بلیت را لطف می کنید؟
- بله، حتماً، بفرمایید.
- آقای مهران رجبی. تنها هستید؟
- نه، با خانمم هستم.
- دو صندلی کنار هم می‌خواهید؟
- بله، اگر می‌شود صندلی خانمم کنار پنجره باشد.
- بله حتماً.

شمارهٔ صندلی ما چند است؟
- صندلی ۱۱ و ۱۲. چند تا چمدان دارید؟
- دو تا، این کیف دستی را می‌توانم با خودم داخل هواپیما ببرم؟
- کیفتان خیلی بزرگ نیست؛ اشکالی ندارد.
- ممنون از لطف شما.





کار گروهی

مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- شمارهٔ پرواز شما چند است؟
- پرواز شما چه ساعتی است؟
- می شود صندلی ام کنار پنجره / راهرو باشد؟
- چند تا چمدان دارید؟
- چند نفر هستید؟
- تنها هستید؟
- پرواز ما از گیت شمارهٔ چند است؟
- شمارهٔ صندلی ما چند است؟
- چقدر وقت داریم؟
- ببخشید سرویس بهداشتی / نمازخانه / اطلاعات کجاست؟




بحث آزاد

سفر هوایی بله/ خیر!



آیا شما دوست دارید با هواپیما سفر کنید؟

امروزه بسیاری ازمردم برای مسافرت از هواپیما استفاده می‌کنند؛ چون راحت و سریع است با این حال بسیاری از مردم هم سفر هوایی را دوست ندارند. شما چطور؟ آیا شما از هواپیما خوشتان می‌آید؟ معمولاً با چه وسیله‌ای سفر می‌کنید؟



هواپیما بهترین وسیله برای سفر کردن است. با هواپیما خیلی سریع می‌توانیم به همه جا سفر کنیم. هواپیما سریع ترین وسیله برای سفر است. از محل زندگی من تهران تا مشهد با ماشین پانزده ساعت و با هواپیما یک ساعت طول می کشد. من غذاهای داخل هواپیما را خیلی دوست دارم.



چرا همه عجله دارند زودتر به مقصد برسند؟اگر با ماشین سفر کنیم می توانیم از دیدن جنگل، بیابان، رودخانه و جاده لذت ببریم. من از غذاهای هواپیما خوشم نمی‌آید.



هواپیما راحت‌ترین وسیله برای سفر است. در هواپیما راحت می‌توانیم بخوابیم، فیلم ببینیم، موسیقی گوش کنیم و هر وقت گرسنه یا تشنه شدیم، به مهماندارها بگوییم برای ما آب یا خوراکی بیاورند. دیگر بهتر از این می‌شود؟



سفر کردن با هواپیما خیلی راحت است؛ اما این وسیله خیلی گران است. مسافران در هواپیما مثل زندانی هستند؛ نمی‌توانند از آن بیرون بروند یا پنجره را باز کنند تا هوای تازه به صورت آنها بخورد. به نظر من سفر کردن با ماشین خیلی بهتر است.



سفر کردن با ماشین خیلی گران است. بنزین ارزان نیست؛ از این گذشته، وقتی با ماشین سفر می‌کنیم، خیلی دیر به مقصد می‌رسیم و بعد از رسیدن به مقصد باید حتماً چند ساعت استراحت کنیم. سفر با ماشین یعنی یک سفر گران و طولانی؛ پس سفر کردن با هواپیما خیلی بهتر است.



سفر با هواپیما خیلی خطرناک است. هر سال تعداد زیادی هواپیما در دنیا سقوط می‌کنند. من از سفر با هواپیما می‌ترسم. از این گذشته، تعداد زیادی مسافر در یک فضای کوچک نشسته‌اند. اگر یک نفر از آنها بیمار باشد همه را بیمار می‌کند. این سفر هم خطرناک است و هم غیربهداشتی.

نظر شما چیست؟

شما دوست دارید با هواپیما سفر کنید یا با ماشین؟
آیا شما از سفر با هواپیما لذت می‌برید؟
در سفرهای تفریحی چه وسیله نقلیه‌ای بهتر است؟ در سفرهای کاری چطور؟
کدام سفر گران‌تر است؟ سفر با ماشین یا سفر با هواپیما؟ چرا؟

خواندن





اگر با هواپیما مسافرت می‌کنید، حتماً بخوانید.

هوای داخل هواپیما خشک است، صندلی‌ها کوچک هستند، خوراکی‌ها خوشمزه نیستند، سرویس بهداشتی کم است، مسافر پشتی خروپف می‌کند؛ همهٔ این موارد می‌تواند شیرینی پرواز با هواپیما را برای شما تلخ کند؛ اما مشکل دیگری هم هست که معمولاً مسافران کمتر به آن توجه می‌کنند و آن باکتری‌ها و ویروس‌هایی است که داخل هواپیما را آلوده می‌کنند؛ پس اگر با هواپیما مسافرت می‌کنید، حتماً مطالب زیر را بخوانید.









الف) دستشویی هواپیما

آلوده‌ترین مکان در داخل هواپیما، سرویس بهداشتی آن است. در هر پرواز حدود صد نفر از دو یا سه دستشویی عمومی استفاده می‌کنند؛ تصور کنید دو یا سه نفر از این مسافران بیمار باشند و ممکن است مسافران نتوانند به‌خوبی دست‌هایشان را با آب و صابون بشویند. حالا با این آلودگی باید چه کار کرد؟

چند راه حل ساده هست: اولاً برای باز و بسته کردن در سرویس‌های بهداشتی از دستمال مرطوب استفاده کنید؛ ثانیاً قبل از خوردن غذا حتماً با ژل یا اسپری ضدعفونی‌کننده یا دستمال مطوب دست‌های خود را تمیز کنید.

ب)صندلی هواپیما

مشکل دیگر، صندلی‌های آلودهٔ هواپیما است. دسته‌ها و سینی‌های مخصوص غذا در هواپیما معمولاً کثیف‌ترین جاهای صندلی هستند.
چون ممکن است شرکت هواپیمایی به هر دلیلی آن بخش‌ها را تمییز نکرده باشد، خودتان با یک دستمال مرطوب این کار را انجام دهید.

پ) پتو و بالش هواپیما

بالش و پتوی داخل هواپیما بسیار آلوده است. البته طبق قوانین جدید، این وسایل باید «یک‌بار مصرف» باشند؛ اما برخی از شرکت‌های هواپیمایی، به دلیل گرانی پتو و بالش یک‌بار مصرف، آنها را روزی یک‌بار تعویض می‌کنند، نه بعد از هر پرواز. بهتر است که قبل از پرواز پتو و بالش یک بار مصرف بخرید.



سخنرانی دربارهٔ یکی از فرودگاه‌های کشور خود سخنرانی کنید.



دستور



تلفظ شناسهٔ افعال گذشته

گفتار	نوشتار
رفتم	رفتم
رفتی	رفتی
رفت	رفت
رفتیم	رفتیم
رفتین	رفتید
رفتن	رفتند

همان‌طور که مشاهده کردید، در افعال زمان گذشته، تلفظ گفتاری برخی از شناسه‌ها با حالت نوشتاری آنها متفاوت است. (ید - ین ؛ ـَ ند - ـَ ن). به مثال‌های زیر توجه کنید:

شما در کلاس درس خواندید؟ /خواندین/

حسین و مادرش بیرون رفتند. /رفتن/

نکته۱: در فارسی عامیانه، شناسه در افعال گذشته همیشه به شکل گفتاری تلفظ می‌شود؛ اما هیچ وقت به شکل گفتاری نوشته نمی‌شود.

مثال در گفتار: آنها دیروز در رستوران غذا خوردن.

مثال در نوشتار: آنها دیروز در رستوران غذا خوردند.



تمرین

جمله‌های زیر را به صورت گفتاری بخوانید.

۱. سمانه و مادرش پارسال به شیراز رفتند.

....

۲. آنها همیشه این روز را جشن می‌گرفتند.

....

۳. عرفان و پرویز در روز عید از پدرشان عیدی گرفتند.

....

٤. شما دو نفر همهٔ شیرینی‌ها را خوردید؟

....

۵. مردم در زلزلهٔ دیروز خیلی به مجروحان کمک کردند و افراد زخمی را نجات دادند.

....

٦. بر اثر بارش باران و برف، بیست ماشین در جاده تصادف کردند.

....

نوشتن



موضوع: دربارهٔ سفر با هواپیما انشا بنویسید.

موضوع: ویژگی‌های سفر هوایی

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن) ☐

اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن) ☐

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن) ☐

زبان: ۶ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا) ☐

نمرهٔ توصیفی: عالی(۲۰-۱۹) ◯ خیلی خوب (۱۸-۱۷) ◯ خوب (۱۶-۱٤) ◯ متوسط(۱۱-۱۳) ◯ تلاش بیشتر(۱۰-۰) ◯

درس سیزدهم: خودرو و رانندگی

واژه‌های جدید

سواری، ماشین اسپورت، وانت، ماشین شاسی‌بلند، وَن، سپر، کاپوت، چرخ، لاستیک، اگزوز، پنجره، برف‌پاک‌کن، چراغ راهنما، چراغ خطر، صندوق عقب، آینهٔ بغل، پدال گاز، پدال ترمز، کلاج، دنده، فرمان، ترمز دستی، بوق، کمربند ایمنی، خط عابر پیاده، انحراف به چپ، ورود ممنوع، خیابان یک‌طرفه، چراغ قرمز، نقص فنی، لاستیک، پنچر شدن، باک بنزین، سوراخ شدن، روغن ماشین، یکدفعه(یک‌هو)، باتری ماشین، استارت، خودروی شخصی، کیفیت، ضرر، پوستر، هوشیار

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با قسمت‌های مختلف خودرو آشنا شود.

۲. برخی از علت‌های تصادفات را بداند.

۳. بعضی از نقص‌های فنی ماشین را بشناسد.

۴. بتواند دربارهٔ مزایا و معایب استفاده از اتومبیل شخصی و وسایل حمل و نقل عمومی صحبت کند.

۵. با کاربرد گذشتهٔ مستمر آشنا شود و بتواند به‌خوبی از آن استفاده کند.



درس سیزدم: خودرو و رانندگی



واژه‌ها و اصطلاحات (۱)

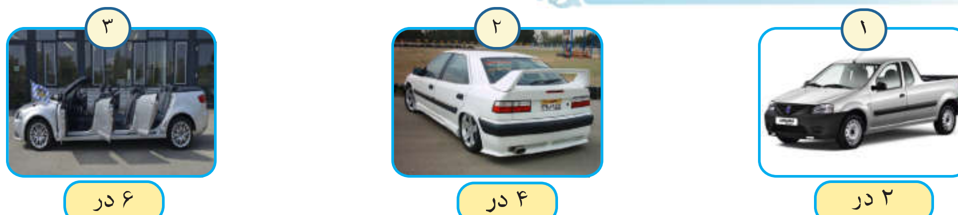
کدام‌یک از ماشین‌های زیر را بیشتر دوست دارید؟ چرا؟



ماشین مورد علاقهٔ شما چه رنگی است؟



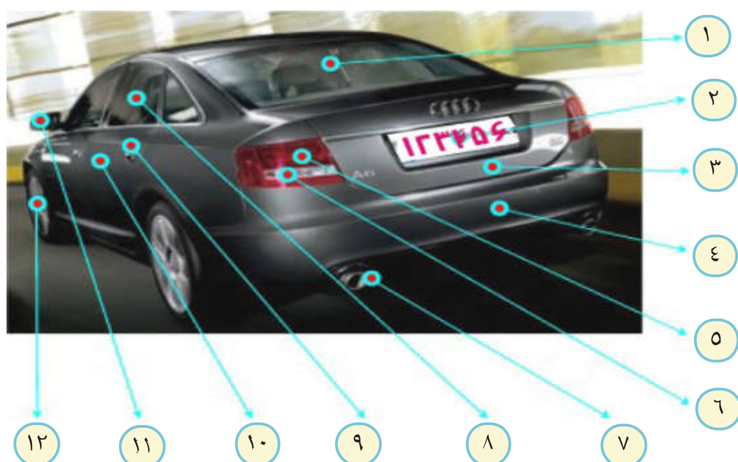
ماشین مورد علاقهٔ شما چند در دارد؟



واژه‌ها و اصطلاحات (۲)

اجزای بیرونی ماشین

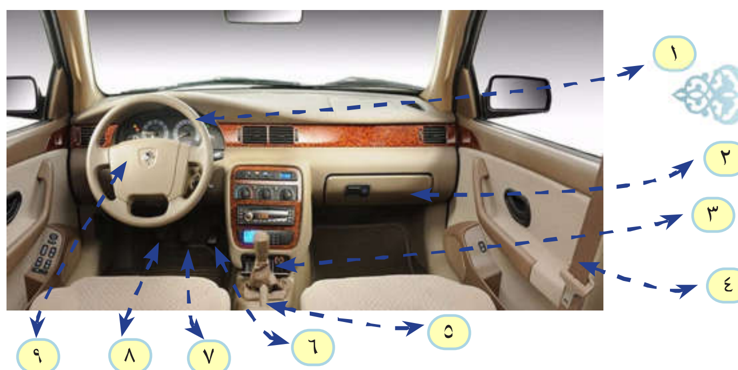
واژه‌های زیر را بخوانید و اجزای ماشین رامشخص کنید.



الف) سپر عقب ....٤....
ب) دستگیرهٔ در ....
پ) لاستیک ....
ت) اگزوز ....
ث) شیشهٔ در عقب ....
ج) در ....
چ) شیشهٔ عقب ....
ح) پلاک ماشین ....
خ) چراغ راهنما ....
د) چراغ خطر ....
ذ) صندوق عقب ....
ر) آینهٔ بغل ....

اجزای داخلی ماشین

واژه‌های زیر را بخوانید و اجزای ماشین را مشخص کنید.



الف) پدال گاز ....٦....
ب) پدال ترمز ....
پ) کلاچ ....
ت) دنده ....
ث) کمربند ایمنی ....
ج) فرمان ....
چ) ترمز دستی ....
ح) داشبورد........
خ) ایربگ(کیسهٔ هوا) ....




واژه‌ها و اصطلاحات

شما در خیابان‌های شهر کدام تخلف رانندگی را بیشتر می‌بینید؟ آنها را به ترتیب از ۱ تا ۸ شماره بزنید.

۱ صحبت کردن با تلفن همراه



۲ توقف روی خط عابر پیاده



۳ سرعت بالا



٤ انحراف به چپ



۵ ورود ممنوع به خیابان یک‌طرفه



٦ نبستن کمربند ایمنی



۷ داشتن نقص فنی



۸ عبور از چراغ قرمز



شنیدن



الف) راننده‌ها چه تخلفی انجام دادند؟ (ممکن است بیش از یک تخلف انجام داده باشند)

	صحبت کردن با تلفن همراه	سرعت بالا	ورود ممنوع به خیابان یک طرفه	داشتن نقص فنی	توقف روی خط عابر پیاده	انحراف به چپ	نبستن کمربند ایمنی	عبور از چراغ قرمز
۱								
۲								
۳								
۴								
۵								
۶								



ب) یک بار دیگر به گفتگوها گوش دهید. کدام‌یک از جملات زیر درست و کدام نادرست است؟



۱ در آنجا چراغ قرمز نبود.

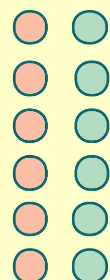
۲ راننده خط عابر پیاده را ندیده است.

۳ ماشین راننده سفید و شاسی‌بلند است.

۴ ماشین راننده خراب شده است و حرکت نمی‌کند.

۵ راننده در هنگام صحبت‌کردن با تلفن همراه، کمربند ایمنی را نبسته است.

۶ راننده گواهی‌نامه ندارد.



پیش گفتگو



آقا ببخشید ...

- لاستیک ماشینم پنچر شده.
- شیشهٔ جلوی ماشینم شکسته.
- برف‌پاک‌کن ماشینم کار نمی‌کند.
- باک بنزینم سوراخ شده.
- روغن ماشینم تمام شده.
- راهنمای ماشینم خراب شده.
- صندلی ماشینم خراب شده.

گفتگو





- سلام.
- سلام، چه شده است؟
- هر چه استارت می‌زنم، ماشینم روشن نمی‌شود.
- بنزین دارید؟
- بله دیروز بنزین زدم.
- لطف کنید کاپوت ماشین را بالا بزنید.
- چشم، همین الان.
- متأسفانه باطری ماشین شما مشکل دارد.
- چه کار باید بکنم؟
- یک باطری سازی ۳۰۰ متر جلوتر است، باید یک باتری نو بخرید.
- خیلی ممنون، چقدر بدهم خدمت شما؟
- ۷۰ هزار تومان.

کار گروهی



مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- سلام آقا / خانم چه شده؟
- لاستیک ماشینم پنچر شد.
- راهنمای / چراغ خطر / آینهٔ بغل / شیشهٔ جلوی ماشینم شکست.
- برف پاک کن / رادیو / ماشینم کار نمی‌کند.
- باک بنزینم سوراخ شد.
- بنزین / روغن / آب / باتری ماشینم تمام شد.
- راهنمای / بوق / کلاج / استارت ماشینم خراب شد.

- داشتم با تلفن صحبت می‌کردم که یک دفعه(یک هو) ....
- داشتم خیلی سریع رانندگی می‌کردم که یک دفعه ...
- داشتم رانندگی می‌کردم که یک دفعه ....
- داشتم ماشین را پارک می‌کردم که یک‌هو (یک دفعه) ....
- کمربند ایمنی / صندلی ماشینم خراب شد.




بحث آزاد

در همهٔ کشورهای دنیا، مردم خودرو می‌خرند و از آن استفاده می‌کنند؛ اما چرا استفادهٔ زیاد از خودروی شخصی کار درستی نیست؟ زیرا باعث آلودگی هوا، بسته شدن خیابان‌ها و افزایش مصرف بنزین می‌شود. بعضی از کارشناسان پیشنهاد می‌کنند، مردم به جای استفاده از خودروی شخصی از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده کنند.





به نظر من بهترین راه افزایش تعداد تاکسی‌ها و اتوبوس‌هاست. با این‌کار مردم خیلی ارزان و سریع می‌توانند به همه جا بروند.



افزایش تعداد اتوبوس‌ها و تاکسی‌ها کافی نیست. باید کیفیت آنها را هم بالا برد؛ مثلاً در شهر ما تعداد اتوبوس کم نیست؛ اما کیفیت آنها خیلی پایین است. صندلی بعضی از اتوبوس‌ها خراب شده یا کثیف است. کولر و بخاری آنها درست کار نمی‌کند و هزاران مشکل دیگر.



به نظر من استفاده از خودروهای شخصی بیش از حد راحت است و دولت باید کاری کند که استفاده از آنها خیلی سخت شود؛ مثلاً قیمت بنزین را بالا ببرد یا مثلاً رانندگی در بعضی از خیابان‌های شهر را برای خودروهای شخصی ممنوع کند. حتی می‌توان قیمت خودرو را بالا برد تا همهٔ مردم نتوانند خودروی شخصی بخرند.



من فکر می‌کنم نباید استفاده از خودروی شخصی را برای مردم سخت کرد. این کار باعث می‌شود مردم دیگر زیاد ماشین نخرند. من در یک کارخانهٔ خودروسازی کار می‌کنم. در کارخانهٔ ما حدود هفت هزار نفر کار می‌کنند. اگر مردم ماشین نخرند، تکلیف این هفت هزار نفر چه می‌شود؟



من هم موافق هستم. نباید استفاده از خودروی شخصی را سخت کرد. بهترین کار، آموزش استفادهٔ صحیح از خودروی شخصی است. مردم باید بدانند استفادهٔ نادرست از وسایل نقلیهٔ شخصی تا چه اندازه به سلامت آنها ضرر می‌زند.



به نظر من فقط آموزش کافی نیست. دولت باید قیمت خودرو را افزایش دهد. الان در همهٔ شهر پوسترهایی هست که به مردم می‌گوید سیگار کشیدن برای سلامتی آنها ضرر دارد. اما هنوز هم بسیاری هستند که سیگار می‌کشند؛ پس فقط آموزش کافی نیست.



نمی‌توان گفت آموزش بی‌تأثیر است. همین پوسترها باعث می‌شوند خیلی از افراد سیگار نکشند. به نظر من، شما فقط نیمهٔ خالی لیوان را می‌بینید!

نظر شما چیست؟

آیا شما از خودروی شخصی زیاد استفاده می‌کنید؟ چرا؟

به نظر شما چطور می‌توان مردم را تشویق کنیم تا از وسایل حمل و نقل عمومی بیشتر استفاده کنند.

خواندن



چرا تصادف!!!؟



اولین تصادف با خودرو که باعث مرگ افراد شد، در هفدهم آگوست ۱۸۹۶ میلادی در انگلستان اتفاق افتاد. در این تصادف یک مادر ٤٤ ساله و دخترش از دنیا رفتند. اولین تصادف در ایران هم در سال ۱۳۰۵ هجری اتفاق افتاد و در آن، یک موسیقیدان بزرگ ایرانی درگذشت. توجه نکردن به «قوانین راهنمایی و رانندگی» دلیل بیشتر تصادفات است. در این بخش دربارهٔ مهم‌ترین تخلفات رانندگی صحبت خواهیم کرد.

۱. حرف زدن با تلفن همراه

بسیاری از تصادفات به علت حرف زدن با تلفن همراه است. وقتی کسی با تلفن صحبت می‌کند، دیگر به رانندگی توجه نمی‌کند؛ مخصوصاً اگر در گفتگوی تلفنی خبر بدی به راننده بدهند، ممکن است او دیگر نتواند ماشین را کنترل کند و این باعث تصادف می‌شود؛ پس استفاده از تلفن همراه در زمان رانندگی ممنوع.

۲. سرعت بالا

رانندگی کردن با سرعت بالا یکی از مشکلات مهم در کل دنیا است. بعضی از راننده‌های جوان، زمانی که یک خودروی مدل بالا را می‌بینند، تصمیم می گیرند از آن سبقت بگیرند؛ در این تصادفات اگر راننده کمربند ایمنی خود را نبسته باشد، ممکن است جانش را از دست بدهد. پس هیچ وقت با سرعت بالا رانندگی نکنید؛ چون دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است!

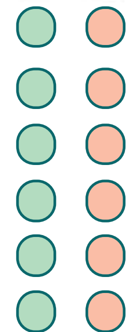
۳. استفادهٔ نادرست از چراغ راهنما

علت بسیاری از تصادفات دیر روشن کردن یا روشن نکردن چراغ راهنما هنگام دور زدن و انحراف به چپ است. در این شرایط رانندهٔ عقبی خیلی دیر چراغ راهنمای ماشین جلویی را می‌بیند و نمی‌تواند به موقع ترمز کند. پس همیشه در فاصلهٔ ۱۰۰ تا ۲۰۰ متر مانده به پیچ، راهنمای خود را روشن کنید.

توجه به همین سه نکتهٔ ساده می‌تواند هر سال جان هزاران نفر را نجات دهد؛ پس لطفاً در زمان رانندگی هوشیار باشید.

با توجه به متن، کدام‌یک از موارد زیر درست و کدام‌یک نادرست است؟





۱. اولین کسی که در دنیا در یک تصادف رانندگی کشته شد، موسیقیدان بود.
۲. صحبت کردن با تلفن همراه فقط زمانی خطرناک است که به راننده خبر بدی داده می‌شود.
۳. گاهی صحبت کردن با تلفن همراه باعث می‌شود راننده با سرعت بالاتری رانندگی کند.
٤. طبق متن، در بزرگراه‌ها بیشتر خودروهای مدل بالا با سرعت زیاد رانندگی می‌کنند.
۵. راننده‌های بد معمولاً، راهنمای ماشین خود را زود روشن می‌کنند.
٦. استفادهٔ از راهنما در فاصلهٔ ۱۰۰ تا ۲۰۰ متری به پیچ ممکن است باعث تصادف شود.

سخنرانی

دربارهٔ ضررها و فایده‌های خودرو شخصی سخنرانی کنید.



یادآوری: گذشتهٔ مستمر

ساخت واژه:
صرف گذشتهٔ سادهٔ فعل «داشتن» + فعل گذشتهٔ استمراری

صرف فعل «داشتن»	می	بن ماضی	شناسه	ماضی استمراری	گذشتهٔ مستمر
داشتم	می	رفت	َ-م	می‌رفتم	داشتم می‌رفتم ...
داشتی	می	رفت	ی	می‌رفتی	داشتی می‌رفتی ...
داشت	می	رفت	-	می‌رفت	داشت می‌رفت ...
داشتیم	می	رفت	یم	می‌رفتیم	داشتیم می‌رفتیم ...
داشتید	می	رفت	ید	می‌رفتید	داشتید می‌رفتید ...
داشتند	می	رفت	َ-ند	می‌رفتند	داشتند می‌رفتند ...

اگر عملی در زمان گذشته در حال انجام باشد و عمل دیگری با آن همزمان شود، در این شرایط عمل اول با گذشتهٔ مستمر و عمل دوم با گذشتهٔ ساده نشان داده می‌شود.

نکته: معمولاً صرف گذشتهٔ فعلِ «داشتن» در کنار فعل ماضی استمراری نمی‌آید.

گذشتهٔ مستمر	که	گذشتهٔ ساده
داشتم از خیابان عبور می‌کردم	که	یکی از دوستانم را دیدم.
داشتم فوتبال بازی می‌کردم	که	پایم شکست.

به مثال‌های زیر توجه کنید.

مثال۱: عبور کردن از خیابان/ دیدن دوست — داشتم از خیابان عبور می‌کردم که دوستم را دیدم.

مثال۲: نوشتن تمرین/ صدای اذان ظهر — داشتم تمرین می‌نوشتم که صدای اذان آمد.

مثال۳: خوابیدن/ زنگ تلفن — داشتم می‌خوابیدم که تلفن زنگ زد.



تمرین

با استفاده از مصدرهای زیر، جملاتی با فعل ماضی مستمر و گذشته ساده بنویسید.

۱. بازی‌کردن/ زمین خوردن	....
۲. غذا پختن/ سوختن دست	....
۳. خردکردن سبزی/ بریدن دست	....
٤. غذا خوردن/ آمدن دوست	....
۵. صحبت کردن با تلفن/ تصادف کردن	....
٦. درس خواندن/ مادر صدا کردن	....
۷. پارک کردن/ ماشین پنچر شدن	....
۸. عبور از چراغ قرمز/ جریمه کردن	....
۹. صحبت با همکلاسی/ نگاه کردن معلم	....

نوشتن



موضوع : یک تصادف را که دیده یا شنیده‌اید، انشا بنویسید.

موضوع: توصیف یک تصادف

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن) ☐ اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن) ☐

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن) ☐ زبان: ٦ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا) ☐

نمرهٔ توصیفی: عالی(۲۰-۱۹) ○ خیلی خوب (۱۸-۱۷) ○ خوب (١٦-١٤) ○ متوسط(۱۱-۱۳) ○ تلاش بیشتر(۱۰-۰) ○

درس چهاردهم: خاطرات تلخ سفر

واژه‌های جدید

تأخیر، نقص فنی، کنسل شدن، جا گذاشتن، خونگرم، شرجی، حلال، گشتن، ضریح، معدن، برعکس، امنیت، جذب کردن، به حساب آمدن، غواصی

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با برخی از مشکلات سفر آشنا شود.
۲. بتواند درباره خاطرات بد سفرش صحبت کند.
۳. بتواند جاذبه‌های گردشگری کشورش را معرفی کند.
۴. کاربرد فعل گذشتهٔ بعید را بداند.
۵. با تفاوت فعل گذشته بعید و گذشته ساده آشنا شود و بتواند به‌خوبی از این زمان‌ها استفاده کند.



درس چهاردهم: خاطرات تلخ سفر



واژه‌ها و اصطلاحات

جدول زیر را کامل و دربارهٔ پاسخ‌های خود گفت‌وگو کنید.

آیا تا به حال ...

	بله	خیر
۱ پرواز شما تأخیر داشته است؟	◯	◯
۲ در مسافرت تصادف کرده‌اید؟	◯	◯
۳ در مسافرت بنزین ماشین شما تمام شده است؟	◯	◯
۴ در مسافرت ماشین شما خراب شده است؟	◯	◯
۵ هواپیمای شما نقص فنی داشته است؟	◯	◯
۶ پرواز شما کنسل شده است؟	◯	◯
۷ گذرنامه‌تان را در خانه جا گذاشته‌اید؟	◯	◯
۸ در دریای طوفانی با کشتی سفر کرده‌اید؟	◯	◯

متن زیر را با استفاده از واژه‌های مناسب کامل کنید.

تأخیر داشت — تاکسی‌گرفتیم — بگیریم — جا گذاشتم — نقص‌فنی‌داشت — برگشتم — خراب شد

چند سال پیش من و همسرم می‌خواستیم برای تفریح به کشور هندوستان سفر کنیم. هواپیمای ما ساعت ۱:۰۰ نیمه‌شب از تهران پرواز می‌کرد. ما حدود ساعت ۱۱:۰۰ شب یک .... تا با تاکسی به فرودگاه برویم، اما متأسفانه، در بین راه تاکسی .... نیم‌ساعت طول کشید تا یک تاکسی دیگر آمد و ما را به فرودگاه برد.
حدود ساعت ۱۲:۰۰ به فرودگاه رسیدیم. خیلی سریع به کنار میز تحویل بار رفتیم تا کارت پرواز ....؛ اما در کنار میز تحویل بار فهمیدم که پاسپورت‌هایمان را در خانه .... خیلی عصبانی بودم. زود یک تاکسی دیگر گرفتم، به خانه .... و گذرنامه‌هایمان را برداشتم. وقتی به فرودگاه رسیدیم ساعت ۱:۳۰ نیمه‌شب بود. خوشبختانه آن روز هواپیمای ما .... و برای همین پرواز ما حدود یک ساعت .... همهٔ مسافرها ناراحت بودند که چرا پرواز **تأخیر** دارد؛ اما من و همسرم از این تأخیر خیلی خوشحال بودیم.



واژه‌ها و اصطلاحات



به فهرست زیر چند خاطرهٔ خوب و بد اضافه کنید.

خاطرات بد	غذاهای آنجا بدمزه بود.	مردم آنجا خونگرم نبودند.	هوا خیلی شرجی بود.	کیفم را دزدیدند.
	....	....	....	....
خاطرات خوب	آنجا غذاهای حلال داشت.	زبان آن کشور را بلد بودم.	هوا خیلی تمیز بود.	پاسپورتم پیدا شد.
	....	....	....	....

شنیدن



الف) به این خاطره ها گوش دهید. در هر کدام چه اتفاق بدی افتاده است؟

۱ .... ۲ .... ۳ ....

ب) یک بار دیگر به این خاطره‌ها گوش دهید و جملات زیر را مرتب کنید.

خاطره ۱

.... دو بلیت اتوبوس خریدند.
.... او و دوستش گرسنه بودند و غذا خوردند.
.... آنها مریض شدند.
.... ماشین آنها خراب شد.
.... به یک رستوران کثیف رفتند.

خاطره ۲

.... در حرم دنبال دخترش گشت.
.... دخترش با بچه‌های دیگر بازی می‌کرد.
.... روبه‌روی ضریح ایستاد و نماز خواند.
.... دخترش کنار او خوابیده بود.
.... روبه‌روی ضریح نشست و از امام رضا کمک خواست.

خاطره ۳

.... با ماشین به طرف تبریز رفتند.
.... همهٔ پول‌ها را در کیف گذاشتند.
.... به تهران برگشتند.
.... به هتل رسیدند و فهمیدند کیف دستی آنها گم شده است.
.... او متوجه شد که کیف دستی در صندوق عقب است.

ج) یک بار دیگر به این خاطره‌ها گوش دهید. کدام جمله درست و کدام جمله نادرست است؟





		✓	✗
۱	الف) رستوران در یک شهر کوچک بود.	○	○
	ب) غذای آن رستوران خیلی ارزان بود.	○	○
۲	الف) او همهٔ حرم را به تنهایی دنبال دخترش گشت.	○	○
	ب) دختر او در حرم خوابیده بود.	○	○
۳	الف) وقتی به هتل رسیدند، متوجه شدند که پول ندارند.	○	○
	ب) آنها کیف پول را پیدا کردند و دوباره به تبریز برگشتند.	○	○




مشکلات حمل ونقل

ماشینم خراب شد	ماشینم پنچر شد	تصادف کردیم	هواپیما تأخیر داشت	پروازم کنسل شد






- سلام؛ رسیدن بخیر.
- سلام؛ سلامت باشی.
- خب، تعریف کن. خوش گذشت؟
- راستش را بخواهی، نه خیلی.
- چرا؟ اتفاقی افتاد؟
- اوایل سفر خوب بود، اما بعد ماشینم خراب شد.
- جدی؟ بعد چه شد؟
- یک روز در جاده بودم تا ماشینم را درست کردم.
- چقدر بد! خب بعد چکار کردی؟
- بعد از اینکه ماشینم را درست کردم. نزدیک شهر خوابم برد و با ماشین روبرو تصادف کردم.
- واقعاً، چقدر بد شد! ماشین چه شد؟

ماشین را به تعمیرگاه بردم و خودم با اتوبوس برگشتم.

ان شاءالله بلا دور است. خدا را شکر که سالم هستی.




مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- ماشینم خراب شد.
- ماشینم پنچر شد.
- تصادف کردیم .
- پروازم لغو شد .
- کیفم را دزدیدند.
- پاسپورتم گم شد.

- غذاهای آنجا بدمزه بود.
- آنجا غذاهای حلال نداشت.
- زبان آن کشور را بلد نبودم.
- هوا خیلی آلوده بود.
- هوا خیلی گرم بود.
- هواپیما تأخیر داشت.

بحث آزاد



سفر کردن چه تأثیری در زندگی شما داشته است؟

تا به حال به چند کشور سفر کرده‌اید؟

آیا شهر شما، شهر توریستی است؟





گردشگری یک صنعت است و صنعت یعنی پول. در خیلی از کشورهای دنیا معدن یا کارخانه‌های زیادی وجود ندارد، این کشورها معمولاً سعی می‌کنند با جذب گردشگر پول به دست آورند. هر گردشگر پول زیادی را با خود به یک شهر یا کشور دیگر می‌آورد و آن را خرج می‌کند.



من با این موضوع که صنعت گردشگری می‌تواند با خود کلی پول به یک شهر یا کشور بیاورد، موافقم؛ اما به چه قیمتی؟ هر شهر و روستایی فرهنگ خاص خودش را دارد و رفت و آمد گردشگر به یک شهر، باعث می شود فرهنگ‌های مردم در شهرهای کوچک از بین برود.



من مخالفم؛ زیرا ممکن است زمانی که مردمی از یک فرهنگ دیگر به شهر شما می‌آیند، فرهنگ‌های زیبای شما را یاد بگیرند و با خود به شهرهای خودشان ببرند. گردشگری باعث می‌شود فرهنگ یک شهر منتشر شود، نه اینکه از بین برود.



آمدن گردشگر به یک شهر خوب است؛ اما وقتی گردشگرها با خودشان مقدار زیادی پول حمل می‌کنند، باعث می‌شود تا دزدها و خلاف کارها بیشتر به این شهرها بروند. زمانی که دزدها به شهر بیایند، امنیت شهر از بین می‌رود.



دزدی فقط مخصوص شهرهایی نیست که در آن گردشگر زیاد است. دزدها در هر شهری هستند. آمدن گردشگر باعث می‌شود تا بیکاری از بین برود و جوانان بیشتر بتوانند کار کنند.



بله! گردشگرها با خود پول می‌آورند؛ اما هر سال بعضی از همین گردشگرها بخش‌های زیادی از جنگل‌ها، بیابان ها و دریاچه‌ها را آلوده می‌کنند. من اینگونه گردشگرها را اصلاً دوست ندارم.

نظر شما چیست؟

شما با آمدن گردشگر به شهرتان موافق هستید؟ چرا؟

خواندن 

راهنمای جزیرهٔ کیش

جزیرهٔ کیش یکی از جزیره‌های خلیج فارس است که در جنوب ایران قرار دارد. زبان مردم این جزیره فارسی و عربی و دین بیشتر آنها اسلام است. مساحت این جزیره در حدود نود کیلومتر مربع است؛ اما همین جزیرهٔ نسبتاً کوچک سالانه بیش از یک میلیون گردشگر را از سرتاسر دنیا به خود جذب می‌کند.





جاذبه‌های گردشگری

علاوه بر آثار تاریخی که در جزیرهٔ کیش وجود دارد، پارک‌های ساحلی و تفریحی بسیاری نیز در آن به چشم می‌خورد؛ مانند:

- **پارک دلفین کیش:** پارک دلفین از مکان‌های منحصر به فرد در غرب آسیا است. شما و گردشگران می‌توانید دلفین‌ها را در اینجا از نزدیک مشاهده کنید. هزینهٔ ورودی برای هر بازدیدکننده حدود ۲۰۰/۰۰۰ تومان است.

- **پارک درخت سبز:** قدیمی‌ترین درختان جزیره در این پارک هستند.

شما و خانوادهٔ عزیزتان می‌توانید از گردش در این پارک لذت ببرید. ورود به پارک درخت سبز برای همه رایگان است.

- **کشتی یونانی:** از جاذبه های مهم گردشگری جزیره کیش کشتی یونانی در یکی از سواحل کیش است بازدید از این کشتی نیز برای همه رایگان است. شما می‌توانید در اینجا عکس‌های فوق‌العاده‌ای بگیرید.

- **شهر زیرزمینی کاریز:** این شهر بیش از ۲۵۰۰ سال پیش در جزیره کیش ساخته شده است. این شهر در حال حاضر حدود شانزده متر زیر سطح زمین است و یکی از جاذبه‌های گردشگری مهم در کیش به حساب می‌آید. هزینه ورودی این شهر زیبای زیرزمینی برای هر گردشگر تنها ۳۰/۰۰۰ تومان است.

در خیابان‌های جزیرهٔ کیش به خاطر رعایت دقیق قوانین رانندگی چراغ راهنمایی وجود ندارد. علاوه بر این، بزرگترین پرچم ایران نیز در این جزیره وجود دارد. شما می‌توانید از پیست‌های سوارکاری، دوچرخه‌سواری و اتومبیل‌رانی جزیرهٔ کیش لذت ببرید. حتی می‌توانید در خلیج‌فارس غواصی کنید و جت‌اسکی سوار شوید. اسکی روی آب نیز از تفریحات جزیره کیش است. از همه مهم‌تر اینکه، این تفریحات در یک کشور اسلامی وجود دارد؛ پس بانوان می‌توانند، علاوه بر تفریحات معمولی، از محل‌هایی که در جزیرهٔ کیش مخصوص بانوان طراحی شده است، لذت ببرند.



با توجه به متن کدام جمله درست و کدام نادرست است؟

  در متن نیست

۱. جزیرهٔ کیش کوچکترین جزیرهٔ خلیج فارس است.   

۲. دین اکثر مردم در این جزیره دینِ اسلام است.   

۳. ورودی پارک دلفین های کیش از ورودی شهر زیرزمینی کاریز گرانتر است.   

۴. ورودی پارک درخت سبز از ورودی کشتی یونانی ارزانتر است.   

۵. قدیمی ترین درخت های ایران در پارک درخت سبز است.   

۶. شهر زیرزمینی کاریز از آثار تاریخی جزیرهٔ کیش است.   

۷. در جزیرهٔ کیش محل های تفریحی برای بانوان بیشتر از آقایان است.   

سخنرانی 

دربارهٔ خاطرهٔ یکی از سفرهای بدِ خود، سخنرانی کنید.





ماضی بعید

فعل ماضی بعید برای نشان دادن عملی به کار می‌رود که در زمان گذشته قبل از کار دیگری انجام شده است.



ساخت واژه

صفت مفعولی + بود + شناسه = ماضی بعید	صفت مفعولی= بن ماضی + ه

مثال: وقتی به مدرسه رسیدم، معلم به کلاس رفته بود.
وقتی آنها آمدند، هواپیما رفته بود.

نیازی نیست همیشه برای نشان دادن اتفاق اول از گذشتهٔ ساده استفاده کنیم؛
دو کلمهٔ «قبل از» و «پیش از» می‌توانند نشان‌دهندهٔ اتفاق اول و دوم باشند.

مثال: پیش از خوردن غذا دست‌هایش را نَشُسته بود.
سارا قبل از اینکه من برسم، تکلیف‌هایش را نوشته بود.



تمرین

الف)جاهای خالی را با فعل مناسب کامل کنید.

۱. سمیرا تازه به خانه .... که دوستش با او تماس گرفت. (رسیدن)
۲. قبل از اینکه سوار ماشین شوم، دوستم را............ (دیدن)
۳. هنوز تکالیفم را .... که برنامهٔ تلویزیونی مورد علاقه‌ام شروع شد. (انجام دادن)
۴. پیش از اینکه بخوابند، غذایشان را .... (خوردن)
۵. در اتاقش............ که ناگهان صدای عجیبی شنید. (خوابیدن)

ب)جاهای خالی را با فعل مناسب کامل کنید.

سارا و خواهرش پارسال به مسافرت............(رفتن). وقتی آنها به فرودگاه............(رسیدن)، هواپیما............(پرواز کردن). سارا از خواهرش............ (خواستن) که با اتوبوس بروند. آنها با اتوبوس به سفر............(رفتن). وقتی به هتل............ (رسیدن)، اتاق‌های هتل............(پر شدن)؛ آنها خیلی ناراحت شدند و به مدیر هتل............(گفتن)، آنها از قبل یک اتاق............(رزرو کردن)؛ اما مدیر هتل گفت: چون آنها خیلی دیر به هتل............(آمدن)، آنها اتاق را به یک خانوادهٔ دیگر .... (دادن).

نوشتن



موضوع : دربارهٔ یک خاطرهٔ تلخ از سفر انشا بنویسید.

موضوع: خاطرهٔ تلخ در سفر

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن) ▭

اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن) ▭

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن) ▭

زبان: ۶ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا) ▭

نمرهٔ توصیفی: عالی(۲۰-۱۹) ◯ خیلی خوب (۱۸-۱۷) ◯ خوب (۱۶-۱۴) ◯ متوسط(۱۱-۱۳) ◯ تلاش بیشتر(۱۰-۰) ◯

درس پانزدهم: پخت و پز

واژه‌های جدید

خامه سس، سوسیس، فلفل دلمه، استخوان، گوشت چرخ کرده، گوشت راسته، خوردن انگشتان، املت، چرب، شور، تند، تلخ، ترش، آخ جان، غذای سنگین، غذای سبک، آبدار، فست فود، عادت بدغذایی، تندتند، درصد، سیب زمینی سرخ‌کرده، زیاده‌روی، سوخاری، کلسترول، مصرف کردن، پذیرفته، ناپذیرفته، میزان، نفی، تاکید، عاقلانه، ماهرانه، هوشمندانه، آهسته، مطلقاً، هیچ‌گاه، بی‌شک، بی‌تردید، بی‌احترامی

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. انواع مزه‌ها را بشناسد.
۲. با عادت‌های خوب و بد غذایی آشنا شود.
۳. تفاوت انواع فست‌فود را بداند.
۴. انواع قید را بشناسد.
۵. بتواند به‌خوبی از انواع قید استفاده کند.



درس پانزدهم: پخت و پز



واژه‌ها و اصطلاحات

هریک از مواد غذایی زیر را چند بار در هفته استفاده می‌کنید؟ جدول زیر را کامل کنید.

ماده	تعداد	ماده	تعداد	ماده	تعداد
۱. پرتقال	بار در هفته	۱۰.سس گوجه‌فرنگی	بار در هفته	۱۹. گوجه	بار در هفته
۲. پنیر	بار در هفته	۱۱. سس مایونز	بار در هفته	۲۰. گوشت با استخوان	بار در هفته
۳. پیاز	بار در هفته	۱۲. سوسیس	بار در هفته	۲۱. گوشت چرخ‌کرده	بار در هفته
٤.تخم مرغ	بار در هفته	۱۳. سیب	بار در هفته	۲۲. گوشت راسته	بار در هفته
٥. خامه	بار در هفته	١٤. سیب‌زمینی	بار در هفته	۲۳. لپه	بار در هفته
٦. دوغ	بار در هفته	١٥. شیر	بار در هفته	٢٤. لوبیا	بار در هفته
٧. رب گوجه	بار در هفته	١٦. عدس	بار در هفته	٢٥. نخود	بار در هفته
٨. روغن	بار در هفته	١٧. فلفل دلمه	بار در هفته	٢٦. مرغ	بار در هفته
٩. زیتون	بار در هفته	١٨. کره	بار در هفته	٢٧. موز	بار در هفته









واژه‌ها و اصطلاحات

مواد غذایی بالا را در دسته‌های مناسب قرار دهید. (به هر بخش حداقل یک مورد اضافه کنید.)







میوه‌ها	گوشت‌ها	حبوبات

لبنیات	سبزیجات	سایر چیزها









واژه‌ها و اصطلاحات

دو ستون زیر را به هم وصل کنید.

۱. خیلی هوس خورشت فسنجان کرده‌ام!
۲. خورشت فسنجان با دوغ می‌چسبد!
۳.انگشت‌هایت را با این خورشت فسنجان می‌خوری!
٤.این خورشت فسنجان حرف ندارد!
۵. به خورشت فسنجان پیاز اضافه کن.

الف) این خورشت فسنجان خیلی خوشمزه است.
ب) خیلی دوست دارم امروز خورشت فسنجان بخورم.
پ) در خورشت فسنجان پیاز بریز.
ت) خورشت فسنجان با دوغ خیلی خوشمزه‌تر است.
ث) این خورشت فسنجان خیلی خوب است.

شنیدن



الف) در هر گفتگو دربارهٔ چه موادی صحبت می کنند؟

گفتگوی اول	سیب زمینی	گوجه	روغن	گوشت	پیاز	لپه
	کافی / ناکافی	کافی / ناکافی	کافی / ناکافی	کافی / ناکافی	کافی / ناکافی	کافی / ناکافی
گفتگوی دوم	گوجه	روغن	تخم مرغ	رب گوجه	نان	پیاز
	کافی / ناکافی	کافی / ناکافی	کافی / ناکافی	کافی / ناکافی	کافی / ناکافی	کافی / ناکافی
گفتگوی سوم	فلفل دلمه	پنیر	سوسیس	پیاز	گوشت چرخ‌کرده	گوجه
	کافی / ناکافی	کافی / ناکافی	کافی / ناکافی	کافی / ناکافی	کافی / ناکافی	کافی / ناکافی
گفتگوی چهارم	گوشت راسته	پیاز	نان	لوبیا	نخود	سیب زمینی
	کافی / ناکافی	کافی / ناکافی	کافی / ناکافی	کافی / ناکافی	کافی / ناکافی	کافی / ناکافی

ب) یک بار دیگر گفتگو را گوش کنید و بگویید آیا این مواد به اندازه کافی وجود دارد یا ندارد؟

ج) یک بار دیگر به گفتگو گوش دهید؛ کدام جمله درست و کدام جمله نادرست است؟



۱
الف) او دوست دارد برای شام خورشت قیمه بخورد.
ب) آنها دوست دارند به همراه خورشت قیمه نوشابه بخورند.

۲
الف) آنها بعد از تماشای فیلم به رستوران می‌روند.
ب) او اُملت را با سس گوجه بیشتر از اُملت با رب گوجه دوست دارد.

۳
الف) او در پیتزا به جای سوسیس از گوشت مرغ استفاده می‌کند.
ب) آنها می‌خواهند به پیتزا، پیاز بزنند.

٤
الف) آنها امروز ظهر در رستوران آبگوشت می‌خورند.
ب) برای پختن آبگوشت باید از گوشت راسته یا گوشت با استخوان استفاده کرد.

پیش گفتگو

انواع غذا

غذاهای

چرب	شور	شیرین	سنگین
تند	تلخ	ترش	سبک

گفتگو







- چرا فلفل زیاد توی غذا می‌ریزی؟

–چون دارم غذای هندی می‌پزم.

- شما چه نوع غذایی را بیشتر دوست دارید؟

- من بیشتر غذاهای تند را دوست دارم. شما چه غذایی را دوست دارید؟

- من بیشتر غذای ترش و شیرین مثل فسنجون را خیلی دوست دارم.

- من اصلاً غذای ترش و شیرین دوست ندارم. شما شب‌ها چه می‌خوری؟

- من شب‌ها غذاهای سبک مثل سوپ می‌خورم.شما چی می‌خوری؟

- من هم شب‌ها غذای سبک می‌خورم؛ اما جمعه‌ها کله‌پاچه می‌خورم.

- کله‌پاچه؟ کله‌پاچه خیلی چرب و سنگین است.

- بله چرب و سنگین است؛ اما هفته‌ای یک بار می‌خورم.





مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- شما چه غذایی را بیشتر دوست داری؟
- شب‌ها چه غذایی می‌پزی؟
- آبگوشت خیلی چرب است.
- غذاهای مکزیکی خیلی تند هستند.
- این هندوانه خیلی شیرین و آبدار است.
- آشپزی مادربزرگم خیلی خوب است.
- من شب‌ها غذای ساده و سبک می‌خورم.
- من غذاهای ترکی را خیلی دوست دارم.
- آشپزی شما چطور است؟
- آشپزی من خوب نیست.
- این دوغ کمی تلخ است.
- این ماکارونی خیلی شور است.
- این شیر بوی بدی می‌دهد.
- این هندوانه شیرین نیست.
- من غذاهای چرب و سنگین را خیلی دوست دارم.
- من فست فود نمی‌خورم.

بحث آزاد







گوشت، برنج و نان پر از پروتئین و مواد قندی هستند، اما در آنها ویتامین‌های مختلف وجود ندارد. ویتامین‌ها بیشتر در میوه‌ها و سبزیجات هستند؛ به نظر من بدترین عادت غذایی نخوردن میوه و سبزیجات است.



به نظر من صبحانه نخوردن بدترین عادت غذایی است. من صبح‌ها خیلی زود سر کار می‌روم؛ و فرصت ندارم تا صبحانه بخورم. روزهایی که صبحانه نمی‌خورم، خیلی کم انرژی هستم.



من صبحانه خیلی زیاد می‌خورم و نمی‌توانم در طول روز زیاد غذا بخورم. وقتی شب‌ها به خانه می‌آیم، بسیار گرسنه هستم؛ برای همین، قبل از خوابیدن زیاد غذا می‌خورم؛ من فکر می‌کنم بدترین عادت غذایی شام خوردن زیاد قبل از خواب است.



عادت‌های غذایی بدتری هم هست؛ مثلاً برادر من زیاد غذا نمی‌خورد؛ اما همیشه خیلی تندتند غذا می‌خورد؛ برای همین؛ معمولاً دل‌درد دارد. به نظرر من تند تند غذا خودن بدترین عادت غذایی است.



من فکر می‌کنم، بدترین عادت غذایی این است که در زمان غذا خوردن تلویزیون ببینید؛ این کار باعث می‌شود شما با آرامش غذا نخورید. غذا خوردن بدون آرامش برای سلامتی معده بسیار خطرناک است.



آب نخوردن هم کار خوبی نیست. بعضی‌ها در طول روز خیلی کم آب می‌خورند. از این بدتر اینکه بعضی‌ها به جای آب، نوشابه‌های قندی می‌خورند. به نظر من این بدترین عادت غذایی است.

به نظر شما بدترین عادت غذایی چیست؟
چطور می‌توانیم وزن خود را کاهش و افزایش دهیم؟



راهنمای خوردن فست‌فود



خوردن فست‌فود یعنی چاق شدن؛ اما آیا می‌توانیم این غذاها را طوری درست کنیم که سالم باشند. پزشکان فست‌فودها را به سه دستهٔ «قرمز»، «زرد» و «سبز» تقسیم می‌کنند. برای خوردن یک فست‌فود سالم، سه قانون وجود دارد:



قانون اول: فست‌فودهای قرمز را نخورید.

قانون دوم: **فست‌فودهای زرد** را زیاد نخورید.

قانون سوم: فست‌فودهای سبز سالم هستند؛ می‌توانید آنها را بخورید.

فست‌فودهای قرمز

درصد چربی غذاهای این گروه از یک گرم بیشتر است؛ مثلاً سیب‌زمینی سرخ‌کرده در گروه غذاهای قرمز قرار دارد؛ زیرا بیشتر رستوران‌ها برای سرخ‌کردن آن از روغن‌های معمولی و ارزان استفاده می‌کنند؛ البته غذاهایی که در روغن‌های سالم سرخ شوند، برای سلامتی شما مفید هستند. غذاهایی که مقدار زیادی گوشت قرمز دارند نیز جزء گروه فست‌فودهای قرمز هستند؛ هم‌چنین بیشتر دسرهایی که در رستوران‌ها دیده می‌شوند، جزء گروه قرمز هستند.



فست‌فودهای زرد

فست‌فودهای زرد خیلی خطرناک نیستند؛ اما آنقدر هم سالم نیستند که آنها را در گروه سبز قرار دهیم؛ برای مثال، پیتزای معمولی جزء فست‌فودهای زرد است. در پیتزا روغن و گوشت قرمز زیادی وجود ندارد؛ اما در آن سبزیجات هم زیاد نیست. مرغ سوخاری هم در فست‌فودهای زرد قرار می‌گیرد.



فست‌فودهای سبز

غذاهایی که در این گروه هستند بسیار مفیدند. این غذاها معمولاً از میوه‌ها، سبزیجات و روغن‌های سالم درست می‌شوند. غذاهایی مثل سالادها، تخم مرغ و پیش‌غذاهایی که با سبزیجات درست می‌شوند، جزء این گروه هستند.



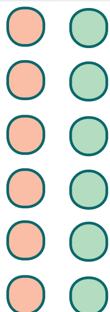
غذاهای سبز، چربی و نمک کمی دارند این غذاها را می‌توان هر روز مصرف کرد.
با انتخاب غذاهای سبز شما می‌توانید هم فست‌فود بخورید و هم سالم بمانید.
غذاهای سبز همیشه شکل طبیعی دارند؛ مثلاً سالاد همیشه شکل طبیعی سبزیجات است؛ بنابراین سالاد یک غذای سالم است.



جملات زیر درست یا نادرست هستند؟



۱. سیب‌زمینی‌ای که در روغن معمولی سرخ شود، در گروه فست فودهای سبز قرار دارد.
۲. پیتزای معمولی و مرغ سوخاری در گروه فست‌فودهای قرمز هستند.
۳. غذاهایی مثل سالادها، تخم‌مرغ‌ها جزء فست‌فودهای زرد هستند.
٤. فست‌فودهای زرد از فست‌فودهای قرمز سالم‌تر هستند.
۵. معمولاً در فست‌فودهای سبز، مواد غذایی شکل طبیعی خود را ندارند.
٦. غذاهایی که مقدار زیادی گوشت قرمز دارند نیز جزء گروه فست‌فودهای قرمز هستند.





سخنرانی

شما معمولاً در طول هفته از چه نوع مواد غذایی بیشتر استفاده می‌کنید؟ چرا؟





قیـــد

قید کلمه یا گروهی از کلمات است که مفهومی را به مفهوم فعل، صفت، مسند یا قید دیگر اضافه می‌کند.

انواع قید از نظر معنا	نمونه‌ها	جمله‌ها
پذیرفته بودن	خوب، عاقلانه، ماهرانه، هوشمندانه	او عاقلانه رفتار کرد.
ناپذیرفته بودن	بد، نادرست	خانه را بد تمیز کردی!
زمان	زود، دیر، اکنون، حالا، همیشه، بعد	من همیشه همین کار را انجام می‌دهم.
مکان	دور، نزدیک، جلو، عقب، بیرون	بچه‌ها بدون اجازهٔ پدر بیرون نمی‌روند.
چگونگی	آهسته، تند	او خیلی تند غذا می‌خورد.
تکرار	دوباره، همیشه	پرویز دوباره به دوستش حرف بد زد.
میزان و درجه	کم، زیاد، فراوان، بسیار	سعید زیاد از خانه بیرون نمی‌رفت.
نفی	نه، هیچ، هرگز، مطلقاً، هیچ‌گاه	هرگز به پدر و مادرت بی‌احترامی نکن.
تأکید	البته، هم، نیز، بی‌شک، بی‌تردید	من هم تفریح را دوست دارم.



تمرین

الف) گزینه مناسب را برای هر جمله انتخاب کنید.

۱. معلم به علی گفت: « باید .... درس بخوانی تا بتوانی در امتحان موفق شوی.»
الف) به آرامی　ب) خوب　پ) البته　ت) کم

۲. من غذاهای تند را دوست دارم؛ برادرم .... همین‌طور.
الف) خوب　ب) بسیار　پ) هم　ت) دوباره

۳. اول کتاب هایت را جمع کن؛ .... به پارک برو.
الف) زود　ب) دیر　پ) بعد　ت) قبل

۴. یادم رفت اجاق گاز را خاموش کنم، غذا .... سوخت.
الف) البته　ب) کمی　پ) خوب　ت) سپس

۵. هادی دست پخت مادرش را .... دوست دارد.
الف) خیلی　ب) هرگز　پ) زود　ت) اصلا

ب) متن زیر با قیدهای مناسب کامل کنید. (بعضی واژه‌ها می‌تواند دو بار استفاده شود.)

البته	ابتدا	به‌آرامی	حدوداً	اکنون	خوب	سپس	مدام	در انتها	کمی

طرز تهیهٔ شُلّه زرد

ابتدا برنج را خوب می‌شوییم؛ به مدت دو ساعت برنج را در آب خیس می‌کنیم. آب برنج را خالی می‌کنیم. در مرحلهٔ بعد، برنج را با............... آب در قابلمه می‌ریزیم. وقتی آب جوش آمد، حرارت آن را کم می‌کنیم و صبر می‌کنیم تا............... بپزد............... بعد از دو ساعت، زعفران را به برنج اضافه می‌کنیم. وقتی برنج............... پخت، شکر را به آن اضافه می‌کنیم............... گلاب و روغن را در قابلمه می‌ریزیم و............... هم می‌زنیم............... اضافه کردن خلال بادام به سلیقهٔ شما بستگی دارد............... شله زرد شما آماده است. نوش جان.

نوشتن



موضوع : دربارهٔ غذاهای مخصوص کشور خود، انشا بنویسید.

موضوع: غذاهای کشورم

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن) ☐ اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن) ☐

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن) ☐ زبان: ۶ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا) ☐

نمرهٔ توصیفی: عالی(۲۰-۱۹) ○ خیلی خوب (۱۸-۱۷) ○ خوب (۱۶-۱٤) ○ متوسط(۱۱-۱۳) ○ تلاش بیشتر(۱۰-۰) ○

درس شانزدهم: رستوران

واژه‌های جدید

کباب‌کوبیده، کباب برگ، سینهٔ مرغ، پودر، به روی چشم، میل داشتن، دوغ گازدار، سیخ، بطری، پیاله، پارچ،کاسه، رایگان، آشکار، یک دست، سرآشپز، اسراف، پُرس، سیر شدن، فرم نظرخواهی، انتقال، دلستر

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

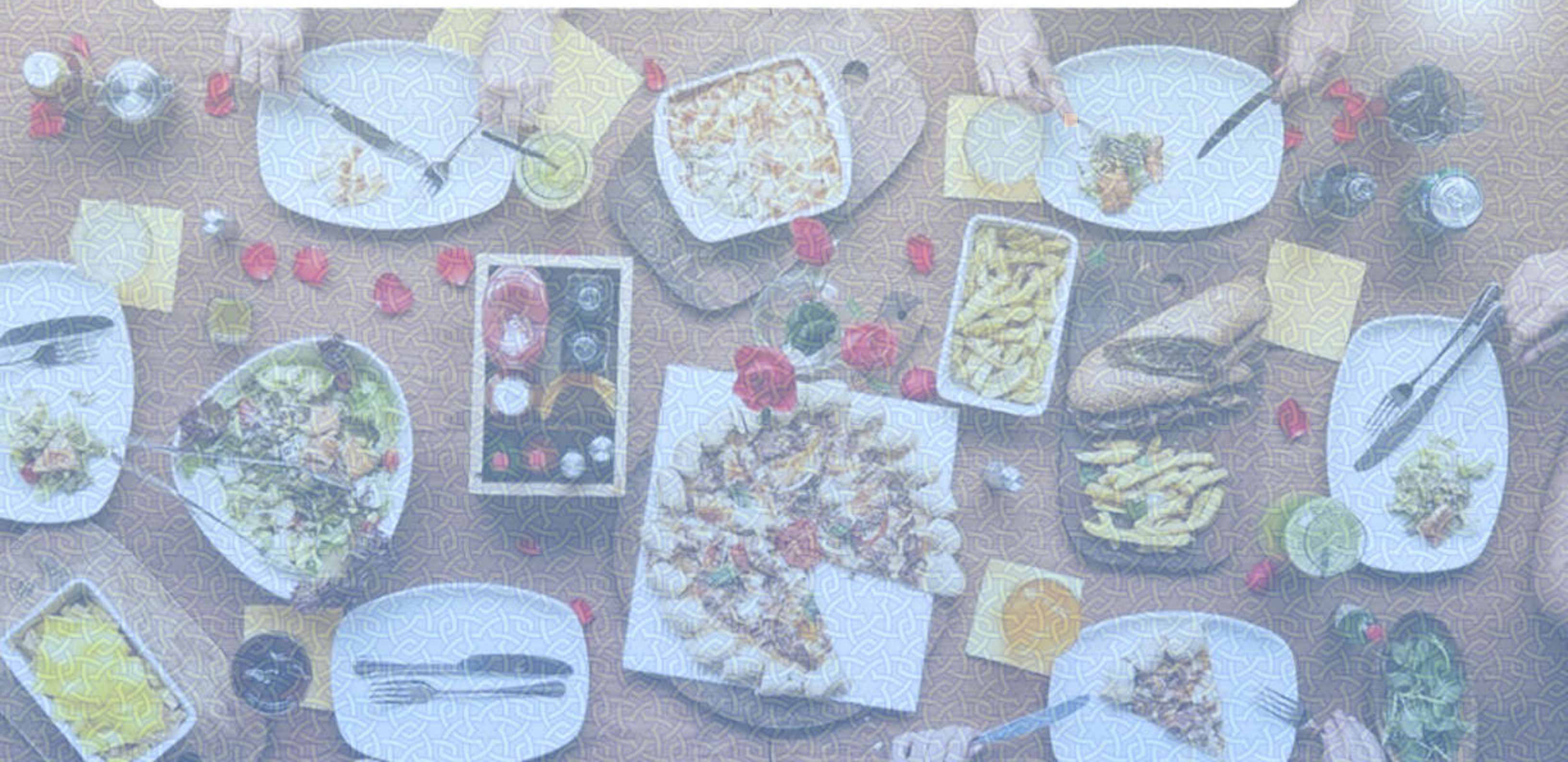
۱. با برخی از غذاهای ایرانی و مواد اولیه آنها آشنا شود.

۲. روش صحبت کردن و سفارش غذا در رستوران را بداند.

۳. بداند که غذاها و نوشیدنی‌های گوناگون به چه صورت سرو می‌شوند.

۴. ویژگی‌های یک رستوران خوب را بشناسد.

۵. کاربرد مصدر را بداند و بتواند به‌خوبی از آن در جمله استفاده‌کند.



درس شانزدهم: رستوران



واژه‌ها و اصطلاحات

به نظر شما کدام غذا خوشمزه‌تر است؟
شما کدام غذا را دوست ندارید؟
آیا در کشور شما غذایی شبیه به غذاهای ایرانی وجود دارد؟

کباب کوبیده
مواد لازم:
گوشت چرخ‌کرده- پیاز- نمک و فلفل

کباب برگ
مواد لازم:
گوشت راسته - پیاز
روغن زیتون - نمک و فلفل

کباب بختیاری
مواد لازم:
گوشت راسته- سینهٔ مرغ- پیاز
آبلیمو، نمک و فلفل

قیـمه
مواد لازم:
لپه - پیاز - گوشت - برنج

جوجه‌کباب
مواد لازم:
سینهٔ مرغ - پیاز - آبلیمو- نمک و فلفل

فسنجان
مواد لازم:
پودر گردو- پیاز- مرغ یا گوشت چرخ‌کرده- برنج

چلومرغ
مواد لازم:
مرغ- هویج- پیاز- برنج

قورمه سبزی
مواد لازم:
گوشت- سبزی- پیاز- لوبیا- برنج



واژه‌ها و اصطلاحات

گفتگو در رستوران: به نظر شما هر جمله را چه کسی گفته است؟ در جدول زیر بنویسید.

- به روی چشم!
- (می‌شود لطفاً) دو پرس فسنجان برایمان بیاورید؟
- بی‌زحمت چند تا نوشابه برایمان بیاورید.
- اگر امکانش هست چند تا نوشابه برایمان بیاورید.
- دستتان درد نکند.
- چیز دیگری میل ندارید؟
- امر دیگری ندارید؟
- بفرمایید، در خدمتتان هستم.
- منوی غذا را لطف می‌کنید؟
- نوشیدنی چه میل دارید (بیاورم خدمتتان)؟

	مشتری		پیش‌خدمت
۱		۱	
۲		۲	
۳		۳	
٤		٤	
٥		٥	

تمرین

یکی از زبان‌آموزان پیش‌خدمت است. زبان‌آموز دیگر با توجه به منو، غذا سفارش بدهد.

سلام آقا. لطف می‌کنید ....

سلام بله حتماً. دسر چه میل دارید؟

منوی غذایی

کباب‌ها	قیمت(تومان)
کباب کوبیده	۲۵۰۰۰
کباب برگ	۲۹۰۰۰
بختیاری	۳۲۰۰۰
جوجه کباب	۱۷۰۰۰
خورشت‌ها	**قیمت**
چلو مرغ	۱۵۰۰۰
قرمه سبزی	۱۱۰۰۰
قیمه	۱۱۰۰۰
فسنجان	۱۸۰۰۰
سوپ‌ها	**قیمت**
سوپ مرغ	۷۰۰۰
سوپ شیر	۸۰۰۰
سوپ گوشت	۱۰۰۰۰

سایر	قیمت(تومان)
زیتون	۵۰۰۰
ماست	٤۰۰۰
سالاد	۳۰۰۰
میوه	۸۰۰۰
نوشیدنی‌ها: رایگان	
آب معدنی	
دلستر	
چای	
نوشابه	
دوغ	

شنیدن



الف) هر یک از مشتری‌ها چه چیزی سفارش می‌دهند؟ تعداد آن را در جدول زیر بنویسید.

کباب‌ها				خورشت‌ها			سوپ‌ها			سایر				نوشیدنی‌ها				
کوبیده	برگ	بختیاری	جوجه	چلومرغ	قورمه‌سبزی	فسنجان	سوپ مرغ	سوپ شیر	سوپ گوشت	زیتون	ماست	سالاد	میوه	نوشابه	دوغ	دلستر	چای	آب معدنی

ب) یک‌بار دیگر گفتگوها را بشنوید و جدول زیر را کامل کنید.



		✓	✗
۱	الف) دوست او سوپ نمی‌خورد.		
	ب) آنها دوغ گازدار دوست ندارند.		
۲	الف) او قورمه سبزی‌های این رستوران را خیلی دوست دارد.		
	ب) آنها جوجه‌کباب را با برنج می‌خورند.		
۳	الف) آنها سوپ نمی‌خواهند.		
	ب) آنها نوشیدنی نمی‌خواهند.		
٤	الف) آنها سوپ این رستوران را خیلی دوست دارند.		
	ب) او مرغ دوست ندارد.		

پیش گفتگو

برای جمله‌های زیر عدد مناسب را بنویسید.



الف) یک بطری آب معدنی	۲
ب) یک کاسه آش‌رشته	
پ) یک پیاله ماست	
ت) یک قوری چای	
ث) یک پارچ دوغ	
ج) دو سیخ جوجه کباب	
چ) یک پرس چلومرغ	
ح) یک ظرف سالاد	



گفتگو



- سلام، در خدمتتان هستم. انتخاب کردید؟
- سلام بله. لطفاً هفت پرس چلوکباب کوبیده و یک پیتزای مرغ.
- ماست، سالاد یا ترشی. کدام را میل می‌کنید؟
- هشت پیاله ماست و شش ظرف سالاد برایمان بیاورید.
- ترشی میل ندارید؟
- نه، متشکرم.
- نوشیدنی چطور؟ نوشیدنی بیاورم خدمتتان؟
- نوشیدنی سرد چه دارید؟
- نوشابه و دوغ.
- لطفاً یک دوغ خانواده وچهار تا نوشابه برایمان بیاورید.
- بله، حتماً.



کار گروهی





مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- انتخاب کردید؟
- ترشی، سالاد یا ماست؟
- چه میل دارید؟
- سالاد نداریم.
- شرمنده برنجمان تمام شده.
- دوغ داریم، اما گرم است / خنک نیست.
- سالاد رایگان است.
- سبزی خوردن هم بیاورم خدمتتان؟
- از غذایتان راضی بودید؟
- نظر لطف شماست.

- منو را لطف می‌کنید؟
- می‌خواهم سوپتان را امتحان کنم.
- می‌شود لطفاً یک کاسه آش / یک پیاله ترشی / یک لیوان آب / یک پارچ دوغ و ... برایمان بیاورید؟
- من فسنجان با مرغ / گوشت دوست ندارم.
- نوشابه / دوغ / چای / قهوه / آب و ... هم دارید؟
- صورت حساب را لطف می‌کنید؟
- می‌شود برای ما یک قاشق / چنگال / لیوان اضافه بیاورید؟
- یک مقدار نان / نمک / فلفل / شکر می‌خواستم.



بحث آزاد





آیا شما آشپز خوبی هستید؟

غذای مورد علاقهٔ شما چیست؟

آیا مادر شما آشپز بهتری است یا شما یا همسرتان؟

شما بیشتر دوست دارید در خانه غذا بخورید یا در رستوران؟



من عاشق غذاهای رستوران هستم. من آدم تنبلی نیستم، اما از آشپزی زیاد خوشم نمی‌آید؛ برای همین، بیشتر دوست دارم با شوهرم برای غذا خوردن به یک رستوران خیلی خوب بروم.



غذای رستوران‌ها خیلی گران است؛ نمی‌شود هر شب به رستوران رفت.



من و شوهرم هر روز از صبح تا شب سر کار هستیم و فرصت آشپزی کردن نداریم. برای همین همیشه به رستوران می‌رویم. به نظر من، غذا خوردن در رستوران بسیار خوب است؛ چون با این کار من هر روز کلی وقت دارم تا در خانه کارهای هنری کنم و آنها را بفروشم. از زمانی که من هم کار می‌کنم، درآمد ما خیلی خوب شده است و هر سال می‌توانیم به سفرهای زیارتی و تفریحی برویم.



غذا خوردن در خانه برای همه بهتر است. اینکه مادر برای خانواده غذا درست می‌کند و همه دور میز می‌نشینند و باهم غذا می‌خورند، خیلی زیباست. من دوست دارم غذایی را بخورم که همسرم با عشق برایم پخته است.



غذای خانگی و غذای رستوران فرقی نمی‌کند. مهم محبت است. اگر همان غذای رستوران را با محبت و در کنار خانواده بخورید، باز هم عشق در غذا وجود دارد. در دنیای امروز افراد دیگر وقت ندارند آشپزی کنند.



استفاده از زمان مهم است؛ اما خانواده از آن مهم‌تر است. غذا خوردن در خانه، باعث محبت بین اعضای خانواده می‌شود. برای استفاده از زمان هم می‌شود برنامه‌ریزی کرد؛ مثلاً روزهای زوج شما آشپزی کنید و روزهای فرد شوهرتان.



ببخشید جمعه‌ها چه کار کنیم؟ غذا نخوریم؟



من به غذای رستوران‌ها اعتماد ندارم؛ برای همین هیچ‌وقت به رستوران نمی‌روم. دوست دارم بدانم برای پختن غذا از چه موادی استفاده شده است؛ مثلاً گوشت تازه است یا نه؟ از چه روغنی در آن استفاده شده؟ دوست دارم بدانم در غذایی که می‌خورم چه چیزی وجود دارد.

نظر شما چیست؟ غذای خانگی یا غذای رستوران؟ چرا؟



رستوران خوب

غذا خوردن بیرون از منزل یکی از تفریح‌های ما است. بعضی از خانواده‌ها به رستوران‌های گران‌قیمت و بعضی هم به رستوران‌های ارزان‌قیمت می‌روند. فرقی نمی‌کند رستورانی که به آنجا می‌روید، غذای ایرانی یا غذای غیر ایرانی دارد؛ مهم این است که آن رستوران ویژگی‌های یک رستوران خوب را داشته باشد.

به نظر شما ویژگی‌ها و خصوصیات یک رستوران خوب چیست؟



توجه به اصول بهداشتی

رعایت اصول بهداشتی در رستوران بسیار مهم است. کارکنان یک رستوران خوب، همیشه کلاه، دستکش و لباس‌های زیبا و تمیز دارند. آنها باید وقتی مشتریان غذایشان تمام شد، خیلی سریع و با دقت میزهای غذا را تمیز کنند. دیگر اینکه با مشتریان هنگام ورود و خروج از رستوران با لبخند و محترمانه برخورد کنند.



آشپزخانه باید دیده شود.

در رستوران‌هایی که مشتری می‌تواند آشپزخانه را ببیند بیشتر به اصول بهداشتی توجه می شود. در این رستوران‌ها کارکنان و آشپزها با دقت بیشتری به اصول بهداشتی توجه می‌کنند.

پرس‌های غذا به اندازه

یک رستوران خوب در مصرف مواد غذایی اسراف نمی‌کند. تمام پرس‌های غذا در رستوران باید به اندازه یک فرد عادی باشد. یک پرس غذای استاندارد مقداری است که مشتری با خوردن آن سیر شود.



باید مدیر رستوران در کنار مشتریان باشد.

وقتی مدیر رستوران در جایی که مشتریان غذا می‌خورند قدم می‌زند و دربارهٔ کیفیت غذا با آنها حرف می‌زند، مشتریان احساس بهتری دارند. این کار نشان می‌دهد که برای این رستوران نظر مشتری‌ها خیلی مهم است. وجود فرم‌های نظرخواهی نیز می‌تواند این حس خوب را به مشتری‌ها می‌دهد.





داشتن میزهای شیشه‌ای

میزها، ظرف ها، پارچ ها و لیوان ها در رستوران باید شیشه ای باشند نه پلاستیکی. مواد پلاستیکی سریع آلوده می شوند و نمی‌توان به راحتی آنها را تمییز کرد. البته بهتر است برای نوشیدن مایعات از نی یا لیوان یک بار مصرف استفاده کنید تا بیمار نشوید.



سخنرانی

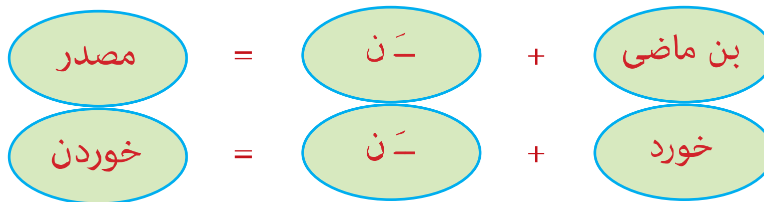
دربارهٔ ویژگی‌های یک رستورانِ خوب سخنرانی کنید.

دستور



مصدر فعلی

مصدر اسمی است که از فعل ساخته می‌شود. این کلمه معنای فعل را دارد، اما شخص، زمان و شماره ندارد.



کاربرد مصدر

همانطور که در گذشته خواندید، مصدر می‌تواند بعد از واژه‌های «بعد از»، «قبل از»، «برای» و «هنگام» و ... بیاید. در این درس با دو جایگاه دیگر مصدر آشنا می‌شویم.

۱. وقتی مصدر در جمله، در جایگاه مفعول است.

من + غذا پختن را + دوست دارم.

۲. مصدر بعد از حروف اضافه

من+ از + غذا پختن+ خوشم می آید.

تمرین

الف) هر مصدر را به فعل خود وصل کنید.

	مصدر		فعل
۱	خوردن	الف)	می‌نشینم
۲	شنیدن	ب)	بشنو
۳	کارکردن	پ)	بیا
٤	خندیدن	ت)	ببریم
٥	آمدن	ث)	خوردیم
٦	نشستن	ج)	کار می کند
٧	بردن	چ)	مسواک می‌زنید
٨	مسواک‌زدن	ح)	نخندید

ب) مصدرها را در متن زیر مشخص کنید .

استفاده درست از اینترنت بسیار مهم است ما می‌توانیم برای خرید کردن، صحبت کردن و درس خواندن از اینترنت استفاده کنیم. مسئولین باید برای سالم شدن، امن شدن، ارزان شدن و سریع‌تر شدن اینترنت تلاش کنند. اینترنت به ما کمک می کند تا خیلی سریع‌تر کارهایمان را انجام بدهیم. ما می‌توانیم هر روز با خواندن مطالب علمی اینترنت، اطلاعات شخصی خود را زیاد کنیم.

نوشتن



موضوع : دربارهٔ بهترین رستوران شهر خود، انشا بنویسید.

موضوع: ویژگی‌های یک رستوران خوب

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن) ☐

اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن) ☐

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن) ☐

زبان: ٦ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا) ☐

نمرهٔ توصیفی: عالی(۲۰–۱۹) ○ خیلی خوب (۱۸–۱۷) ○ خوب (١٦–١٤) ○ متوسط(۱۱–۱۳) ○ تلاش بیشتر(۱۰–۰) ○

درس هفدهم: هتل

واژه‌های جدید

سوئیت، دستشویی فرنگی، دستشویی ایرانی، اینترنت بی‌سیم، تشک، خشک‌شویی، منظره، متصدی، نامرتب، به‌هم ریخته، عذرخواهی، پرسنل، فعال، سر رفتن حوصله، متنوع، به گونه‌ای، مجهز، استثنایی، به شمار آمدن، کندن

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. بخش‌های مختلف هتل را بشناسد.
۲. ویژگی‌های یک هتل خوب را بداند.
۳. با شکایت‌های معمول هتل آشنا شود.
۴. با فعل مجهول آشنا شود و بتواند از این نوع فعل در جمله استفاده کند.
۵. بداند که چگونه فعل‌های معلوم متعدی به فعل مجهول تبدیل می‌شوند.



درس هفدهم: هتل

واژه‌ها و اصطلاحات

انواع اتاق‌های هتل

اتاق یک‌تخته	اتاق دوتخته	اتاق سه‌تخته
سوئیت	اتاق رو به دریا	اتاق رو به جنگل

واژه‌ها و تصویرها را مشخص کنید.



الف) رستوران ۳
ب) دستشویی فرنگی
پ) دستشویی
ت) سالن ورزشی
ث) استخر
ج) کافی‌شاپ
چ) اینترنت بی‌سیم
ح) تلویزیون و ماهواره
خ) تشک اضافه
د) خشک‌شویی

تمرین

متن زیر را با واژه‌های مناسب بالا کامل کنید.

هتل خوب چه هتلی است؟ به نظر من هتل خوب هتلی است که .... و .... داشته باشد؛ چون من دوست ندارم برای خوردن غذا از هتل بیرون بروم، از این گذشته، من چای و قهوه هم زیاد می‌خورم؛ پس .... هم خیلی مهم است. من هر روز با لپ‌تاپم به دوستانم چت می‌کنم و ایمیل می‌زنم؛ پس هتل باید .... داشته باشد.من ورزش گروهی را خیلی دوست دارم و عاشق فوتبال و والیبال هستم؛ پس یک هتل خوب باید .... من به شناکردن هم خیلی علاقه دارم؛ برای همین دوست دارم هتلی که در آن هستم، .... داشته باشد. من وقتی سفر می‌کنم خیلی با خودم لباس نمی‌برم و خیلی زود لباسهایم کثیف می‌شود؛ برای همین باید هتلی که رزرو می‌کنم حتماً .... .راستی من از دستشویی فرنگی استفاده نمی‌کنم؛ به همین جهت اتاق من باید .... داشته باشد. به این می‌گویند یک هتل خوب و عالی.نظر شما چیست؟ با من موافق هستید؟

تمرین

الف) گفتگوی مقابل را با استفاده از جملات زیر کامل کنید.

الف) به نام مهدی مروتی.
ب) ببخشید، دوست دارید منظرهٔ اتاقتان چه باشد؟
پ) بله حتماً. این هم کلید اتاقتان.
ت) اقامت خوبی داشته باشید.
ث) سلام، ممنون. من یک اتاق رزرو کرده بودم.
ج) می‌شود شناسنامه‌هایتان را لطف کنید؟

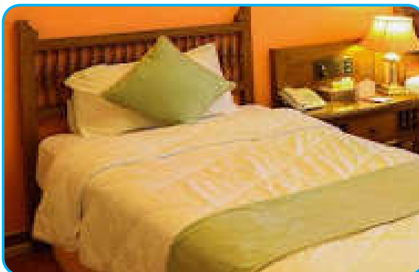
پذیرش:	سلام. خیلی خوش آمدید.
مهمان:	....
پذیرش:	اتاق را به نام کی رزرو کرده بودید؟
مهمان:	....
پذیرش:	درست است ....؟
مهمان:	بله بفرمایید. این هم شناسنامه‌ها.
پذیرش:	....؟
مهمان:	اگر می‌شود اتاقمان رو به دریا باشد.
پذیرش:	....
مهمان:	لطف کردید.
پذیرش:	....
مهمان:	خیلی ممنون.

شنیدن



الف) به سه گفتگوی زیر گوش دهید و جدول زیر را کامل کنید.

شمارهٔ اتاق / سوئیت	نوع اتاق	مدت اقامت
۱ اتاق	۱	۱ .... شب
۲ اتاق	۲	۲ .... شب
۳ اتاق	۳	۳ .... شب
۴ اتاق	۴	۴ .... شب



ب) یک‌بار دیگر به گفتگوها گوش دهید. جملات زیر درست هستند یا نادرست؟

	✓	✗
الف) میهمان اتاق رو به دریا را بیشتر از اتاق رو به جنگل دوست دارد.	○	○
ب) آنها برای پسرشان یک اتاق دیگر گرفتند.	○	○
الف) رستوران این هتل هر روز از ساعت ۱۲:۰۰ تا ۳:۰۰ باز است.	○	○
ب) شماره اتاق آقای صالحی ۳۰۴ است.	○	○
الف) میهمان سوئیت رو به جنگل را بیشتر از سوئیت روبه دریا دوست دارد.	○	○
ب) این هتل خشک‌شویی دارد.	○	○
الف) میهمان یک سوئیت گرفت؛ چون اتاق سه‌تخته خیلی گران است.	○	○
ب) پدر میهمان باید از دستشویی فرنگی استفاده کند.	○	○

پیش گفتگو

شکایات رایج در هتل

آب دوش/ حمام سرد است.
شیر توالت خراب است.
کولر روشن/ خاموش نمی‌شود.
شوفاژ کار نمی‌کند.
اتاق خیلی کثیف است.
تخت‌خواب نامرتب است.
تلویزیون خراب است.
پنجره باز / بسته نمی‌شود.
موکت‌های اتاق کثیف شده است.
دستمال کاغذی در اتاق نیست.

درخواست‌های رایج در هتل

سلام آقا/ خانم می‌شود یک نفر را بفرستید تا ....
اتاقمان را تمیز/ مرتب کند؟
کولر را خاموش/ روشن کند؟
شیر حمام/ شیر توالت را درست کند؟
پنجره را ببندد/ بازکند؟
ظرف‌های کثیف را ببرد؟
چمدان هایمان را ببرد؟
چمدانم را پایین بیاورد؟
لباس‌هایم را خشکشویی ببرد؟
یک نوشابهٔ سرد برایم بیاورد؟





گفتگو



- الو، سلام؛ پذیرش؟
- بله، بفرمایید در خدمتتان هستم.
- امروز هیچ‌کس اتاق ما را تمیز نکرده است. اینجا خیلی به‌هم ریخته است.
- عذرخواهی می‌کنم، اتاق شمارهٔ چند هستید؟
- اتاق ۳۱۱.
- همین الان یک نفر را می‌فرستم اتاقتان را مرتب کند.
- کولر اتاق هم خاموش است. می‌شود یک نفر را بفرستید کولر را روشن کند؟
- الان به خادم هتل می‌گویم کولر را روشن کند. امر دیگری ندارید؟
- تعدادی لباس کثیف دارم. لطف می‌کنید به خدمتکار بگویید لباس‌ها را به خشکشویی ببرد.
- حتماً. الان می‌آید خدمت شما.
- خیلی ممنون. ببخشید سانس استخر چند است؟
- ساعت ۱۴:۰۰ تا ۱۶:۰۰ و شب‌ها ساعت ۲۰:۰۰ تا ساعت ۲۲:۰۰.





کار گروهی

مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- اتاق / تخت نامرتب / کثیف / به‌هم ریخته است.
- کولر / شوفاژ / تلویزیون / لامپ اتاق خراب است. / روشن نمی‌شود. / خاموش نمی شود. / کار نمی‌کند.
- لطف می‌کنید یک نفر را بفرستید اتاق ما.

- در خدمتتان هستم.
- عذرخواهی می‌کنم.
- امر دیگری ندارید؟
- می‌شود به یک نفر بگویید این اتاق را تمیز کند.
- امکانش هست، لباس من را به خشکشویی ببرید.

بحث آزاد



آیا شما زیاد سفر می‌کنید؟

شما بیشتر در هتل می‌روید یا به مسافرخانه؟

در زمان انتخاب هتل کدام‌یک از موارد زیر برای شما مهم‌تر است؟

کارکنان (پرسنل)، کیفیت اتاق، کیفیت غذا، قیمت، سایر





برای من قیمت هتل خیلی مهم است. اگر هتل خیلی گران باشد، نمی‌توانم مدت زیادی در آنجا بمانم. می‌شود در یک هتل ارزان ماند و به جای آن بیشتر تفریح کرد. هتل فقط یک اتاق برای خوابیدن است؛همین!



چند سال پیش من و همسرم به مشهد رفتیم. هتل ما هتل خیلی خوبی بود، اما کیفیت غذای رستوران آن خیلی بد بود؛ برای همین هر روز برای خوردن غذا باید به رستوران‌های دیگر می‌رفتیم؛ بنابراین «مهم‌ترین بخش هتل، رستوران آن است».



کارکنان هتل از همه چیز مهم‌تر است. خیلی وقت‌ها شما به چیزی احتیاج دارید که در هتل نیست. اگر کارکنان هتل خوب باشند، همهٔ مشکلات شما را حل می‌کنند.



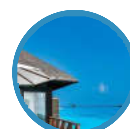
به نظر من امکانات ورزشی هتل خیلی مهم است. من آدم بسیار فعالی هستم و دوست دارم هر روز ورزش کنم. همیشه به هتلی می‌روم که استخر یا سالن ورزشی دارد. من دوست ندارم فقط در اتاق بنشینم و به در و دیوار نگاه کنم.



فاصلهٔ هتل تا مرکز شهر خیلی مهم است. یک‌بار وقتی می‌خواستم به چین سفر کنم، در یکی از وب‌سایت‌ها یک هتل خیلی زیبا وسط جنگل پیدا کردم. خیلی از آن خوشم آمد و یک اتاق رزرو کردم. اما وقتی به آنجا رسیدم، متوجه شدم این هتل بیرون از شهر است و ۴۵ دقیقه با شهر فاصله دارد.



برای من مهم نیست که هتل چه امکاناتی دارد. من از هتل فقط یک تختخواب راحت و اینترنت می‌خواهم. بیشتر سفرهای من کاری است و هر روز باید ۲۰ تا ۳۰ ایمیل برای همکارانم بفرستم. برای من اینترنت از همه چیز مهم‌تر است.



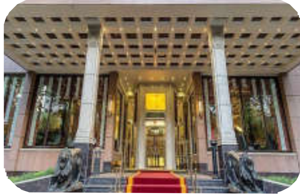
به نظر من هتل باید منظرهٔ قشنگی داشته باشد. من وقتی سفر می‌روم، خیلی گردش نمی‌کنم و بیشتر در هتل می‌مانم. هتل محلی برای استراحت است. به نظر من یک هتل خوب هتلی است که زیبا باشد یا وسط یک جنگل باشد یا کنار دریا!



به نظر من هتلی خوب است که غذای حلال داشته باشد. من دوست ندارم در هر وعدهٔ غذایی از کارکنان هتل بپرسم: «این غذا حلال است یا نه؟». به نظر من همهٔ هتل‌ها باید برای مسلمانان غذای حلال داشته باشند.

به نظر شما یک هتل خوب چه هتلی است؟





هتل استقلال تهران

در اتاق‌های این هتل اینترنت بی‌سیم و تلویزیون ماهواره‌ای وجود دارد و میهمانان می‌توانند به صورت رایگان از شبکه‌های خبری سرتاسر دنیا استفاده کنند. استخر و سالن ورزشی این هتل بسیار مجهز است و به گونه‌ای برنامه ریزی شده است که بانوان مسلمان بدون هیچ مشکلی بتوانند از این امکانات استفاده کنند. ویژگی مهم این هتل کافی‌شاپ و رستوران آن است که غذاهای متنوع و لذیذ ایرانی و غیر ایرانی در آنها سِرو می‌شود.



هتل صداقت کیش

هتل بزرگ صداقت، هتلی پنج ستاره در جزیرهٔ کیش است که در هر شب امکان پذیرایی از پانصد میهمان را دارد. در این هتل علاوه بر تلویزیون و اینترنت، یک استخر و یک سالن ورزشی بسیار مدرن نیز وجود دارد. ویژگی مهم این هتل ماساژورهای تایلندی هستند که با یک ماساژ ساده بسیاری از بیماری ها را درمان می کنند. از آنجایی که این ماساژها در محیطی اسلامی اتفاق می‌افتد، هر ساله مسلمانان زیادی از کشورهای اسلامی به این هتل می‌آیند.



هتل عباسی اصفهان

هتل عباسی اصفهان، قدیمی‌ترین هتل ایران است. ساختمان این هتل حدود سیصد سال پیش ساخته شد. ماندن در هتل عباسی؛ یعنی زندگی در یک مکان تاریخی.
این هتل بسیار زیبا چهار رستوران، یک سالن ورزشی مجهز، یک کافی شاپ و یک فروشگاه صنایع دستی بزرگ دارد؛ معماری سنتی و دسترسی سریع و آسان به مراکز دیدنی اصفهان مهم‌ترین ویژگی هتل عباسی است.



هتل صخره‌ای کندوان

هتل صخره‌ای کندوان از استثنایی‌ترین هتل‌های جهان به شمار می‌آید. روستای تاریخی کندوان در ۸۰ کیلومتری شهر تبریز و در شمال غربی ایران قراردارد. خانه‌های این روستا مانند سوراخ هایی در میان کوه هستند. هر ساله گردشگران بسیاری از سرتاسر دنیا برای دیدن آنها به ایران می‌آیند و با اقامت در این هتل، زندگی در خانه صخره‌ای را تجربه می کنند. فروشگاه صنایع دستی این هتل بسیار دیدنی است. ویژگی مهم این هتل نداشتن آسانسور است.

با توجه به متن جدول را کامل کنید.

	اینترنت	استخر	تلویزیون ماهواره	کافی‌شاپ	سالن ورزشی	رستوران	صنایع دستی	ویژگی مهم این هتل
۱. استقلال، تهران								
۲. صداقت، کیش								
۳. عباسی، اصفهان								
٤. صخره‌ای، کندوان								

سخنرانی

در بارهٔ امکانات یک هتل خوب در کشورِ خود سخنرانی کنید.




ساخت‌مجهول

هر گاه بخواهیم بر روی مفعول جمله تأکید کنیم یا زمانی که فاعل جمله مشخص نباشد، از ساختار مجهول استفاده می‌کنیم. ساخت جملهٔ مجهول چند مرحله دارد:

۱ فاعل را حذف می‌کنیم.

۲ مفعول جمله را به جای نهاد یا فاعل قرار می‌دهیم و اگر نشانهٔ مفعول «را» در جمله بود، آن را حذف می‌کنیم.

۳ فعل جمله را به‌صورت « صفت مفعولی» می‌نویسیم.

٤ از فعل کمکی «شدن» ساخت مناسب با زمان فعل اصلی می سازیم.

٥ شناسه را از نظر شخص و شمار با فاعل مطابقت می‌دهیم.

مثال: به جمله‌های زیر توجه کنید:

سعید، رضا را در دانشگاه دید. رضا در دانشگاه دیده شد.



تمرین

الف)جدول زیر را با مصدر «دیدن» کامل کنید.

مجهول‌زمان‌ها	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
مضارع ساده	....	دیده شوی	....	....	....	....
مضارع اخباری	....	....	....	دیده می‌شویم	....	....
ماضی ساده	دیده شدم	....	....	....	....	....
ماضی استمراری	....	....	دیده می‌شد	....	....	....
ماضی نقلی	....	....	....	....	....	دیده شده‌اند



تمرین

ب) مجهول جمله‌ها را در جدول زیر بنویسید.

جمله معلوم	جمله مجهول
مثال: مادرم کیک را پخت.	کیک پخته شد.
۱. محمد درس خواند.	
۲. کودک کتاب را پاره کرد.	
۳. مجید در را بست.	
٤. مریم غذا را خورد.	
٥. پدرم ماه را در آسمان دید.	
٦. سمیرا کفش را پوشید.	
۷. حسین نامه را نوشت.	
۸. خیاط چادر را دوخت.	

نوشتن


موضوع : دربارهٔ بهترین هتل شهر خود انشا بنویسید.

موضوع: ویژگی‌های یک هتل خوب

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن) ☐　　اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن) ☐

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن) ☐　　زبان: ٦ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا) ☐

نمرهٔ توصیفی: عالی(۲۰-۱۹) ○　خیلی خوب (۱۸-۱۷) ○　خوب (١٦-١٤) ○　متوسط(۱۱-۱۳) ○　تلاش بیشتر(۱۰-۰) ○

درس هجدهم: تحصیل

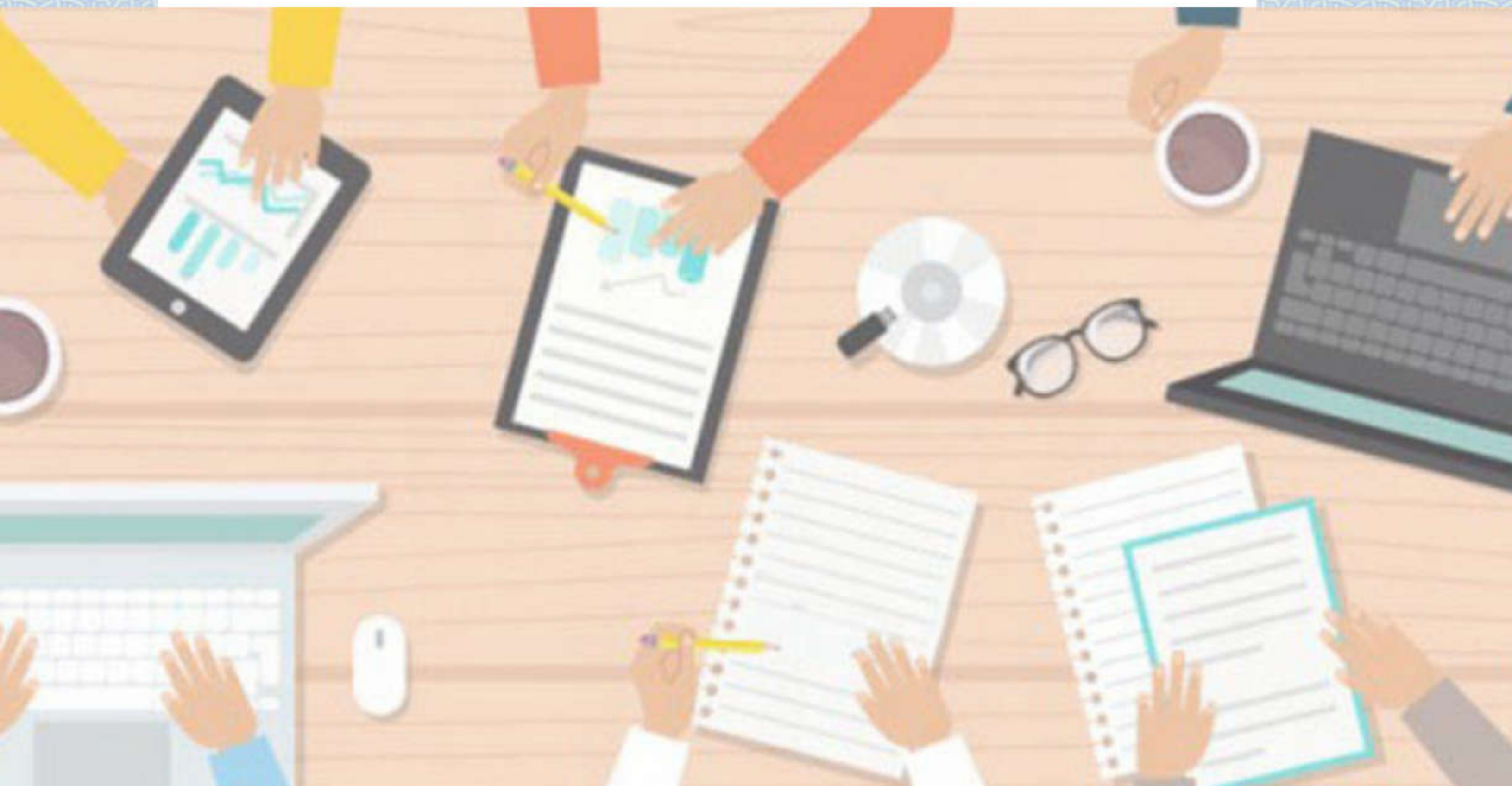
واژه‌های جدید

فوق دیپلم، دکتری، لیسانس، فوق لیسانس، روانشناسی، فیزیک، شیمی، ریاضیات، مدیریت، زیست‌شناسی، حقوق، اقتصاد، مدرک تحصیلی، اختیاری، اجباری، شهریه، کنکور، پیام نور، دانشگاه آزاد، دانشگاه دولتی، ترم، پایان‌نامه، آزمون، پرداختن، شهریه، مقطع، افتادن (در امتحان)، مدرسه خصوصی، سرویس رفت و برگشت، جامعه، فقر، فرصت کردن، مُسِن، انگیزه، امید، نعمت، وی، شرط ، وضعیت

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. مقاطع گوناگون تحصیلی را بشناسد.
۲. با رشته‌های مختلف دانشگاهی آشنا شود.
۳. با انواع دانشگاه‌های ایران آشنا شود.
۴. تفاوت مدارس دولتی و خصوصی را بداند.
۵. با جمله‌های شرطی واقعی آشنا شود و بتواند به‌خوبی از آنها استفاده کند.



درس هجدهم: تحصیل



واژه‌ها و اصطلاحات

مدارک تحصیلی زیر را به ترتیب از ۱ تا ۵ شماره بزنید.

فوق دیپلم ◯ دکتری ◯ لیسانس ◯ دیپلم (۱) فوق لیسانس ◯

تصاویر زیر بیشتر مربوط به کدامیک از رشته های دانشگاهی زیر است؟

۱	روانشناسی	ت
۲	فیزیک	
۳	شیمی	
٤	ریاضیات (ریاضی)	
٥	مدیریت	
٦	هنر	
۷	زیست‌شناسی	
۸	ادبیات	
۹	مهندسی	
۱۰	پزشکی	
۱۱	حقوق	
۱۲	اقتصاد	
۱۳	علوم اسلامی	



رشتهٔ تحصیلی مورد علاقهٔ شما چیست؟ چرا؟

نام رشته و آخرین مدرک تحصیلی چند نفر از دوستان خود را بگویید.



تمرین

نام متخصص هر یک از رشته‌های بالا چیست؟ در جدول زیر مانند مثال بنویسید.

اضافه کردن ـمند و ـدان به واژه	کم کردن یک یا چند حرف از واژه
۱ فیزیک ← فیزیکدان	۱ روانشناسی ← روانشناس
۲	۲
۳	۳
٤	٤
٥	٥
۶	۶



واژه‌ها و اصطلاحات

با استفاده از واژه‌های زیر متن را کامل کنید.

اجباری، شهریه، فارغ‌التحصیل، کنکور، آزاد، پیام نور، دولتی، ترم، اختیاری، پایان‌نامه/رساله

دانش‌آموزان در ایران برای تحصیل در دانشگاه اول باید در آزمون.................. شرکت کنند. کسانی که در این امتحان قبول می‌شوند می‌توانند به دانشگاه‌های مختلف بروند. در ایران چند نوع دانشگاه وجود دارد. معمولاً بهترین دانشگاه‌های ایران، دانشگاه‌های.................. هستند؛ تحصیل در این دانشگاه‌ها رایگان است.
نوع دیگر دانشگاه در ایران، دانشگاه.................. است. تحصیل در این دانشگاه رایگان نیست و دانشجوها برای درس خواندن در آنجا باید.................. زیادی بپردازند.
نوع دیگر دانشگاه در ایران، دانشگاه.................. است. دانشجویان برای تحصیل در این دانشگاه شهریه می‌دهند؛ اما شهریهٔ آن خیلی زیاد نیست. آنها در طول یک.................. برای هر درس فقط ۵ یا ۶ بار به کلاس می‌روند. رفتن به کلاس در این دانشگاه.................. است؛ یعنی هر دانشجویی که دوست دارد، به کلاس می‌رود و هر کس دوست ندارد، به کلاس نمی‌رود؛ اما شرکت در امتحانات پایان ترم برای همه.................. است.
دانشجویان مقطع لیسانس در ایران پس از چهار سال تحصیل در دانشگاه.................. می‌شوند؛ اما در مقطع فوق‌لیسانس و دکتری آنها باید.................. هم بنویسند.



شنیدن

الف) کدام‌یک از جملات زیر درست و کدام نادرست است؟ ممکن است دو گزینه درست یا نادرست باشد.

جمله	درست	نادرست
۱. او به درس ریاضی خیلی علاقه دارد.	○	○
۲. او فردا امتحان ریاضی دارد.	○	○
۱. او به دوستش تلفن زده؛ چون خیلی نگران است.	○	○
۲. او بسیار نگران است؛ چون امسال کنکور دارد.	○	○
۱. او در امتحان ریاضی قبول شده است.	○	○
۲. او در دانشگاه آزاد قبول شده است.	○	○
۱. او دو ماه پیش از فرانسه به ایران آمده است.	○	○
۲. او امروز خیلی کار دارد.	○	○
۱. او در امتحانات قبول نشده است.	○	○
۲. دوست او می‌خواهد به او پول قرض بدهد.	○	○

ب) یک‌بار دیگر گفتگوها را بشنوید و حدس بزنید گفتگو با کدام جمله ادامه پیدا می‌کند؟

گفتگوی اول
- الف) من فردا سینما نمی‌آیم.
- ب) کی امتحان داری؟
- ج) نگران نباش حتماً قبول می‌شوی.

گفتگوی دوم
- الف) نترس حتماً قبول می‌شوی.
- ب) من هم استرس دارم.
- ج) نباید زیاد درس بخوانی.

گفتگوی سوم
- الف) چشم، حتماً می‌آیم.
- ب) فردا سرم شلوغ است.
- ج) راستی، کدام دانشگاه قبول شدی؟

گفتگوی چهارم
- الف) فردا نمی‌آیم.
- ب) اگر امروز نشد، فردا حتماً می‌آیم.
- ج) امروز اصلاً نمی‌آیم.

گفتگوی پنجم
- الف) قابل شما را ندارد.
- ب) می‌دانم.
- ج) خسته نباشی.

پیش گفتگو



کارنامۀ درسی

نام: حمید نام خانوادگی: صابری

نام درس	تعداد واحد	نمره	وضعیت
فیزیک	۱	۲۰	قبول
شیمی	۱	۱۸/۷۵	قبول
زیست شناسی	٤	۱۷/۲۵	قبول
ریاضی	۲	۱۶	قبول
تاریخ	۲	۷/۵	مردود
زبان انگلیسی	۲	۱۵	قبول

گفتگو





- سلام حمید، کارنامه‌ات را گرفتی؟
- بله، امروز صبح کارنامه‌ام را گرفتم. یکی از درس‌هایم را افتادم.
- جدی؟ چه درسی را نمره نگرفتی؟
- درس تاریخ را نمره نگرفتم.
- واقعا! امتحان تاریخ که خیلی ساده بود!
- شب امتحان مریض شدم؛ نتوانستم خوب درس بخوانم.
- نمرۀ فیزیک را چند شدی؟
- فیزیک بیست.
- آفرین؛ شیمی چطور؟
- هجده و هفتاد و پنج. شما چکار کردی؟
- من همۀ امتحانات را بیست شدم.
- خوش به حالت.



کار گروهی





مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- ترم قبل فیزیک / شیمی / ریاضی چند شدی؟
- نوزده / نوزده و بیست و پنج / نوزده و نیم
- من به فیزیک / شیمی / ریاضی خیلی علاقه دارم.
- ترم پیش همه درس‌هایم را قبول شدم.
- برادر من لیسانس / فوق لیسانس / دکتری دارد.
- خواهرم پارسال دیپلم / لیسانس / دکتری گرفت.
- ترم پیش معدلم بالا شد.
- ترم پیش معدلم پایین شد.
- ترم پیش یک / دو / سه درس را افتادم / مردود شدم.
- من از فیزیک / شیمی / ریاضی اصلاً خوشم نمی‌آید.
- شهریۀ دانشگاه خیلی زیاد است.
- من در دانشگاه آزاد / دولتی / پیام نور درس می‌خوانم.
- شب امتحان مریض شدم / مهمان داشتیم / خوب درس نخواندم.

بحث آزاد









شهریهٔ مدرسه‌های خصوصی خیلی زیاد است. آنها فقط از پدر و مادرها پول می‌گیرند؛فقط همین! آنها هر سال کُلّی پول از خانواده‌ها می‌گیرند تا سرویس رفت و برگشت بچه‌ها یک اتوبوس گران باشد و یا نهار بچه‌ها مثل غذای یک هتل پنج ستاره باشد. بچه برای درس خواندن به مدرسه می‌رود، نه اینکه ماشین گران قیمت سوار شود و غذای هتل بخورد.



من با شما موافقم؛ چرا باید این همه پول به مدرسه داد؟ وظیفهٔ دولت این است که پول تحصیل همهٔ بچه‌ها را بدهد. وقتی مدرسه‌های دولتی خوب و رایگان هستند، چرا باید بچه‌ها را به مدرسه‌های خصوصی فرستاد؟



پولی که در مدرسه‌های خصوصی از پدر و مادرها می‌گیرند فقط برای غذا و سرویس رفت و برگشت نیست. معمولاً معلم‌ها در این مدرسه‌ها وقت بیشتری برای دانش‌آموزان می‌گذارند؛ بنابراین این پول برای کار بیشتر معلم‌ها است.



معمولاً بچه‌هایی که به مدرسه‌های خصوصی می‌روند، از خانواده‌های ثروتمند هستند. بچه‌هایی که به مدرسهٔ خصوصی می‌روند با بچه‌های خانواده‌های فقیر بازی نمی‌کنند، حرف نمی زنند و این برای بچه‌ها خوب نیست. آنها باید با همهٔ افراد جامعه خود آشنا باشند. بچه‌هایی که در این مدرسه‌ها درس می‌خوانند، معنای فقر را نمی‌فهمند.



کلاس‌های مدرسه‌های دولتی خیلی شلوغ هستند. مثلاً در یک کلاس حدود ۳۰ دانش‌آموز درس می‌خوانند. در چنین مدرسه و کلاسی معلم فرصت نمی‌کند با همهٔ بچه‌ها دربارهٔ درس صحبت کند و مشکلات درسی آنها را جواب دهد.

شما دوست دارید بچه‌ها به مدرسه‌های دولتی بروند یا مدرسه‌های خصوصی؟چرا؟



خواندن

مسن‌ترین دانشجوی ایران در دانشگاه آزاد مهاباد تحصیل می‌کند.

مسن ترین دانشجوی کشور، آقای سید محمد کاظم قاضی است که با ۸۵ سال سن هم اکنون در دانشگاه مهاباد در مقطع لیسانس و در رشته روانشناسی همراه با نوه اش مشغول تحصیل است. او قبل از این در سه رشتهٔ دیگر لیسانس گرفته و این لیسانس چهارم اوست.



آقای قاضی هفت فرزند، سیزده نوه و یک نتیجه دارد. او سال‌ها در تبریز معلم بوده و در سال ۱۳۵۳ بازنشسته شده است. وی دربارهٔ تحصیل در رشته حقوق می‌گوید: «دلم می خواهد دربارهٔ رشته حقوق بیشتر بدانم؛ اما در آزمون ارشد این رشته قبول نشدم و تصمیم گرفتم یک بار دیگر لیسانس رشته دیگری را بگیرم تا از تحصیل دور نباشم، برای همین به همراه نوه‌ام رشته روانشناسی را انتخاب کردیم.»

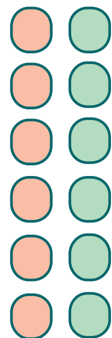
آقای قاضی می‌گوید: «از کودکی به درس خواندن علاقهٔ زیادی داشتم و تا زنده هستم، ادامه تحصیل می‌دهم». استادان دانشگاه رابطهٔ خوبی با او دارند و همهٔ آنها از اینکه آقای قاضی با این سن همچنان تحصیل می‌کند، خوشحال هستند. آقای قاضی درس خواندن را نعمت خدا می‌داند و اینکه همه باید از این نعمت به‌خوبی استفاده کنند. وی رابطهٔ بسیار خوبی با همکلاسی‌های خود دارد و می‌گوید: «همهٔ آنها را مانند فرزندانم دوست دارم».

آقای قاضی می‌گوید: «همسرم ۸۳ سال دارد و از اینکه من در دانشگاه تحصیل می‌کنم، بسیار خوشحال است. او همیشه مرا تشویق می‌کند و به من انگیزه می‌دهد تا ادامه تحصیل بدهم. بزرگ‌ترین آرزوی آقای قاضی تحصیل در مقطع دکتری است و می‌گوید: «همیشه از خدا می‌خواهم در سر کلاس درس از دنیا بروم».

تمرین



جمله‌های زیر را بخوانید. کدام یک درست و کدام‌یک نادرست است؟ پاسخ خود را توضیح دهید.



۱. آقای قاضی برای سومین بار در دانشگاه قبول شد.
۲. او معلم بود و در شهر تبریز درس می‌داد.
۳. آقای قاضی رشتهٔ رواشناسی را بیشتر از رشتهٔ حقوق دوست دارد.
٤. همسر آقای قاضی در سن ۸۳ سالگی در دانشگاه درس می‌خواند.
٥. آقای قاضی رابطهٔ خوبی با همکلاسی‌هایش دارد و می‌گوید: «آنها نعمت خداوند هستند.»
٦. بزرگ‌ترین آرزوی آقای قاضی این است که در کلاس درس از دنیا برود.

سخنرانی

وقتی فارسی را خوب یاد گرفتید، چه‌کار می‌کنید؟ سخنرانی کنید.

دستور



جملهٔ شرطی

جملهٔ شرطی جمله‌ای است که انجام کاری را به انجام کار دیگری مشروط می‌کند.

ساخت واژه

اگر + جمله با فعل حال التزامی + جمله با فعل حال اخباری

مثـال:

اگر خوب درس بخوانی، در امتحان قبول می‌شوی.

اگر باران ببارد، هوا تمیز می‌شود.



تمرین

الف) جمله‌های زیر را به صورت شرطی بنویسید.

۱. سارا امروز زودتر از سر کار می‌آید. امشب به سینما می‌رویم.

....

۲. کم درس می‌خوانی، در امتحان موفق نمی‌شوی.

....

۳. به موقع به گل ها آب نمی‌دهی، گل‌ها پژمرده می‌شوند.

....

٤. مراقب خودت نیستی، بیمار می‌شوی.

....

٥. به موقع حاضر نشوند، به هواپیما نمی‌رسند.

....

٦. به دیدن مادرت نمی‌روی، مادرت ناراحت می‌شود.

....

ب) جمله‌های زیر را مرتب کنید.

۱. تشویق- کار- خوب- کنی- اگر- می‌شوی ....

۲. اگر- به- رفتی- مسجد- بکن- برای- دعا- من ....

۳. را - حسن- دیدی- به- بده- اگر- کتاب- را -او ....

٤. آخر هفته- می‌رویم- اگر- هوا- به- باشد- مسافرت- خوب ....

ج) جمله‌های زیر را کامل کنید.

۱. اگر خوب درس بخوانی، ....

۲. اگر به خانهٔ من بیاید، ....

۳. اگربه بازار بروم، ....

٤. اگر به صحبت‌های پدرتان گوش کنید، ....

٥. اگر در امتحان موفق بشوم، ....

نوشتن


موضوع : دربارهٔ تحصیل در مدرسه یا دانشگاه انشا بنویسید.

موضوع: درس خواندن در مدرسه و دانشگاه

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن) ☐ اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن) ☐

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن) ☐ زبان: ٦ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا) ☐

نمرهٔ توصیفی: عالی(۲۰-۱۹) ○ خیلی خوب (۱۸-۱۷) ○ خوب (١٦-١٤) ○ متوسط(۱۱-۱۳) ○ تلاش بیشتر(۱۰-۰) ○

درس نوزدهم: مشکلات خرید

واژه‌های جدید

خمیردندان، فکس(دورنگار)، پرینتر(چاپگر)، تره‌بار، لوازم اداری، لوازم‌التحریر، اسباب‌بازی، قالب، دستگاه، بسته، تاریخ مصرف، پاره شدن، سوختن لامپ، آب رفتن، گندیدن، رفتن رنگ چیزی، لکه، فاسد شدن، آستین، یقه، پاچه، دکمه، قربان، عوض کردن، پس دادن، پیک، پشیمانی، لوازم شوینده، هزینه، منطقی، مارک، عُمده

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. واحدهای شمارش کالاهای مختلف را بداند.
۲. با واژه‌های مربوط به خراب شدن کالاها آشنا شود.
۳. مشکلات خرید را بشناسد.
۴. نکاتی را درباره یک خرید خوب بیان کند.
۵. بتواند از گذشته بعید به‌خوبی استفاده کند.



درس نوزدهم: مشکلات خرید



واژه‌ها و اصطلاحات

جدول زیر را با واژه های مناسب کامل کنید.

سیب‌زمینی	خمیردندان	اجاق گاز	ماشین لباسشویی	ماکروویو
جوراب	تلفن	توپ	مداد	فکس(دورنگار)
پرینتر(چاپگر)	خیار	پنیر	شامپو	رایانه
دفتر نقاشی	ماکارونی	صابون	مسواک	اسکیت
عروسک	پیراهن	پاک کن	مرغ	خودکار

مواد غذایی	میوه و تره بار	لوازم اداری	پوشاک
۱	۱	۱	۱
۲	۲	۲	۲
۳	۳	۳	۳
۴	۴	۴	۴
۵	۵	۵	۵

آرایشی-بهداشتی	لوازم خانگی	لوازم التحریر	اسباب بازی
۱	۱	۱	۱
۲	۲	۲	۲
۳	۳	۳	۳
۴	۴	۴	۴
۵	۵	۵	۵



تمرین

این افراد برای خرید باید به کدام یک از بخش‌های فروشگاه بروند؟ در جدول پایین بنویسید.

لیست ۱	لیست ۲	لیست ۳	لیست ۴	لیست ۵
۳ کیلو کاهو	۲ بستهٔ ماکارونی	۱ دستگاه رایانه	۷ دست شلوار ورزشی	۲ بستهٔ مداد رنگی
٤ بستهٔ خرما	۲ کیلو گوشت راسته	۳ دستگاه پرینتر	٦ عدد پیراهن ورزشی	۲ جلد کتاب نقاشی
۲ کیلو سیب زمینی	۱ عروسک بزرگ	۲ دستگاه فکس	۹ جفت جوراب مردانه	۱ کیلو گوشت چرخ کرده
۱ کیلو انار ساوه	۱ عدد خمیردندان	۲ یخچال کوچک	۳ جفت کفش بچگانه	٤ دست شلوار مدرسه
۲ قوطی رب گوجه	۲ قالب پنیر تبریز	٦ ماژیک وایت برد	۳ عدد توپ فوتبال	۳ دست پیراهن مدرسه
۲ عدد مرغ بزرگ	۲ جفت جوراب	۲۰ عدد مداد قرمز	۵ عدد آبمیوه پرتقالی	۵ عدد کیف زنانه

	مواد غذایی	میوه و تره بار	لوازم اداری	پوشاک	آرایشی-بهداشتی	لوازم خانگی	لوازم التحریر	اسباب بازی
لیست ۱								
لیست ۲								
لیست ۳								
لیست ٤								
لیست ۵								



واژه‌ها و اصطلاحات

هر جمله مربوط به کدام تصویر است؟

۱ تاریخ مصرف پنیر گذشته است. (خ)
۲ سیب گندیده است. ( )
۳ لامپ یخچال سوخته است. ( )
٤ شیر فاسد شده است. ( )
٥ لباسم پاره شده است. ( )
٦ صندلی شکسته است. ( )
۷ رنگ پیراهنم رفته است. ( )
۸ لباسِ سعید لکه دارد. ( )
۹ پیراهنم آب رفته است. ( )



















شنیدن



الف) گفتگوها را بشنوید و جدول را کامل کنید.

	تاریخ مصرف آن گذشته است.	پاره است.	سوخته است.	شکسته است.	درست کار نمی‌کند.	فاسد شده است.	گندیده است.	آب رفته است.	رنگ رفته است.	لکـــه دارد.
۱										
۲										
۳										
۴										
۵										
۶										

ب) کدام جمله درست و کدام جمله نادرست است.

۱. او این پیراهن را تازه خریده است.
۲. او می‌تواند یک پرینترِ دیگر بگیرد.
۳. مادرِ او پیراهنش را با آب سرد شسته است.
٤. شیر داخل یخچال، فاسد شده است.
۵. شلوارِ پسرِ او آب رفته است.
٦. تلویزیونِ آنها خراب نیست.

پیش گفتگو

دو ستون زیر را به هم وصل کنید.

۱ آستین	الف)... شلـــوارم لکـه دارد.
۲ یقـه	ب)... شلوارم سوراخ شده است.
۳ پاچـه	پ) ... پیراهنم پاره شده است.
۴ زیـپ	ت)... پیراهنم افتاده است.
۵ دگمـه	ث)... پیراهنم کثیف شده است.
۶ جیـب	ج)... شلوارم خراب شده.





گفتگو



- سلام قربان؛ خسته نباشید.
- سلام، بفرمایید در خدمتتان هستم.
- من این پیراهن‌ها را دیروز از شما خریدم. وقتی بردم خانه متوجه شدم که پاره هستند.
- می‌شود ببینم؟ بله، حق با شما است. می‌خواهید پیراهن‌ها را پس بدهید؟
- نه، می‌خواهم عوضشان کنم.
- حتماً، در خدمت شما هستم. پیراهنِ چه رنگی می‌خواهید؟
- بی‌زحمت آن پیراهن آبی و زرد را برایم بیاورید؟
- چشم، در خدمتم.
- خیلی ممنون. قیمتشان چند می‌شود؟
- جنس این پیراهن‌ها بهتر از قبلی است، شما ۲۰ هزارتومان بدهید درست می‌شود.
- خیلی ممنون.





کار گروهی

مانند گفتگوی بالا با هم‌کلاسی خود گفتگو کنید.

- دگمهٔ پیراهنم/ شلوارم/ کتم افتاده است.
- زیپ شلوارم/ کیفم خراب شده است.
- پاچهٔ شلوارم/ آستین پیراهنم پاره شده است.
- بفرمایید، در خدمتتان هستم.
- سلام، امری داشتید؟
- این پیراهن را حتماً با آب سرد بشویید.
- جیب شلوارم سوراخ شده است.
- می‌خواهم این پیراهن را عوض کنم/ پس بدهم.
- جنس این پیراهن چیست؟
- این پیراهن رنگ دیگر هم دارد.
- اندازه کوچک‌تر هم دارید؟
- رنگ این روسری رفته است.

بحث آزاد







خوب، قیمت برای من خیلی مهم است. من همیشه دوست دارم زیاد خرید کنم، برای همین، از فروشگاه‌هایی خرید می‌کنم که قیمت‌های آنها ارزان‌تر است؛ مخصوصاً برای خریدن لباس. به جای اینکه یک پیراهن بخرم پنج پیراهن می‌خرم.



برای من قیمت خیلی مهم نیست. کیفیت از همه چیز مهم‌تر است؛ مثلاً اگر شما یک جاروبرقی بی‌کیفیت بخرید، هر سال باید آن را تعمیر کنید؛ اما یک جاروبرقی خوب و باکیفیت چندین سال خیلی خوب کار می‌کند. من همیشه از فروشگاه‌هایی خرید می‌کنم که جنس‌های باکیفیت دارند.



من دوست ندارم هر بار که برای خرید کردن به فروشگاه می‌روم، نیم‌ساعت به دنبال پارکینگ بگردم. برای من مهم‌ترین چیز در زمان خرید کردن، دوری یا نزدیکی فروشگاه است. من همیشه از فروشگاه‌هایی خرید می‌کنم که به خانه‌ام نزدیک هستند.



فروشگاه خوب فروشگاهی است که «تنوع محصول» دارد؛ مثلاً وقتی از جنس یک پیراهن خوشم می‌آید، دوست دارم همهٔ رنگ‌های آن در فروشگاه باشد یا مثلاً اگر می‌خواهم یک پیراهن سبز بخرم، دوست دارم فروشنده چند مدل پیراهن سبز برای من بیاورد.



من اصلاً از خرید کردن خوشم نمی‌آید؛ برای همین همیشه از فروشگاه‌هایی خرید می‌کنم که پیک رایگان دارند. من همیشه تلفنی یا اینترنتی خرید می‌کنم.



من دوست دارم هم خرید کنم و هم تفریح. به نظر من یک فروشگاه خوب مثل یک شهربازی است. من و شوهرم دوست داریم در زمان خرید تفریح هم کنیم. بعضی وقت‌ها قبل از خرید به سینما یا پارک می‌رویم؛ به این می‌گویند یک خرید خوب)

به نظر شما یک فروشگاه خوب چگونه است؟
شما معمولاً در زمان خرید به چه چیزهایی بیشتر توجه می‌کنید؟

خواندن



برای یک خریدِ خوب لازم است...

انجام هرکاری به تجربه نیاز دارد و اگر می‌خواهید هر کاری را درست انجام دهید، باید با کسانی که تجربه دارند، مشورت کنید. بسیاری از مردم نمی‌دانند چه چیزهایی را باید بخرند و چه چیزهایی را نباید بخرند یا اینکه در چه زمانی خرید کنند. در این متن کوتاه می‌خواهیم به شما کمک کنیم راحت‌تر خرید کنید. برای یک خرید خوب لازم است:

۱. ....

قبل از اینکه برای خرید مواد غذایی به بازار بروید، حتماً یک غذای ساده بخورید. هرگز زمانی که گرسنه هستید، خرید نکنید. اغلب مردم هنگام خرید با حالت گرسنگی، چیزهایی می‌خرند که بعداً پشیمان می‌شوند.

۲. ....

بعضی کالاها هستند که همیشه به آنها نیاز دارید؛ مانند دستمال کاغذی و لوازم شوینده و ... که تاریخ مصرف طولانی دارند، شما می‌توانید آنها را در بسته‌های بزرگ‌تر بخرید تا هزینه‌هایتان کمتر بشود.

۳. ....

خیلی وقت‌ها، زمانی که از افراد (به ویژه خانم‌ها) می‌پرسیم که چرا کالایی را خریده‌اند، تنها پاسخی که می‌شنویم این است: «آن را دوست داشتم.»؛ اما دوست داشتن کافی نیست. سعی کنید برای هر خرید، یک دلیل درست و منطقی داشته باشید.

۴. ....

برخی مارک‌های مشهور بدون هیچ دلیلی کالاهای خود را با قیمت‌های بسیار بالا می‌فروشند؛ درحالی که شما می‌توانید همان کالا را با همان کیفیت و با قیمتی بسیار کمتر تهیه کنید؛ پس لطفاً در زمان خرید، مارک‌ها را فراموش کنید.

۵. ....

هیچ فردی در فصل تابستان یک پالتو یا بارانی نمی‌خرد؛ پس فروشنده‌ها معمولاً برای فروش آنها در این فصل تخفیف خوبی به مشتری می‌دهند. بد نیست خارج از فصل خرید کنید.

۶. ....

معمولاً کالاهایی را که تاریخ مصرف کمی دارند، می‌توان ارزان‌تر خرید. اگر تاریخ انقضای یک خوراکی نزدیک باشد، فروشنده‌ها آن را بسیار ارزان‌تر می‌فروشند؛ چون می‌ترسند آن کالا خراب شود.

تمرین

هر جمله می‌تواند عنوان کدام بند باشد؟ شما با این نکته‌ها موافقید یا مخالف؟

شمارهٔ بند	جمله		موافقم	مخالفم
	مارک ها را فراموش کنید.	....		
	دوست داشتن کافی نیست.	....		
	عمده خرید کنید.	....		
	خارج از فصل خرید کنید.	....		
	تاریخ مصرف را نگاه کنید.	....		
	گرسنه نباشید.	....		



سخنرانی

دربارهٔ مشکلاتِ خرید سخنرانی کنید.

تمرین

هر کلمه را به معنای درست آن در ستون چپ وصل کنید.

۱ پشیمان	الف) فروش یک کالا با قیمت ارزان‌تر.
۲ منطقی	ب) خریدن
۳ تهیه کردن	پ) ناراحت بودن به خاطر اشتباهی که در گذشته اتفاق افتاده.
۴ تخفیف دادن	ت) قابل قبول

دستور



گذشتهٔ بعید (یادآوری)

ماضی بعید معمولاً دو کاربرد دارد:

۱. بیان فعلی که در گذشتهٔ دور اتفاق افتاده است.

مثال: سال‌ها پیش دوستم یک تابلوی نقاشی برای من کشیده بود.
پنج سال پیش با پدر و مادرم به کشور لبنان رفته بودم.

۲. بیان فعلی که قبل از فعل دیگر اتفاق افتاده باشد.

مثال: وقتی من به خانه رسیدم، فرهاد به مدرسه رفته بود.
وقتی تو رسیدی، پریسا خوابیده بود.



الف) در جای خالی فعل مناسب بنویسید.

مثال وقتی من به کلاس رسیدم (رسیدن)، معلم درس را شروع کرده بود (شروع کردن) .

۱ برادران رایت، اولین هواپیما را سال‌ها پیش .... (ساختن).

۲ سیمین غذا را .... (آماده کردن)، وقتی سعید .... (آمدن).

۳ وقتی پدر بزرگم به خانهٔ ما .... (آمدن)، ما غذایمان را .... (خوردن).

۴ او حدود سی سال پیش پسرش را برای تحصیل به اتریش .... (فرستادن).

۵ او در تصادف زیاد .... (آسیب ندیدن) چون کمربند ایمنی اش را .... (بستن).

۶ پسرم تکالیفش را امروز سریع .... (انجام دادن) و برای بازی خیلی زودتر به پارک .... (رفتن).

۷ او قبل از رفتن به مهمانی .... (عطر زدن).

ب)به سوالات زیر پاسخ دهید.

۱. ده سال قبل در کدام دانشگاه درس خوانده بودید؟

....

۲. شما دو سال قبل به کجا سفر کرده بودید؟

....

۳. امروز قبل از آمدن به کلاس چه کارهایی کرده بودید؟

....

نوشتن



موضوع : دربارهٔ مشکلاتی که هنگام خرید داشته‌اید، انشا بنویسید.

موضوع: مشکلات خرید

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن) ☐ اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن) ☐

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن) ☐ زبان: ۶ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا) ☐

نمرهٔ توصیفی: عالی(۲۰-۱۹) ○ خیلی خوب (۱۸-۱۷) ○ خوب (۱۶-۱۴) ○ متوسط(۱۳-۱۱) ○ تلاش بیشتر(۱۰-۰) ○

درس بیستم: داستان

واژه‌های جدید

خـر مـا از کرگـی دُم نداشـت، آسـتین نـو بخـور پلـو، اخـم، ریختـن، طلبـکار، کَنـده شـدن، مـرغ یـک پـا دارد، مـو را از ماسـت می‌کشـد، نخـودِ هـر آش، روده راسـت در شـکم کسـی بـودن، شـیطان را درس دادن، پـای کسـی لب‌ِگـور بـودن، بخـور و بخـواب کار کسـی بـودن، پرچانـه، فضـول، تنبـل، لج‌بـاز، سـختگیر، مـکار، فرفـره، چنـد پیراهـن بیشـتر پـاره کـردن، سـر کسـی بـه کار خـودش بـودن، دسـت و دل بـاز، سـر کسـی بـرود امـا حرفـش نـرود، دل کسـی پـاک بـودن، خسـیس، صداقـت، قـرض گرفتـن، شـیوه، فیلسـوف، یکـی بـود یکـی نبـود، مرغابـی، تـرک کـردن، کـور، لعنـت بـه دهانـی کـه بی‌موقـع بـاز شـود، ده، دانـه

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با برخی از ضرب‌المثل‌های ایرانی آشنا شود.

۲. کاربرد ضرب‌المثل‌ها را بداند.

۳. بتواند در صحبت‌ها به خوبی از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها استفاده کند.

۴. تفاوت گذشته استمراری و مستمر را بداند.

۵. گذشته استمراری و گذشته مستمر را به‌خوبی در جمله‌ها به‌کار ببرد.



درس بیستم: داستان



اصطلاحات

معنای کدام یک از ضرب‌المثل‌های زیر را می‌دانید؟

الف) خَرِ ما از کُرّه‌گی دُم نداشت.　ب) یک روز من مریض می‌شدم، یک روز استاد.　پ) آستین نو بخور پلو.

خواندن

داستان‌های زیر را بخوانید و ضرب‌المثل هر داستان را مشخص کنید.

۱

پدری فرزندش را برای درس خواندن به شهر فرستاد. پسر چند سال در شهر تحصیل کرد و به روستا بازگشت. پدر که خود فردی باسواد بود، از فرزندش چند سؤال پرسید، اما فهمید فرزندش چیز زیادی از معلم یاد نگرفته است؛ از او پرسید: «چرا نمی‌توانی جواب سؤال‌های من را بدهی؟ چرا خوب درس نخواندی؟»

پسر پاسخ داد: «معمولاً شنبه‌ها من بیمار می‌شدم و یکشنبه‌ها استادم بیمار می‌شد. دوشنبه‌ها من به حمام می‌رفتم و سه‌شنبه‌ها استادم به حمام می‌رفت.

چهارشنبه‌ها من لباس‌هایم را می‌شستم و پنجشنبه‌ها استادم لباس‌های خود را می‌شست. جمعه‌ها هم که تعطیل بود و درس نمی‌خواندیم.

۲

روزی مردی را به یک مهمانی دعوت کردند و او با لباسی کهنه به مهمانی رفت. در مهمانی مهمان‌ها و صاحبخانه با اخم به او نگاه می‌کردند و با او صحبت نمی‌کردند. مرد خیلی ناراحت شد و بدون اینکه غذا بخورد، به خانه برگشت.

هفته بعد آن مرد یک لباس زیبا و گران‌قیمت خرید و به آن خانه رفت. همهٔ مهمان‌ها به او احترام می‌گذاشتند و با او صحبت می‌کردند. صاحبخانه غذا را آورد و روی سفره گذاشت. مهمان‌ها دور سفره نشستند و شروع کردند به غذا خوردن. اما آن مردغذا را با ظرف بلند کرد و در آستین لباسش ریخت. همه با تعجب به او نگاه کردند. و به او گفتند چرا غذا را در آستین می‌ریزی؟ مرد گفت: «هفتهٔ قبل من با لباس کهنه به مهمانی آمدم و هیچکس با من صحبت نکرد. این هفته با لباس نو آمدم و حالا همه با من صحبت می‌کنند؛ پس من مهمان شما نیستم؛ لباسم مهمان شما است.»

۳

تاجری از مردی مقداری پول قرض گرفت. آن مرد به تاجر گفت: « باید تا یک ماه دیگر پول من را بدهی، اگر ندادی من یکی از پاهای تو را می‌بُرَم.» یک ماه گذشت؛ اما تاجر نتوانست پول آن مرد را بدهد. مرد طلبکار دست تاجر را گرفت تا او را پیش پادشاه ببرد. تاجر در راه خری را دید؛ دم خر را گرفت تا سوار آن شود و فرار کند؛ اما دُم خر کنده شد. تاجر فرار کرد و صاحب خر و مرد طلبکار به دنبال او می‌دویدند و فریاد می‌زدند: «دزد! دزد را بگیرید!» جوانی خواست تاجر را بگیرد؛ اما تاجر با مشت به چشم او زد و جوان کور شد. بالاخره مردم تاجر را گرفتند و پیش پادشاه بردند و از او شکایت کردند.

پادشاه متوجه شد تاجر دوست قدیمی‌اش است و خواست به او کمک کند؛ به مرد طلبکار گفت: «پای تاجر را بِبُر؛ اما نباید از پای او خون بیاید. اگر خون آمد، پای تو را می‌بُرَم.» مرد طلبکار ترسید و گفت: «من شکایتی ندارم.»

پادشاه به مرد جوان گفت: «چرا دروغ گفتی؟ مگر با یک مشت کسی کور می‌شود؟ بعد به تاجر گفت: «یک مشت به چشم دیگر او بزن تا ببینم کور می‌شود یا نه؟» جوان ترسید و گفت: « حق با شماست من شکایتی ندارم.»

صاحب خر سرش را پایین انداخت و بیرون رفت. پادشاه داد زد: «کجا می‌روی؟ مگر شکایت نداری؟» صاحب خر گفت: «نه، خرِ ما از اول دم نداشت.»

الف) خر ما از کرّه گی دم نداشت. ○　ب) یک روز من مریض می‌شدم، یک روز استاد. ○　پ) آستین نو بخور پلو. ○







تمرین

عبارت‌های زیر را با ضرب‌المثل مناسب کامل کنید.

- الو! سلام.
- علیکم السلام. بفرمایید.
- من دیروز یک شارژ هزار تومانی برای تلفنم خریدم؛ اما تلفنم شارژ نشد. باید چکار کنم؟
- شما باید به وب سایت ما بروید و مشکل خودتان را برای ما ایمیل کنید. تا دو هفتهٔ دیگر مشکل شما حل می‌شود.
- چی؟ دو هفتهٔ دیگر؟............ برای هزار تومان دو هفته صبر کنم؟!

- پروین قبلاً زیاد با من دوست نبود؛ خیلی با من حرف نمی‌زد. اما از وقتی رئیس شرکت شده‌ام؛ هر روز به من تلفن می‌زند. بعضی‌ها این طور هستند؛ تا وقتی یک کارمند ساده هستی با تو کاری ندارند. وقتی رئیس می‌شوی، به تو احترام می‌گذارند.

....

- فرشید؛ چرا آنقدر نمرهٔ ریاضی‌ات‌کم‌شده؟
- امتحان خیلی سخت بود؛ استادمان هم خوب درس نمی‌داد. تازه روز امتحان هم دیر به دانشگاه رسیدم.
- چرا بهانه می‌آوری؟ «............» بگو درس نخواندم.

اصطلاحات



جملات زیر را به صفات منفی مناسب وصل کنید.

۱	می‌گویند: مرغ یک پا دارد.	۱	فضول
۲	مو را از ماست می‌کشد.	۲	تنبل
۳	خودش را نخود هر آشی می‌کند.	۳	لجباز
۴	یک رودهٔ راست در شکمش نیست.	۴	پرحرف
۵	شیطان را درس می‌دهد.	۵	دقیق و سختگیر
۶	یک پایش لب گور است.	۶	خیلی پیر (کاربرد منفی)
۷	بخور و بخواب کار من است، خدا نگهدار من است.	۷	دروغگو
۸	خیلی پرچانه است.	۸	مکار

شنیدن



الف) گفتگوها را بشنوید و ضرب المثل مناسب را در جدول بنویسید.

	۱ مرغ یک پا دارد.	۲ مو را از ماست می کشد.	۳ خودش را نخود هر آشی می کند.	۴ یک رودهٔ راست در شکمش نیست.
۱				
۲				
۳				
۴				

ب) یک بار دیگر به گفتگوها گوش کنید و عدد صحیح را انتخاب کنید.

	۱ شیطان را درس می‌دهد.	۲ یک پایش لب گور است.	۳ بخور و بخواب کار من است، خدا نگهدار من است.	۴ پرچانه
۱				
۲				
۳				
۴				

پیش گفتگو

دو ستون زیر را به هم وصل کنید.

۱ چند پیراهن بیشتر از شما پاره کرده.	الف) کسی که همهٔ کارها را سریع انجام می‌دهد.
۲ مثل فرفره است.	ب) کسی که خیلی بخشنده است.
۳ مو را از ماست می‌کشد.	پ) شخصی که در کارها خیلی دقیق است.
۴ دست و دل باز است.	ت) برای انجام دادن کار هیچ وقت دیر نیست.
۵ هر وقت ماهی را بگیری، تازه است.	ث) کسی که به قولش عمل می‌کند.
۶ سرش برود، حرفش نمی‌رود.	ج) کسی که باتجربه است.




گفتگو

- رئیس جدیدت چطور آدمی است؟

- آدم خوبی است. خیلی دقیق است؛ مو را از ماست می‌کشد.

- وای چقدر بد.

- نه، خیلی هم بد نیست. رئیس قبلی ام خیلی تنبل بود؛ بخور و بخواب کارش بود؛ اما این رئیس جدید مثل فرفره است.



- مثل اینکه رئیس جدیدت را بیشتر دوست داری؟

- آره، خیلی.

- چرا؟

- چون خیلی دست و دل باز است به همه کمک می‌کند.

- واقعاً! چه عالی.



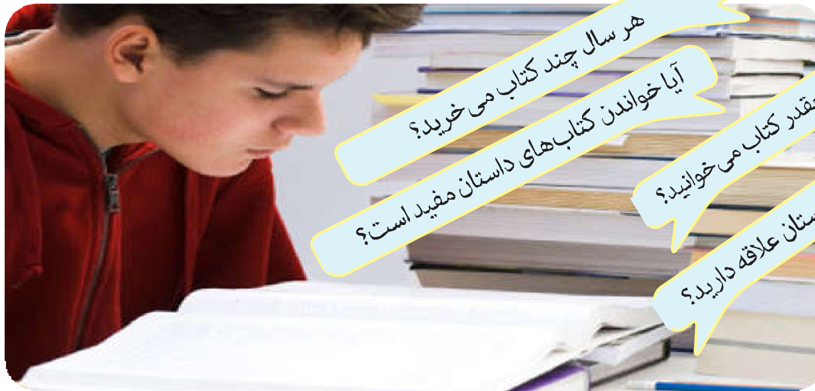

کار گروهی

با کمک استاد معانی ضرب‌المثل‌های زیر را یاد بگیرید و با همدیگر گفتگو کنید.

- چند پیراهن بیشتر از شما پاره کرده.
- مثل فرفره است.
- سرش به کار خودش است.
- می‌گوید: «مرغ یک پا دارد.»
- مو را از ماست می‌کشد.
- خودش را نخود هر آشی می‌کند.
- یک رودهٔ راست در شکمش نیست.
- دست و دل باز است.
- دلش پاک است.
- سرش برود، حرفش نمی‌رود.
- شیطان را درس می‌دهد.
- یک پایش لب گور است.
- بخور و بخواب کار من است، خدا نگهدار من است.
- خیلی پرچانه است.

بحث آزاد







بزرگ‌ترین مشکل کسانی که زیاد کتاب می‌خوانند، گرانی کتاب است. من هر سال حدود دویست تا سیصد هزار تومان کتاب می‌خرم؛ اما راه‌هایی هست که می‌شود ارزان کتاب خواند:

۱. می‌توانید از دوستانتان کتاب قرض بگیرید.

۲. می‌توانید از کتابخانه کتاب امانت بگیرید.

۳. می‌توانید از اینترنت کتاب دانلود کنید.



به نظر من قیمت کتاب مشکل اصلی نیست. بعضی‌ها نمی‌دانند کتاب خواندن چقدر مهم است. رادیو و تلویزیون همیشه در حال تبلیغ مواد غذایی، لباس و چیزهای دیگر هستند. چرا در تلویزیون کتاب را تبلیغ نمی‌کنند؟ چون می‌دانند اگر مردم کتاب بخوانند، دیگر تلویزیون نمی‌بینند.



کتاب خواندن هم یک نوع تفریح است؛ درست مثل تلویزیون دیدن یا فیلم دیدن. چه فرقی می‌کند شما یک کتاب داستان را بخوانید یا یک داستان را از تلویزیون ببینید؟ به نظر من دیدن فیلم آن خیلی بهتر و راحت‌تر است.



بله با شما موافقم؛ خواندن یک کتاب دو یا سه هفته طول می‌کشد؛ ولی دیدن فیلم آن فقط چند ساعت طول می‌کشد. الان کسی فرصت نداره سه هفته فقط یک کتاب بخواند. الان باید به جای کتابِ داستان، فیلم سینمایی و به جای کتاب‌های علمی، فیلم مستند بسازند.



فیلم و مستند برای تفریح خوب است؛ اما آیا با دیدن چند مستند کسی دکتر یا مهندس یا فیلسوف می‌شود؟ به نظر من همه باید در طول روز چند ساعت کتاب بخوانند.

۱. نظر شما چیست؟ کتاب خواندن چقدر اهمیت دارد؟

۲. چطور می‌توان مردم را به کتاب خواندن تشویق کرد؟



لعنت به دهانی که بی‌موقع باز شود.

دوستی لاک‌پشت و مرغابی



یکی بود یکی نبود. در کنار دریاچهٔ زیبایی دو مرغابی و یک لاک‌پشت زندگی می‌کردند. آنها با هم بسیار دوست بودند و یکدیگر را بسیار دوست داشتند. تا اینکه آب دریاچه رفته‌رفته خشک شد و زندگی را برای حیوانات بسیار سخت کرد. مرغابی‌ها وقتی خشکی آب را دیدند، پیش لاک‌پشت آمدند و به او گفتند: «دوست عزیز، ما برای خداحافظی آمدیم. ما باید اینجا را ترک کنیم و به دریاچهٔ دیگری برویم. آب دریاچه خیلی کم شده است.»

لاک‌پشت شروع به گریه کرد و گفت: «ای دوستان، دریاچه خشک شده و من هم دیگر نمی‌توانم در اینجا زندگی کنم. لطفاً من را هم با خود ببرید.»

مرغابی‌ها باهم فکر کردند تا راه حلی پیدا کنند. آنها پیش لاک‌پشت آمدند و به او گفتند: « تو را با خود می‌بریم؛ اما باید به حرف ما گوش کنی و در راه به هیچ وجه حرف نزنی.» مرغابی‌ها رفتند و چوبی آوردند. لاک‌پشت وسط چوب را با دهانش محکم گرفت و مرغابی‌ها هم هر کدام یك طرف چوب را گرفتند و پرواز کردند. در راه، وقتی پرنده‌ها و حیوانات دیگر دیدند که مرغابی‌ها لاک‌پشت را با چوب می‌برند. خندیدند و گفتند: «لاک‌پشت پرنده شده! لاک‌پشت پرنده شده!» لاک‌پشت نتوانست ساکت بماند و گفت: «تا کور شود هرکس نمی‌تواند ببیند!» وقتی لاک‌پشت دهانش را باز کرد، از آسمان به زمین افتاد و مرد! مرغابی‌ها که از مرگ دوستشان بسیار غمگین بودند، گفتند: «لعنت بر دهانی که بی‌موقع باز شود.»

داستان روباه و خروس



یکی بود یکی نبود. در یک روستای زیبا خروسی زندگی می‌کرد. روزی او بیرون از دِه دانه می‌خورد که روباهی را دید. روباه به خروس گفت: «ای خروس! من پدر تو را می‌شناسم؛ صدای او بسیار زیبا بود. آیا تو هم می‌توانی مثل او آواز بخوانی؟»

خروس گفت: «بله» و بعد چشمانش را بست و با صدای بلند شروع به آواز خواندن کرد. وقتی خروس چشم‌هایش را بست، روباه سریع به پشت او پرید، گردنش را با دندان‌هایش گرفت و فرار کرد. خروس شروع به فریاد زدن کرد. وقتی سگ‌ها صدای او را شنیدند، به سرعت به دنبال روباه دویدند تا خروس را نجات دهند.

روباه خیلی ترسیده بود و با تمام سرعت می‌دوید. خروس گفت: «ای روباه! به آنها بگو من این خروس را از روستای شما ندزدیده‌ام. اگر سگ‌ها فکر کنند من برای یک روستای دیگر هستم، با تو کاری ندارند.

روباه خوشحال شد و خواست این را به سگ‌ها بگوید، اما تا دهانش را باز کرد، خروس بیرون پرید و فرار کرد. روباه که همچنان با سرعت می‌دوید، به خروس نگاه کرد و گفت: «لعنت بر دهانی که بی‌موقع باز شود.»

تمرین

با توجه به داستان‌های صفحه قبل جملات را مرتب کنید.

۱ .... مرغابی‌های می‌خواستند دریاچه را ترک کنند.
۲ .... لاک‌پشت افتاد و مرد.
۳ .... لاک‌پشت از آنها خواهش کرد که او را با خود ببرند.
٤ .... آب دریاچه خشک شد.
٥ .... مرغابی‌ها چوبی آوردند تا لاک‌پشت را ببرند.
٦ .... لاک‌پشت دهانش را باز کرد.

۱ .... خروس چشمانش را بست و آواز خواند.
۲ .... خروس فرار کرد.
۳ .... روباه دهانش را باز کرد.
٤ .... خروس بیرون از دِه دانه می‌خورد.
٥ .... روباه با دندان‌هایش گردن خروس را گرفت.
٦ .... سگ‌های روستا به دنبال روباه دویدند.

سخنرانی

دربارهٔ یکی از داستان‌هایی که قبلاً خوانده‌اید، سخنرانی کنید.

دستور



(یادآوری)

گذشتهٔ استمراری (یک اتفاق)	گذشتهٔ مستمر/ گذشتهٔ ساده (دو اتفاق همزمان)
من هر روز به بازار می‌رفتم. (کاری که در گذشته تکرار می شده)	دیروز داشتم به بازار می‌رفتم که تصادف کردم.
دیروز با برادرم دو ساعت تلفنی حرف می‌زدیم. (در گذشته اتفاق افتاده و طول کشیده)	داشتم با برادرم تلفنی حرف می‌زدم که زنگ در خانه را زدند.

تمرین

متن زیر را بخوانید. در این متن چند فعل گذشتهٔ استمراری و چند فعل گذشتهٔ مستمر وجود دارد

یکی بود یکی نبود. در یک روستای زیبا خروسی زندگی می‌کرد. روزی او داشت در بیرون از روستا دانه می‌خورد که روباهی را دید. خروس از ترس خیلی سریع به بالای درختی پرید. همین‌طور که روباه داشت به درخت نزدیک می‌شد، به خروس گفت: «ای خروس، چرا فرار کردی؟» خروس گفت: «تو دشمن من هستی و می‌خواهی من را بخوری.»

روباه گفت: «نه! دیروز پادشاه دستور داد که دیگر هیچ حیوانی نباید حیوانات کوچک‌تر را بخورد و همه باید با هم دوست باشند. از درخت پایین بیا تا با هم در روستا گردش کنیم.»

خروس گفت: «گردش، دسته جمعی خوب است نه دو نفری. من چند دوست خوب دارم که همیشه در کودکی با هم به گردش می‌رفتیم، با هم غذا می‌خوردیم و با هم بازی می‌کردیم. صبر کن تا با آنها برویم.

روباه گفت: «اسم دوستان تو چیست؟»

خروس گفت: «آنها سگ هستند و الان دارند به اینجا می‌آیند.»

روباه تا فهمید دوستان خروس سگ‌های گله هستند فرار کرد.

خروس گفت: «پس چرا فرار می‌کنی؟ مگر نگفتی همهٔ حیوانات با هم دوست هستند؟»

روباه همین‌طور که داشت فرار می‌کرد، گفت: « این سگ‌ها دیروز در بیرون از روستا بازی می کردند و فرمان پادشاه را نشنیده‌اند.»

نوشتن



موضوع : دربارهٔ یکی از ضرب‌المثل‌ها انشا بنویسید.

موضوع: خلاصهٔ ضرب المثل ....

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن) ☐ اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن)

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن) ☐ زبان: ٦ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا) ☐

نمرهٔ توصیفی: عالی(۲۰-۱۹) ◯ خیلی خوب (۱۸-۱۷) ◯ خوب (۱٦-۱٤) ◯ متوسط(۱۱-۱۳) ◯ تلاش بیشتر(۱۰-۰)

ضمیمهٔ شنیدن

درس اول

۱

الف) فعلاً با اجازه!
ب) خداحافظ!

۲

الف) خانواده چطورن؟
ب) ممنون. سلام می‌رسونن.

۳

الف) بَه‌بَه! مرضیه خانم. کی از سفر اومدین؟
ب) امروز صبح زود رسیدیم.

۴

الف) ببخشین قربان، میدون امام اینجاس؟
ب) نه اینجا میدون حافظه، مستقیم برو. میدون بعدی، میدون امامه!

۵

الف) خب قربان اجازهٔ مرخصی می‌دین؟
ب) خواهش می‌کنم، موفق باشین.

۶

الف) بفرمایین منزل در خدمتتون باشیم.
ب) ممنون! شما بفرمایین.

۷

الف) خب، تعریف کن. چه خبرا؟
ب) سلامتی! خبر خاصی نیس.

۸

الف) فعلاً با اجازتون امری ندارین؟
ب) عرضی نیس! به سلامت خوش اومدین.

۹

الف) دارم می‌رم. کاری نداری؟
ب) نه قربانت! فقط نون یادت نره!

۱۰

الف) روز شما بخیر. من اتاق رزرو نکردم. شما اتاق خالی دارین؟
ب) نه! متاسفم. الان همهٔ اتاق‌هامون پره!

درس دوم

۱

الف) الو سلام مامان بابا هس؟
ب) نه! چی شده؟
الف) چیز مهمی نیس! ماشینم خراب شده. می‌خواستم بیاد کمکم.
ب) صبر کن عزیزم الان باهاش تماس می‌گیرم.
الف) ممنون! منتظرما!

۲

الف) آژانس مسافرتی صبا بفرمایین.
ب) سلام. روزتون بخیر. تو هفتهٔ آینده برا مالزی پرواز دارین؟
الف) بله!
ب) چه روزایی؟
الف) یه لحظه گوشی خدمتتون.... برا ... اوم ... شنبه، دوشنبه و چهارشنبه پرواز هس. ساعت ۱۱.
ب) ممنون! میشه برا دوشنبه ۳ تا بلیط رزرو کنین؟
الف) بله حتماً! اسم شریفتون .....

۳

الف) الو هتل پارسیان؟
ب) بله بفرمایین!
الف) من رستمی هسم! چن روز پیش با شما تماس گرفتم و یه اتاق دو تخته رزرو کردم.
ب) یه لحظه گوشی خدمتتون. بله... درسته... یه اتاق دو تخته.
الف) اگه امکانش هس اتاقمو عوض کنم. می‌خوام یه اتاق سه تخته رزرو کنم.
ب) یه لحظه اجازه بدین.... آآآ.... بله مشکلی نداره! الان اتاقتونو عوض می‌کنم.

۴

الف) الو سلام. منزل اقای نظری؟
ب) بله بفرمایین!
الف) حسین آقا تشریف دارن؟
ب) نه! نیسن. شما؟
الف) من دوستشون هسم. کریمی.
ب) در خدمتم.
الف) حسین آقا کی تشریف میارن؟
ب) تا دو ساعت دیگه میان.
الف) ممنون! پس من بعدازظهر تماس می‌گیرم.

۵

الف) الو سلام! تاکسی ژاله؟
ب) بله بفرمایین.
الف) یه تاکسی می‌خواستم برا فرودگاه.
ب) آدرستون لطفاً؟
الف) هتل پارسیان هسم.
ب) هتل پارسیان؟
الف) بله! هتل پارسیان. توی خیابون خلیج فارس.
ب) آهان! به نام؟
الف) رستمی هسم.
ب) تا پنج دقیقهٔ دیگه میاد خدمتتون.
الف) تشکر!

۶

الف) الو سلام!
ب) سلام بفرمایین.
الف) از آژانس دوسی مزاحمتون می‌شم. آقای مهدوی؟
ب) بله بفرمایین.
الف) شما برا فردا ساعت ۷ صبح پرواز داشتین؟
ب) بله! برا امارات.
الف) شرمنده! ساعت پروازتون تغییر کرد. پروازتون افتاده ساعت ۸.
ب) مشکلی نداره! ممنون که خبر دادین.
الف) خواهش می‌کنم.

۷

الف) الو سلام! یه تاکسی می‌خواستم.
ب) شرمنده الان تاکسی نداریم. می‌تونید نیم ساعت صبر کنین؟
الف) باشه! پس هر وقت تاکسی داشتید باهام تماس بگیرین.
ب) چشم حتما! شماره تون؟
الف) ۳۲۱۱۴۱۲۷
ب) باهاتون تماس می‌گیرم.
الف) لطف می کنین. خدا نگهدار.

۸

الف) الو سلام! آقا این چه وضعیه؟!!
ب) سلام بفرمایین! اتفاقی افتاده!
الف) من الان نیم ساعته منتظرم!
ب) شما آقای؟
الف) رسولی! کوچه ۱۷ پلاک ۳۹.
ب) من واقعاً شرمنده‌ام. الان با راننده تماس می‌گیرم.
الف) فقط سریعتر. خیلی دیرم شده!!!
ب) چشم، چشم... بازم شرمنده!



درس سوم

۱

الف) تو خیلی ورزش می‌کنی؟
ب) خیلی نه ولی سعی میکنم هفته ای یه‌بار استخر برم.
الف) معمولاً چه روزایی بیشتر می‌ری استخر.
ب) خوب من هر روز تا دیر وقت کار می‌کنم. خیلی وقت برا ورزش کردن ندارم.
الف) یعنی هیچ وقت ورزش نمی‌کنی؟
ب) چرا بعضی وقتا با خانمم آخر هفته‌ها می‌ریم کوه. تو چی؟

۲

الف) شما اهل ورزش هسی؟
ب) کم و بیش.
الف) چه ورزشی؟
ب) والیبال و فوتبال.
الف) کدومو بیشتر دوس داری؟
ب) نزدیک خونهٔ ما یه زمین چمن هس که گه‌گاهی وقتا با همسایه‌ها می ریم اونجا و با هم فوتبال بازی می‌کنیم.

الف) ولی من از فوتبال خیلی خوشم نمیاد، والیبالو دوس دارم.
ب) دوس داری بعضی وقت‌ها بیایی با ما والیبال بازی کنی؟

۳

الف) رامین چرا انقدر چاق شدی؟
ب) راستی چن وقته سرم خیلی شلوغ شده. نمی‌رسم خیلی ورزش کنم. تو چی، باشگاه می‌ری؟
الف) آره مرتب) من عاشق جودوام. نمی‌تونم ورزش نکنم.
ب) هفته‌ای چنبار می‌ری باشگاه؟
الف) تقریباً هر روز می‌رم باشگاه. روزهای زوجم هر روز صبح میرم پارک و می‌دوم. خیلی حال می‌ده. دوس داری صُبا با من بیای پیاده روی؟
ب) نه صبا خیلی زود می‌رم سرکار. ولی دوس دارم ورزش کنم.
الف). ببین! من همیشه آخر هفته‌ها می‌رم استخر. می‌خوای این هفته باهم بریم؟

۴

الف) اگه یه سوالی ازت بپرسم ناراحت نمی‌شی؟
ب) نه راحت باش.
الف) گوشت چی شده؟
ب) آهان! گوشم شکسته.
الف) چی؟ مگه گوشم می‌شکنه؟
ب) آره، بیشتر کسایی که کشتی گیر هسن. گوششون میشکنه. منم چون کشتی می‌گیرم گوشم شکسته.
الف) تو فقط کشتی می‌گیری؟ ورزش دیگه‌ای نمی‌کنی؟
ب) چرا ورزش باستانیم کار میکنم.
الف) ورزش باستانی چیه؟

۵

الف) از بس تلویزیون دیدم حوصلم سر رفت.
ب) خب تلویزیون نبین!
الف) تلویزیون نبینم چکار کنم! می‌دونی چنوقته تصمیم گرفتم برم ورزش کنم. اگه بخوام برم ورزش توام میای؟
ب) چه ورزشی؟
الف) میای صبح‌ها بریم کوه؟
ب) کوه؟!! صبح؟!! من صبح‌ها تا ۱۰ می‌خوابم. حوصله کوه ندارم. یه ورزش بریم که توسالن باشه!
الف) تکواندو خوبه؟
ب) تکواندو!؟! نه بابا تکواندو چیه؟ فوتبال خوبه؟
الف) اتفاقاً یه بازی فوتبال جدید گرفتم واسه کامپیوترم. میای بازی کنیم؟



درس چهارم

۱

الف) دیشب فوتبال رو دیدی؟
ب) نه مهمونی بودم! نتونستم بازی رو ببینم.
الف) ایران بازی رو ۳ هیچ برد!
ب) جدی؟! بازی چطور بود؟
الف) نمی‌دونم، منم بازیو ندیدم! دیشب تا آخر شب سر کار بودم. صبح توی روزنامه خوندم که ایران برده! ای کاش دیده بودم.

۲

الف) دیشب اخبار رو دیدی؟
ب) نه! چطور مگه؟
الف) قیمت نفتو می‌گم! بازم اومد پایین‌تر!!!
ب) جدی می‌گی؟ چن؟
الف) دیشب رسید به ۷۰ دلار. اخبار می‌گفت ممکنه هفتهٔ آینده پایین‌ترم بیاد!
ب) خیلی عجله نکن! باید تا هفتهٔ آینده صبر کنیم.

۳

الف) کاری نداری؟ من دارم می‌رم.
ب) نه قربونت.
الف) من تا هفتهٔ دیگه نیسم. دارم می‌رم مسافرت.
ب) کجا به سلامتی؟
الف) اردبیل
ب) اردبیل!؟ این وقت سال؟ الان اونجا خیلی سرده.
الف) نه! دیشب از اینترنت آب و هوای اردبیلو چک کردم. این هفته کامل آفتابیه!
ب) پس خوش بگذره!

۴

الف) سلام! خانم محمدی کجاس؟
ب) سلام آقای دکتر! خانم محمدی امروز نیومدن بیمارستان!
الف) چرا؟
ب) هفتهٔ قبل با شوهرش رفتن شمال. قرار بود امروز بیاد! نمی‌دونم کجاس.
الف) شمال!؟ پس امروز نمیاد.
ب) چطور آقای دکتر؟
الف) امروز توی ماشین که میومدم اخبار گفت که جادهٔ شمال تهران ترافیکه! احتمالاً توی ترافیک مونده.

۵

الف) سلام!
ب) (عطسه) سلام! با من دست نده.
الف) خدا بد نده! چی شده؟
ب) هیچی بابا سرما خوردم! خیلی حالم بده.
الف) دکتر رفتی؟
ب) آره رفتم. گفته فقط باید استراحت کنم.
الف) من هر موقع سرما می‌خورم، شربت عسل می‌خورم!
ب) شربت عسل!؟ شربت عسل دیگه چیه!؟
الف) یکم عسل توی اب ولرم حل می‌کنی، بعد چن قطره آبلیمو بهش اضافه می‌کنی و می‌خوری!
ب) این شربتو از کجا یادگرفتی؟
الف) چن سال پیش توی مجله خوندم. خیلی خوبه. مثل آب روی آتیشه!



درس پنجم

۱

الف) باند از روی دستت باز کن. کی این اتفاق افتاد؟
ب) امروز صبح. توی آشپزخانه. داشتم پیاز خرد میکردم که دستمو بریدم.
الف) نگران نباش. بریدگی دستت خیلی عمیق نیس. نیازی به بخیه کردن نداره. با باند و گاز استریل پانسمان می‌کنم. فقط یادتون باشه روزی یه بار پانسمانشو عوض کنین.
ب) چشم، آقای دکتر.

۲

الف) چه شده؟ کی تصادف کردین؟
ب) با یه ماشین تصادف کردم حدود نیم ساعت پیش.
الف) الان کجات درد می کند؟
ب) ساق پام آقای دکتر.
الف) ساق پات ورم کرده. اما خوشبختانه کبودی نداره. فکر نمی‌کنم شکسته باشه. اما با این وجود باید از پاهات عکس بگیری.

۳

الف) اتفاقی افتاده؟
ب) چیز مهمی نیس آقای دکتر. دیشب داشتم از ماشینم پیاده می شدم که یه مرتبه از بالای درخت یه گربه پرید روی ماشین و دستمو خراش داد.
الف) بذار ببینم. دردم داری؟
ب) نه خیلی. فقط ترسیدم بعداً عفونت کنه
الف) نگران نباش. الان یه آمپول بهت می‌زنم تا عفونت نکنه.

۴

الف) چی شده عزیزم؟
ب) راستی جناب دکتر دو روز پیش با دوسام بازی میکردیم یه دفعه خوردم زمین، آرنجم خیلی درد گرفت.
الف) عکس از دستت گرفتی.
ب) بله بفرمایین آقای دکتر.
الف) بله آرنج دستت شکسته. باید برایت گچ بگیریم. اما نگران نباش، تا یه ماه دیگه خوب خوب میشی.



درس ششم

۱

الف) آقا سلام.
ب) سلام.
الف) کجا دارین می‌رین؟
ب) می‌خوام برم توی پارکینگ.
الف) شما نمی‌تونین ماشینتونو اینجا پارک کنین. اینجا پارکینگ پزشکاس.
ب) من دکتر حسینی هسم.
الف) آخ ببخشین من تازه اومدم این بیمارستان.
ب) اشکالی نداره. موفق باشین.

۲

الف) سلام خانم.
ب) سلام.
الف) عذرخواهی می‌کنم. پدر منو اینجا آوردن؟
ب) آروم باشین. اسم پدرتون چیه؟
الف) میرزایی. کیومرث میرزایی.
ب) میرزایی... بله! روی تخت ۲ بستری هسن.
الف) ببخشین دقیقا کجاس؟
ب) انتهای همین سالن.

۳

الف) سلام علیکم.

ب) سلام. بفرمایین بشینین. چی شده؟

الف) هیچی خانم دکتر از دیشب تا حالا دلم درد می‌کنه.

ب) خب! روی تخت دراز بکشین.

الف) چشم.

۴

الف) الو سلام. یه نوبت می‌خواستم.

ب) برا چهارشنبهٔ هفتهٔ آینده آقای دکتر وقت دارن.

الف) چهارشنبهٔ هفتهٔ آینده؟ نمی‌شه توی این هفته دکتر منو ببینن؟

ب) شرمنده، فکر نمی کنم بشه!

۵

الف) آخ آخ آخ! آقای دکتر یواش. آی آی آی!

ب) کجا تصادف کردین؟

الف) سر کوچه! با موتور بودم.

ب) خدا خیلی بهت رحم کرده! سرتو ۵ تا بخیه زدم ولی حتماً باید از سرت عکس بگیری.

۶

الف) نفس عمیق بکش

ب) {صدای نفس عمیق و صدای رادیولوژی}

الف) بیرون منتظر باشین ۵ دقیقهٔ دیگه عکستون آماده می‌شه.

۷

الف) آقا! آقا کجا می‌رین؟

ب) مادرم اینجا بستری شده! می‌خوام برم ببینمش.

الف) نمی‌شه آقا. مادرتون ممنوع الملاقاته! الان نمی‌تونین ببینیدشون.

ب) فقط یه دقیقه.

الف) حتی یه ثانیه‌ام نمی‌شه!

۸

الف) روی تخت دراز بکشین!

ب) آقا جون مادرت، یواش بزنیا. من از سرم می‌ترسم.

الف) ترس نداره! فقط چن ثانیه طول میکشه... خوب آروم باش!

ب) آی آاااای ی ی ی ی ی!!!!!! دستم

درس هفتم

۱

الف) تلویزیونُ ببین!

ب) چی شده؟

الف) توی هندوسان سیل اومده! حدود ۸۰۰۰ نفر کشته شدن.

ب) خدا خودش رحم کنه!

۲

الف) زهرا! زهرا بیا!

ب) جانم، چی شده؟

الف) تلویزیونُ ببین.

ب) چیه؟

الف) این پیرزنو می‌بینی؟ ۸۳ سالشه! اما بعد از سه روز زنده از زیر آوار بیرون آوردنش.

ب) راست می‌گی؟

۳

الف) یادته پارسال میوه چقدر گرون شده بود!

ب) آره! راستی علتش چی بود؟

الف) اگه یادت باشه زمستون خیلی بارون نیومد و خشکسالی سالی داشتیم.

ب) آهان یادم اومد

۴

الف) دیروز اخبار می‌گفت سه تا اسکی باز ایتالیایی زیر برف موندن.

ب) چرا؟ چی شده مگه؟

الف) هیچی، امسال زمستون یکم زودتر هوا گرم شده. برف روی کوه‌هام یکم زودتر آب شدنُ حرکت کردند.

ب) خب؟

الف) این بنده خداها داشتن پایین کوه اسکی بازی می‌کردن که یهو یه عالمه برف ریخت روشون.

ب) آخی! مردن؟

الف) آره زیر برفا خفه شدن!

۵

الف) مسافرین محترم پرواز ۳۵۲ به مقصد سئول توجه فرمایید، به دلیل وزش باد شدید پرواز صورت نمی‌گیرد. برا کسب اطلاعات بیشتر به دفتر اطلاعات پرواز مراجعه فرمایید.

۶

الف) وای اینجا رو ببین!

ب) چی شده؟ وای خدا! اینا چیه داره از کوه می‌آید بیرون؟

الف) خونه‌ها رو ببین. آخ آخ آخ همشون آتیش گرفتن. اینجا کجاس؟

درس هشتم

۱

الف) یه بلیت قطار برا مشهد می‌خوام

ب) چشم! برا کی؟

الف) برا هفتهٔ بعد!

ب) سه شنبه خوبه؟

الف) فرقی نمی‌کنه. یه هفته میخوام برم زیارت.

۲

الف) کجا بودی این چن وقت؟ چرا سر کار نمیایی؟

ب) مسافرت بودم. رفته بودم هندوسان خیلی خوش گذشت. هم پرواز خوب بود هم هتل.

۳

الف) پارسال با کشتی رفتم آفریقا خیلی خوش گذشت.

ب) جدی؟ کدام کشور رفتی؟

الف) رفتم ماداگاسکار. خیلی سرسبز و قشنگ بود. جنگلاش خیلی دیدنی بود.

۴

الف) سلام، رسیدن بخیر. خوش گذشت؟

ب) جای شما خالی.

الف) شلوغ بود؟

ب) آره اما حسابی زیارت کردیم.

الف) با هواپیما رفتی؟

ب) نه با اتوبوس. یکم طولانی بود اما خسته نشدیم.

۵

الف) سلام یه بلیت هواپیما می‌خوام برا اصفهان.

ب) چشم. حتماً. فقط بلیت می‌خواین یا هتل هم براتون رزرو کنم؟

الف) نه یه روز بیشتر اصفهان نمی‌مونم. یه کار کوچیک دارم زود برمی‌گردم.

۶

الف) یه بلیت هواپیما برا جزیرهٔ کیش می‌خوام. دو سه روز می‌خوایم با خانواده بریم کیش.

ب) بلیت هواپیما نداریم. می‌خواید بلیت قطار براتون رزرو کنم؟

الف) بلیت قطار؟ برا جزیرهٔ کیش؟

ب) آره نصف راهو با قطار می‌رید، بقیه‌اشم با کشتی.

درس نهم

۱

الف) عجب انیمیشن قشنگی بود.

ب) اره اصلا نفهمیدم کی تموم شد. خیلی بانمک بود.

الف) همیشه دوس داشتم بدونم تهران ۱۰۰ سال دیگه چه شکلی میشه!

ب) البته یه جاهاییش خیلی خیالی بود! اما در کل بد نبود.

۲

الف) محمد، محمد!

ب) بله، بله!

الف) خواب بودی؟

ب) آره.

الف) این وقت روز؟ ساعت ۱۱:۰۰ ظهره. مگه دیشب نخوابیدی؟

ب) نه! دیشب یه فیلم دیدم. از بس ترسناک بود تا صبح خوابم نبرد.

الف) فیلم ترسناک؟ جدی می‌گی! مگه از فیلم ترسناک خوشت میاد؟

ب) نه بابا! اولین بار بود می‌دیدم. اولین بار و آخرین باره! خیلی فیلم بدی بود.

۳

الف) امشب چکار کنیم؟

ب) فیلم ببینیم؟

الف) چه فیلمی؟

ب) رؤیای خیس!

الف) اه! دیدم فیلمشو. خیلی فیلم بدیه!

ب) کمدیه؟

الف) نه! قصهٔ یه دختر و پسر جوونه که می‌خوان با هم ازدواج کنن. ولی خانواده‌هاشون اجازه نمی‌دن.

ب) خب بعدش چی میشه؟

الف) هیچی! آخرش پسره می‌میره!

ب) همین؟ چقدر مسخره!

۴

الف) بیا امروز بریم سینما!

ب) باشه! چه فیلمی؟

الف) رنگ خدا! می‌گن خیلی فیلم خوبیه.

ب) –آره قصه‌اش مربوط به یه نوجوونه که نابیناس. پدر او تصمیم می گیره با یه خانم ازدواج کنه.

الف) –آره! دو سه بار دیدمش، ناراحت کننده اس اما بدم نمیاد دوباره ببینمش!

۵

الف) عجب فیلمی بود! خیلی قشنگ بود.

ب) اون خانمه چقدر خوب بازی کرد؟ من که آخرش گریه کردم.

الف) جدی! کجای فیلم گریه کردی؟

ب) اون صحنه‌ای که سربازا توی مزرعه کشته می‌شدن خیلی ناراحت کننده بود!

الف) –درسته؛ اما دوس دارم این فیلمو دوباره ببینم.

۶

الف) وای! عجب فیلمی بود. مگه نه لیلا؟ لیلا! لیلا!

ب) چیه؟ تموم شد؟

الف) خوابی؟

ب) آره بابا! خوابم برد.

الف) فیلم خوبی بود کاش می‌دیدی.

ب) حالا چه فیلمی بود؟

الف) یه پلیس دنبال دو قاتل بود، دستگیرشون کرد. خیلی هیجان داشت.

ب) به نظر من که اصلنم فیلم خوبی نبود!

الف) تو که خواب بودی! پس از کجا می گی فیلم بدی بود.



درس دهم

۱

الف) چه تابلوی قشنگی!

ب) آره! این تابلو را خواهرم کشیده.

الف) مگه خواهرت نقاشه؟

ب) خیلی ساله که نقاشی می‌کنه مگه خبر نداشتی؟

الف) نه! راستی منم از بچگی همیشه دوس داشتم نقاشی کنم، اما نقاشی‌ام خیلی خوب نیس.

ب) دوس داری کلاسای نقاشی خواهر من بری؟

الف) مگه خواهرت تدریسم می‌کنه؟

ب) آره یه مؤسسهٔ نقاشی داره.

الف) می‌شه شماره تلفن خواهرتو بهم بدی؟

۲

الف) الو! سلام سلمان خوبی؟

ب) سلام. چطوری؟

الف) ممنون. راستی اون شعریو که برام فرستادی خوندم. خیلی قشنگ بود.

ب) راست می‌گی؟ خوشت اومد؟

الف) آره عالی بود. کار خودت بود؟

ب) آره هفتهٔ پیش نوشتمش. می‌شه شمام چنتا از شعرای جدیدت رو برام بفرستی؟

۳

الف) کجا داری می‌ری؟

ب) دارم می‌رم تالار وحدت.

الف) چطور مگه؟

ب) فرهاد اصلانی یه کار جدید کارگردانی کرده. دارم می‌رم اونو ببینم. شمام میای؟

الف) بازیگر اصلی‌اش کیه؟

ب) خود فرهاد اصلانی.

الف) جدی؟ من همیشه فرهاد اصلانیو توی سینما دیده بودم. خیلی دوس دارم یه‌بار از نزدیک ببینمش.

۴

الف) به نظر من فوق العاده است. خصوصاً رنگی که استفاده شده.

ب) آره واقعاً زیبا نوشته شده. معمولاً توی مسجدای قدیمی از خط نستعلیق کم استفاده می‌شه، اما توی این مسجد فرق می‌کنه.

الف) چرا؟

ب) نمی‌دونم. شاید نظر معمار این طوری بوده.

الف) حالا چی نوشته؟ می تونی بخونی؟

ب) آره یکی از شعرهای سعدیو نوشته.

الف) جدی؟ من اول فکر کردم حدیثه. کدوم شعر سعدیه؟

۵

الف) خیلی خوانندهٔ خوبیه من صداشو خیلی دوس دارم.

ب) کی؟

الف) محمد اصفهانی.

ب) آره واقعاً کاراش قشنگه. معمولاً شعرای حافظ و مولانا رو می خونه.

الف) آره. سی دی آخرش خیلی خوبه. دیروز خریدیم. می‌خوای توام گوش بدی؟



درس یازدهم

۱

الف) مامان، من چطور بچه‌ای بودم؟ خیلی شیطونی می کردم؟

ب) نه! تو خیلی اروم بودی. آروم و خجالتی. بیشتر وقتا یکی دو ساعت توی اتاقت بازی می‌کردی. خیلی اهل شیطونی و بازیگوشی نبودی.

الف) چه بچهٔ با ادبی بودم من!

ب) آره! بودی!!!

۲

الف) این آقا مهران عجب آدم مؤدب و باشخصیتیه. من خیلی ازش خوشم میاد.

ب) آره برعکس بچگیش.

الف) چطور مگه؟

ب) مهران وقتی بچه بود خیلی بی‌ادب بود! هر روز یه دست گل به آب می‌داد.

الف) جدی؟ من فکر می‌کردم آقا مهران وقتی بچه بوده خیلی با ادب و درس‌خون بوده.

ب) من که هیچوقت نمی‌دیدم درس بخونه.

۳

الف) مامان این عکس کیه؟

ب) عکس دایی کاظمه.

الف) داییه؟ (خنده) چقد چاق و تپل بوده؟

ب) آره. دایی خیلی چاق بود. صبح و شب فقط می‌خورد.

الف) بازیگوشم بود؟

ب) نه بابا. فقط کتاب می‌خوند. عاشق کتاب و درس و مدرسه بود. چن بار پدربزرگ برا این کار تنبیه‌اش کرد.

الف) تنبیه؟ چرا؟ برا اینکه زیاد درس می‌خوند؟

ب) آره! آخه فقط حواسش به کتاب بود. حتی وقتی راه می‌رفت کتاب می‌خوند. یه بار حتی تصادف کرد و پاش شکست.

۴

الف) آخ سر درد گرفتم. چقدر بچهٔ برادرت امشب گریه کرد؟

ب) آره، من که سردرد گرفتم.

الف) داشت گریه می‌کرد، مادرش یه پرتقال بهش داد که گریه نکنه. اونم پرتقالو پرت کرد طرف مهمونا.

ب) آره داداشم امشب خیلی خجالت کشید.

الف) نوهٔ من خیلی پسر خوب و مؤدبیه. وقتی برام مهمون میاد خیلی به من کمک می‌کنه. هر کاری بهش می‌گم انجام می‌ده.

ب) خداحفظش کنه چه نوهٔ آرومی دارین. درسخون هم اس؟

الف) نه خیلی، چون یکم بازیگوشه.

۵

الف) این بچهٔ دوستت چقدر بی ادب بود!

ب) پروین؟ چطور مگه؟

الف) یکی دو بار سلام کردم جواب سلام من رو نداد.

ب) نه! اتفاقاً بچهٔ خیلی مهربون و با ادبیه. فقط یکمی خجالتیه. دیر با دیگران دوس می‌شه.

الف) جدی؟

ب) اره بچه درس خونی هم هس. امسال تو مدرسه‌شون شاگرد اول شد.



درس دوازدهم

۱

الف) ببخشین خانم، من دوربین عکاسیمو گم کردم. چه کار کنم؟

ب) دوربین عکاسی‌تون رو دزدیدن؟ نه! فکر نکنم. به نظرم گم شده.

الف) برید دفتر اشیاء گم شده.

ب) کجاس؟

الف) طبقهٔ پایین، انتهای سالن، کنار بانک.

۲

الف) چه تابلوی قشنگی! ببخشین این تابلو چنه؟

ب) ۳۵۰ هزار تومن!

الف) خیلی خوبه. معذرت می‌خوام. من پول ایرانی ندارم. چطوری خرید کنم؟

ب) می‌تونین با دلار خرید کنین.

الف) شرمنده، دلارم ندارم. فقط یورو دارم.

ب) اشکالی نداره. صرافی درست کنار فروشگاه ماست. می‌تونین از همون جا دلار بگیرین.

الف) ممنون!

۳

الف) ببخشین نمازخانه کجاس؟

ب) نمازخانه؟ همین روبه‌روه!

الف) ممنون! می‌خوام وضوام بگیرم.

ب) سرویس بهداشتی کنار نمازخونه‌اس.

الف) یه دنیا ممنون.

۴

الف) سلام ببخشین آقا دفتر گمرک کجاس؟

ب) با من بیایین. انتهای سالنو ببینین.

الف) خب!

ب) رستورانو می‌بینین؟

الف) بله بله.

ب) دفتر گمرک بین رستوران و سالن تحویل بار.

الف) آقا خیلی ممنون!

ب) خواهش میکنم.

۵

الف) سلام. ببخشین، هواپیمای وین پرواز کرده؟

ب) وین؟ بذارید ببینم. وین ... وین ... . نه ولی تا نیم ساعت دیگه پرواز می‌کنه.

الف) برا کنترل گذرنامه کجا برم؟

ب) همین رو برو. کنار ادارهٔ پلیس.

۶

الف) ببخشین آقا! شما اینجا یه پسر بچه پنج شش ساله ندیدین؟

ب) نه شرمنده! گم شده؟

الف) الان همین جا بود. داشتیم غذا می‌خوردیم. نمی‌دونم کجا رفته؟

ب) نگران نباشین! همین اطرافه؟

الف) شما می‌دونین دفتر پلیس کجاس؟

ب) آره! طبقهٔ پایینه کنار سالن تحویل بار.

الف) ممنون! خیلی لطف کردین.



درس سیزدهم

۱

الف) (صدای آژیر پلیس) سواری مشکی رنگ بزن کنار.

ب) سلام. گواهی‌نامه لطفاً.

الف) سلام. چیزی شده جناب سروان.

ب) متوجه نشدین؟ همین الان از چراغ قرمز رد شدین.

الف) کدوم چراغ قرمز؟ اینجا که چراغ قرمز نبود.

ب) چرا. چهارراه قبلی چراغ قرمز داشت. شما عبور کردین، بیشتر توجه کنین.

۲

الف) سلام. گواهی‌نامه لطفاً.

ب) اِه! سلام جناب سروان. چی شده؟

الف) نگاه کنین ماشینتونو کجا پارک کردین. اینجا خط عابر پیاده‌اس.

ب) ای وای! ببخشین جناب سروان، ندیدم خط عابر رو. حالا شما این بار ما رو ببخش ...

الف) متأسفم.

۳

الف) سواری آبی رنگ بزن کنار / سواری آبی رنگ لطفاً توقف کن.

ب) سلام. چرا جناب سروان؟

الف) شما توی این خیابون چکار می کنین؟

ب) دارم می‌رم سینما، جناب سروان. چطور مگه؟

الف) این خیابون یه طرفه اس شما ورودممنوع اومدین مگه تابلوی ورود ممنوعو ندیدید؟

ب) نه! کدوم تابلو؟ ببخشین اصلاً حواسم نبود.

۴

الف) وانت سفید بزن کنار / وانت سفید

ب) سلام ببخشین سرعتم بالا بود؟

الف) نه شما نمی‌تونین با این ماشین رانندگی کنین. این ماشین نقص فنی داره.

ب) نقص فنی؟ این ماشین کاملاً سالمه جناب سروان.

الف) چراغ خطر سمت چپ شما شکسته.

ب) این که نقص فنی نیس.

الف) چرا نداشتن چراغ خطر، نقص فنیه.

۵

الف) ببخشین سرکار تلفن خیلی مهمی بود باید جواب می‌دادم.

ب) هر قدرم که تلفن مهم باشه، شما نباید موقع رانندگی با تلفن همراه صحبت کنین. گذشته از این کمربند ایمنی تونم بازه. چرا کمربند نبستین؟

الف) وای فراموش کردم.

ب) بستن کمربند همیشه الزامیه. اگه خدای نکرده تصادف می‌کردید چی می‌شد؟ هم کمربند نبستید، هم دارین با تلفن همراه صحبت می‌کنین. لطفاً گواهینامتونو بدین.

۶

الف) سواری قرمز سریع بزن کنار / (صدای آژیر)

ب) سلام قربان.

الف) سلام. چرا اینقدر سرعتتون بالاس؟

ب) من که تند نمی‌رفتم.

الف) تند نمی‌رفتید؟ ۱۴۰ کیلومتر سرعت داشتین.

ب) ۱۴۰ تا؟ راست می‌گین؟

الف) بله. لطفاً گواهی‌نامه‌تونو بدین.

ب) گواهی‌نامه ندارم.

الف) چی!!؟؟



درس چهاردهم

۱

*** چن سال پیش من و یکی از همکارام برا یه سفر کاری رفتیم رشت، اما صبح اون روز ماشین دوسم خراب شد. برا همین خیلی زود رفتیم و ۲ تا بلیت اتوبوس خریدیم. موقع ناهار اتوبوس توی یه رستوران کوچیک ایستاد و ما م رفتیم تا ناهار بخوریم. اما عجب رستورانی بود! من تا حالا توی زندگیم به همچین جای کثیفی ندیده بودم. میز و صندلیای کهنه، در و دیوار کثیف. به دوسم گفتم چیکار کنیم؟ دوسم گفت من که خیلی گشنمه، صبحونم نخوردم. عیب نداره بیا بخوریم. منم قبول کردم. آخه منم خیلی گرسنه بودم. اما چشمتون روز بد نبینه! من تا حالا همچین غذای بد مزه ای نخورده بودم. کباب اون رستوران خیلی ارزون بود فقط ۵ هزار تومان، اما بعد از ظهر اون روز من و دوسم هر دو مریض شدیم و کلی پول دکتر و دارو و بیمارستان دادیم.

۲

*** چن سال پیش من و شوهرم و دختر کوچیکم سارا رفتیم مشهد. سارا اون موقع پنج سالش بود. یه روز من و سارا برا زیارت رفتیم حرم امام رضا. من رو به روی ضریح ایستاده بودم و داشتم نماز می‌خوندم. سارام توی حرم داشت با بچه‌های دیگه بازی می‌کرد. وقتی نمازم تموم شد هرچی نگاه کردم سارا رو ندیدم. حرم خیلی شلوغ بود. حدود یه ساعت با چن تا خانم دیگه دنبال سارا گشتیم. من فقط گریه می‌کردم. بعد از یه ساعت دوباره اومدم و نشستم رو به روی ضریح. گفتم یا امام رضا من توی این شهر کسیو ندارم. کمکم کن. تا این و گفتم یکی دستمو گرفت! وقتی برگشتم دیدم سارا کنارم وایساده. زدم زیر گریه. گفتم سارا تو کجا بودی؟ سارا هم با گریه گفت مامان من اینجا پیش تو خوابیده بودم. راست می‌گفت. آخه من همه جای حرمو گشتم بجز همون جایی که نماز می‌خوندم.

۳

*** چن ماه پیش من و دو تا از دوسام رفتیم تبریز. همگی صبح زود سوار ماشین شدیم و به طرف تبریز راه افتادیم. من یه کیف کوچیک داشتم. وقتی بچه‌ها کیف منو دیدند گفتن: می‌شه همهٔ پولا رو بذاریم توی این کیف؟ منم گفتم باشه و همهٔ پول‌ها رو گذاشتم توی کیف من. اما وقتی به هتل رسیدیم دیدم که کیف دستیم گم شده! همه جا رو گشتم اما کیفمونو پیدا نکردم. حدود ۶۵۰ کیلومتر رانندگی کرده بودیم، حالا که به مقصد رسیده بودیم پولامونو گم شده بود. خوشبختانه هنوز ۳۰، ۴۰ هزار تومن داشتیم تا پول بنزین ماشین تا تهرانو بدیم. وقتی رسیدیم تهران، من داشتم وسایلمو از توی صندق عقب ماشین جمع می‌کردم که دیدم کیف دستی توی صندوق عقب ماشینه! خیلی عصبانی شدم. هنوزم بعد چن ماه وقتی یاد این ماجرا می‌افتم، خندم می‌گیره.



درس پانزدهم

۱

الف) مامان، مامان! شام چی داریم؟

ب) نمی‌دونم. هنوز تصمیم نگرفتم برا شام چی درست کنم؟

الف) اگه یه غذایی رو بگم درست می‌کنی؟

ب) چی؟

الف) خیلی هوس قیمه کردم، برا شام قیمه درست می‌کنی؟

ب) باشه عزیزم. بذار ببینم مواد لازمشو داریم یا نه!

الف) هر چیشو نداشتیم همین الان می‌رم می‌خرم.

ب) باشه! اول ببین لپه داریم؟

ب) لپه... لپه... آره آره. لپه داریم.

الف) خب) سیب‌زمینی و پیاز چی؟

ب) اووووو... سه تا دونه پیاز داریم با دو تا سیب‌زمینی کوچیه.

الف) خب).. سه تا پیاز بسه اما سیب‌زمینی می‌خوایم. یه کیلو سیب‌زمینی بگیر.

ب) چشم!

الف) یه بطری نوشابه یا دوغم بگیر.

ب) قیمه با دوغ می‌چسبه! دوغ می‌گیرم.

الف) راستی، مصطفی!

ب) جانم ماما،.

الف) روغن هم بگیر، روغنمون کمه.

۲

الف) امشب فیلم ساعت چن شروع می‌شه؟ ساعت چن باید بریم سینما؟

ب) فیلم ساعت ۹:۰۰ شروع می‌شه، اگه ساعت ۸:۳۰ بریم خوبه!

الف) شام چی بخوریم؟

ب) بعد از سینما می‌ریم رستوران.

الف) نه بابا. فیلم ساعت ۱۱:۰۰ تموم می‌شه. یه غذای ساده تو خونه بخوریم بعد بریم سینما!

ب) خب) چی بخوریم؟

الف) یه غذای ساده. مثل اُملت

ب) آره خیلی هم خوبه! ببین تخم‌مرغ داریم؟

الف) صبر کن. آره پنج تا تخم‌مرغ داریم. بسه!

ب) گوجه چی؟

الف) گوجه ... گوجه ... گوجه یک‌دونه بیشتر نداریم. بسه؟

ب) نه خیلی کمه!

الف) می‌خوای همین الان برم گوجه بخرم؟

ب) نه! نمی‌خواد با رب گوجه درست میکنم. آخ فرهاد فقط نون نداریم!

الف) عیب نداره. تا تو املت و درست می‌کنی، من می‌رم نون می‌خرم و میام.

ب) باشه! راستی فرهاد دوباره نوشابه نگیریا...

الف) بابا املت با نوشابه می‌چسبه.

ب) خیلی داری چاق می‌شی... انقدر نوشابه نخور!

الف) باشه!

۳

الف) امشب یه پیتزا برات درست می‌کنم که انگشتاتو بخوری.

ب) دستت درد نکنه.

الف) فقط بذار ببینم همهٔ مواد لازمشو داریم یا نه. فکر کنم باید برم خرید. خوب ... فلفل دلمه که داریم. گوجم داریم اما کمه. ای وای سوسیسم که نداریم.

ب) می‌خوای با سوسیس پیتزا درست کنی؟

الف) آره دیگه

ب) من سوسیس خیلی دوس ندارم.

الف) عیب نداره! می‌خوای بجای سوسیس بهش مرغ یا گوشت بزنم؟

ب) آره

الف) اتفاقا تازه مرغ خریدم

ب) پیاز چی؟ پیاز داری؟

الف) نه . چون پیاز استفاده نمی کنم.

ب) چرا؟

الف) من پیاز دوس ندارم. تا حالا به پیتزا پیاز نزدم.

ب) پنیر چی؟ داری؟

الف) ای بابا پنیر نداریم! نزدیه بود بدون پنیر برات پیتزا درست کنم. الان می رم می خرم

ب) (صدای خنده) ببین تو نمی‌خواد بری خرید، تا تو گوجه و فلفلو خرد می‌کنی منم می‌رم پنیر می‌خرم.

الف) باشه

۴

الف) خیلی هوس آبگوشت کردم. میای ظهر آبگوشت درست کنیم؟

ب) مگه بلدی؟

الف) آره! یه آبگوشتی برات درست میکنم که انگشتاتم باهاش بخوری. اول بذار ببینم نون داریم؟

ب) نون. آره نون داریم! صبح گرفتم. دیگه چی می‌خواد؟

الف) نخود و لوبیا

ب) نخود و لوبیامون کمه ... ! ولی عیبب نداره الان می‌رم می‌خرم.

الف) سیب زمینی و پیاز چی؟ داریم؟

ب) پیاز داریم ولی سیب‌زمینی نه! عیب نداره الان می‌رم سیب‌زمینیم می‌خرم.

الف) گوشت چی؟ گوشت داریم؟

ب) بله: هم گوشت چرخ کرده داریم هم گوشت راسته.

الف) گوشت راسته کافیه؟

ب) نه! اما عیب نداره، یه مقدار هم گوشت چرخ کرده بهش می زنیم.

الف) چی عیب نداره؟ نه نخود و لوبیا داریم نه سیب‌زمینی نه گوشت کافی.

ب) اصلاً یه پیشنهاد. یه رستوران خیلی خوب بلدم که آب گوشتاش خیلی خوش‌مزس. امروز ظهر بریم اونجا آبگوشت بخوریم.

الف) آفرین! پس من رفتم لباسامو بپوشم که بریم.



درس شانزدهم

۱

الف) سلام. روزتان بخیر! انتخاب کردین؟

ب) بله، دو تا سیخ کباب بختیاری برامون بیاورین.

الف) حتماً! چیز دیگه‌ای میل ندارین؟

ب) چرا، برا من سوپ بیارین. اما دوسم چیزی نمی‌خورن.

الف) چه سوپی براتون بیارم قربان؟

ب) یه کاسه سوپ مرغ لطف کنین.

الف) چشم حتماً. نوشابه، سالاد؟

ب) دو تا سالاد فصل لطف کنین، با دوتا دوغ.

الف) (می‌نویسد) بله! دوتا سالاد فصل با دوتا دوغ! دوغتون گازدار باشه یا بدون گاز؟

ب) گازدار باشه بی‌زحمت.

الف) حتماً امر دیگه‌ای ندارین؟

ب) نه ممنون.

الف) همین الان میارم خدمتتون.

۲

الف) سلام مجدد! انتخاب کردین؟

ب) بله! یه پرس قورمه سبزی لطف کنین با یه پرس کباب برگ برا دوسم.

الف) آخ، واقعاً شرمندم. قرمه‌سبزی‌مون تموم شده.

ب) ای بابا! حیف شد. من قرمه‌سبزیای رستوران شما رو خیلی دوس دارم.

الف) نظر لطفتونه! اما شرمنده ...

ب) نه اشکالی نداره. برا منم کباب برگ بیارین. راستی یه جوجه کبابم برامون بیارین.

الف) باشه چشم. جوجه با برنج باشه؟

ب) نه بدون برنج.
الف) چشم! پس شد (می‌نویسد) دو پرس کباب برگ با یه جوجه. نوشابه و سالاد میل دارین؟
ب) سه تا سالاد و دو تا نوشابه.
الف) نوشابهٔ مشکی یا زرد؟
ب) یه مشکی، یه زرد. راستی ماست هم دارین؟
الف) نه شرمنده!
ب) فقط بعد از غذا یه قوری چای برامون بیارین!
الف) حتماً! امر دیگه‌ای ندارین؟
ب) نه! دستتون درد نکنه.

۳

الف) در خدمتتون هسم. انتخاب کردین؟
ب) بله! یه پرس کباب کوبیده، یه پرسم چلومرغ.
الف) یه پرس کباب کوبیده و یه پرسم چلومرغ! بله! سوپ چطور؟ سوپم میل دارین؟
ب) بله! سوپ شیر.
الف) (می‌نویسد) دو تام سوپ شیر!
ب) نه! یه دونه کافیه. همسرم میل نداره.
الف) چیز دیگه‌ای می‌خواین براتون بیارم؟ دوغ، نوشابه، سالاد؟
ب) نه دیگه! سپاس گزارم. همین کافیه فقط اگه امکانش هس دوتا ماءالشعیرم برامون بیارین.
الف) به روی چشم! چه طعمی؟
ب) چه طعمی دارین؟
الف) هلو، سیب، انار و آناناس.
ب) دو تا سیب برامون بیارید.
الف) امر دیگه‌ای ندارین؟
ب) نه ممنون.

۴

الف) روزتون بخیر! در خدمتتون هسم.
ب) ببخشین آقا کاسه‌های سوپتون بزرگن یا کوچیک؟
الف) تقریباً بزرگن.
ب) جدی!؟ راستی بیشتر می‌خوام سوپاتونو امتحان کنم. می‌شه دوتا کاسهٔ کوچولو برامون بیارین؟
الف) چرا که نه. میارم خدمتتون. (می‌نویسد) دوتا کاسهٔ کوچیه سوپ. مطمئنم خوشتون میاد! دیگه چی؟
ب) یه پرس فسنجون برا من بیارید، یه پرس جوجه کبابم برا برادرم.
الف) حتماً!
ب) آخ راستی یادم رفت بپرسم. فسنجونتون با مرغ درست شده یا با گوشت؟
الف) با مرغ!
ب) اِه!؟ با مرغ. من مرغ خیلی دوس ندارم. پس فسنجان نمی‌خورم. برا من کباب کوبیده بیارین
الف) به روی چشم! سالاد چطور؟
ب) یه سالاد فصل برامون بیارید با یه کاسه زیتون!
الف) چشم! امر دیگری ندارین؟
ب) راستی دو تا آب معدنیم برامون بیارین.



درس هفدهم

۱

الف) سلام روزتون بخیر!
ب) متشکرم، روز شمام بخیر! بفرمایین، در خدمتتون هسم.
الف) من یه اتاق رزرو کرده بودم، به نام محمد شریف زاده.
ب) بله آقای شریف زاده، یه اتاق دو تخته برا ٦ شب؟
الف) بله، ٦ شب)
ب) می‌شه شناسنامه‌هاتونو لطف کنین؟
الف) بله. حتماً. بفرمایین.
ب) متشکرم. ..(صدای صفحه کلید کامپیوتر). بله! .... بفرمایین اینم کلید اتاقتون. اتاق ۵۱۱. ضمناً برا صبحانه هر روز از ساعت ۷:۰۰ تا ۱۰:۰۰ صبح در خدمتتون هسیم.
الف) متشکرم. ببخشین منظرهٔ اتاق ما چیه؟
ب) اتاق رو به جنگله.
الف) جنگل؟ ببخشینا! من دوس دارم اتاقمون رو به دریا باشه. می‌شه اتاقمونو عوض کنین؟
ب) بگذارید ببینم..(صدای صفحه کلید کامپیوتر). نه اشکالی نداره. کلیدتونو لطف کنین؟
الف) بفرمایین!
ب) ممنون! بفرمایین، خدمت شما! این اتاق ۵۰٦ رو به روی دریاست.
الف) خیلی لطف کردین.
ب) خواهش میکنم.
الف) یه موضوع دیگه! پسر من ممکنه فردا شب بیاد پیش ما بخوابه.
ب) مشکلی نیس! فردا یه تشک اضافه براتون میاریم بالا.
الف) یه دنیا ممنون.
ب) خواهش میکنم.

۲

الف) خسته نباشین!
ب) سلام، خوش آمدین. بفرمایین!
الف) ببخشین من یه اتاق رزرو کرده بودم.
ب) به نام؟
الف) به نام محمد رضا صالحی.
ب) یه لحظه صبر کنین!... بله... یه اتاق یه تخته برا یه شب؟
الف) برا یه شب؟ من برا سه شب اتاق رزرو کرده بودم.
ب) آهان! بله ببخشین. برا سه شب) شناسنامتونو لطف می‌کنین؟
الف) حتماً، خدمت شما!
ب) متشکرم. اینم کلید اتاقتون آقای صالحی. اتاق ۴۰۳.
الف) راستی، یه سؤال دیگه، رستوران تا چه ساعتی بازه؟ می‌تونم الان برم ناهار بخورم؟
ب) بله.
الف) رستوران چه ساعتایی بازه؟
ب) هر روز از ساعت ۱۲:۰۰ تا ۳:۰۰ باز اس.
الف) متشکرم.
ب) خواهش می‌کنم.

۳

الف) سلام، خسته نباشین!
ب) سلامت باشین. بفرمایین، در خدمتم.
الف) هفته گذشته یه اتاق رزرو کرده بودم. به نام محمدی.
ب) بله! ... آقای محمدی... درسته یه اتاق دو خوابه برا شش شب)
الف) نه من یه سوئیت رزرو کرده بودم. برا دو شب)
ب) اما اینجا نوشته یه اتاق دو خوابه! ببینین. اینجا نوشته. آقای امین محمدی، اتاق دو خوابه، شش شب)
الف) من امین محمدی نیسم. من صادق محمدی‌ام.
ب) آه! ببخشین! ..(صدای صفحه کلید کامپیوتر). درسته. یه سوئیت برا دو شب) دوس دارین سوئیتتون رو به دریا باشه یا رو به جنگل؟
الف) فرقی نمی‌کنه!
ب) سوئیت رو به جنگل یه مقدار بزرگتر اس. سوئیت شمارهٔ ۸۰۹.
الف) همین خوبه.
ب) بسیار خب) می‌شه شناسنامتونو لطف کنین؟
الف) بیله، حتماً! بفرمایین. یه نکتهٔ دیگه می‌شه این کت و شلوار و برام اتو کنین؟ برا فردا شب لازمش دارم.
ب) بله حتماً می دم قسمت خشکشویی هتل.
الف) سپاس گزارم.

۴

الف) سلام، خسته نباشین. رضایی هسم. یه اتاق رزرو کرده بودم.
ب) سلام آقای رضایی.(صدای صفحه کلید کامپیوتر). یه اتاق دو تخته برا ٤ شب؟ اتاق ۷۲۱.
الف) ممنون اما اول قرار بود من و خانمم دو نفری بیاییم سفر؛ اما الان سه نفر هسیم. پدرهم با ما اومده. میشه یه اتاق سه تخته بگیریم؟
ب) بذارین ببینم. بله مشکلی نداره. اما رو به حرم نیس.
الف) وای، نه! دوس داریم حتماً رو به حرم باشه
ب) شرمنده! اتاق سه تختهٔ رو به حرم نداریم. می‌تونم همون اتاق ۷۲۱ رو بهتون بدم، با یه تشک اضافه؟
الف) نه اینطوری خوب نیس.
ب) می‌خواید سوئیت بگیرین. اتفاقاً یه سوئیت بزرگ رو به حرم داریم. درست روبروی گنبده.
الف) عالیه!
ب) فقط قیمتش یکم بیشتر اس.
الف) چقدر اس؟
ب) شبی ۳۲۰ هزار تومان.
الف) نه، اشکالی نداره.
ب) پس می‌شه شناسنامتونو لطف کنین؟
الف) بفرمایین!
ب) ممنون! بفرمایین، اینم کلید سوئیتتون. سوئیت ۸۰۴.
الف) راستی داشتم فراموش می‌کردم. پدرم زانو درد داره، واسهٔ همین نمی‌تونن از دستشویی ایرانی استفاده کنن. این سوئیت دستشویی فرنگی داره؟
ب) بله نگران نباشین. هم دستشویی فرنگی داره و هم دستشویی ایرانی.
الف) خیلی لطف کردین.
ب) خواهش می‌کنم. اقامت خوبی داشته باشین!
الف) ممنون!

درس هجدهم

۱

الف) سلام خوبی؟ امشب میای بریم سینما؟

ب) سلام! امشب نه.

الف) چرا؟ مگه چی شده؟

ب) فردا امتحان دارم.

الف) امتحان چی؟

ب) ریاضی.

الف) اه! من از ریاضی متنفرم.

ب) منم. اما اگه قبول نشم، مامانم کلمه‌مو می‌کنه.

۲

الف) الو! سلام.

ب) سلام. خوبی؟

الف) قربونت. یه کمی استرس داشتم، گفتم زنگ بزنم بات حرف بزنم.

ب) استرس!!؟ استرس برا چی؟

الف) آخه امسال کنکور دارم. یکم می‌ترسم.

ب) از چی؟ از کنکور؟ مطمئن باش اگه خوب درس بخونی حتماً قبول می‌شی.

الف) می‌دونم، اما می‌ترسم قبول نشم.

۳

الف) الو ... مهری .... سلام!

ب) سلام عزیزم. چی شده؟ چرا انقدر خوشحالی؟

الف) قبول شدم ... قبول شدم ... کنکور رو قبول شدم.

ب) راست می‌گی؟ مبارک باشه عزیزم. کدوم دانشگاه قبول شدی؟

الف) دانشگاه مشهد.

ب) دانشگاه دولتی یا آزاد؟

الف) دانشگاه دولتی.

ب) دانشگاه دولتی؟ راست می‌گی؟

الف) آره! امشب شام میای خونهٔ ما؟

۴

الف) الو.

ب) الو سلام بفرمایین.

الف) نشناختی؟

ب) نه شرمنده به جا نیاوردم. شما؟

الف) منصورم دیگه.

ب) اِه! سلام منصور. مگه تو ایرانی؟ کی از فرانسه برگشتی؟

الف) دو ماه پیش فارغ‌التحصیل شدم. الان یه هفته اس که برگشته‌ام ایران

ب) آقا خیلی تبریک می‌گم. دلم برات تنگ شده. میای امشب خونه ما؟

الف) خیلی دوس دارم بیام ولی امروز یکم سرم شلوغه. اگه کارم زود تموم شه حتماً میام.

۵

الف) سلام! چرا انقدر ناراحتی؟

ب) سلام چیز مهمی نیس در مورد دانشگاهه.

الف) چی شده؟ امتحاناتو قبول نشدی؟

ب) باید شهریهٔ دانشگاهو بدم ولی پول کم دارم.

الف) جدی؟ مگه تو توی دانشگاه دولتی درس نمی‌خونی؟

ب) نه! دانشگاه آزادم.

الف) این که نگرانی نداره. من یکم پول توی بانک دارم. بهت قرض می‌دم. ناراحت نباش.

ب) جدی؟ خیلی لطف می‌کنی.

درس نوزدهم

۱

الف) چقدر این پیراهنت خوش رنگه.

ب) کدوم؟

الف) اینی که توی کمده. تازه خریدیش؟

ب) نه دو سال پیش خریدمش.

الف) پس چرا هیچ وقت نمی‌پوشیش. این که خیلی قشنگه.

ب) آره قشنگه اما پشتش پاره شده.

الف) ببینم. آخ راست می‌گی... چه حیف!

۲

الف) سلام قربان خسته نباشین.

ب) سلام علیکم، بفرمایین!

الف) من دیروز این پرینترو ازتون خریدم.

ب) بله! یادم هس!

الف) وقتی پرینتر رو بردم خونه و کارتنشو باز کردم دیدم درش شکسته!

ب) جدی!؟ میشه ببینم؟

الف) بله! نگاه کنین. اینجاش شکسته.

ب) بله حق با شماست. نگران نباشین! اجناس ما همه گارانتی دارن. شمام می‌تونین پولتونو کامل پس بگیرین، یا اینکه می‌تونین یه پرینتر دیگه بردارین.

۳

الف) اه! مامان این پیراهن منه؟

ب) کدوم؟

الف) این رو می‌گم. این که قرمز بود. چرا صورتی شده؟ اینو با اب خیلی گرم شستی؟

ب) نه عزیزم. من همیشه لباسا رو با آب وِلِرم می‌شورم. این پیراهنت جنسش خوب نبود.

۴

الف) چه بوی بدی از توی یخچال میاد؟

ب) آره راست می‌گی.

الف) اه! بوی اینه.

ب) بوی چی؟

الف) بوی شیره. فاسد شده.

ب) اه! اه! اه! بندازش توی سطل آشغال.

۵

الف) این شلوار پسرته؟

ب) نه شلوار شوهرمه.

الف) شوهرت؟ این که خیلی کوچیکه.

ب) کوچیک شده. اولش اندازه بود. یه بار که شستمش این جوری شد.

۶

الف) حمید! حمید!

ب) جانم.

الف) تلویزیون روشن نمیشه. ببین.

ب) کنترل تلویزیونو بده ببینم. اه! راست می‌گی. این که درست بود. یعنی تلویزیون سوخته؟

الف) نمی دونم. بذار دگمهٔ خود تلویزیون رو بزنم شاید کنترل خرابه.

ب) اه! تلویزیون روشن شد. این که خراب نیس.

الف) آره فکر کنم کنترل تلویزیون مشکل داره.

درس بیستم

۱

*** همکار من یا هر روز دیر سر کار می‌یاد یا در زمان کار خوابه. معمولاً هر ماه چن روزی را هم سرکار نمیاد. من همیشه باید کارای او را انجام بدم. وقتی از او می‌پرسم کجا بودی همیشه می‌گه یهی از اقواممون فوت کرده. تا الان صد بار به من گفته که مادر بزرگم فوت کرده. من نمی‌دونم او چن تا مادر بزرگ داره؟

۲

*** یکی از دوسان من خیلی حرف می‌زنه. او دختر بدی نیس، اما من خیلی از او خوشم نمیاد. او فکر می‌کنه جواب همهٔ سؤالا را می‌دونه برا همین در مورد هر موضوعی حرف می‌زنه حتی موضوعات خونوادگی و خصوصی دیگران. فقط این هم نیس. او فکر می‌کنه همیشه حق با اونه و هر وقت حرف اشتباهی می‌زنه و به او می‌گیم این حرف شما درست نیس، قبول نمی‌کنه و می‌گه: «حرف من درسته و حرف شما اشتباه.»

۳

*** رئیس من ۸۵ ساله اس. او هر روز ساعت ورود و خروج کارمندا را چک می‌کنه و اگه یه نفر حتی ۵ دقیقه دیر کنه در آخر ماه از حقوقش کم می‌کنه. من اصلاً از او خوشم نمی‌یاد. با این سن بالا فقط به فکر پوله و به جز پول به چیز دیگه ای فکر نمی‌کنه.

۴

*** همسایهٔ ما حدود ۳۹ سالش اس. یه خانم فضول. هر روز صبح که از خواب بیدار میشه با من تماس می‌گیره و یه ساعت حرف می‌زنه. البته صبح که نه ظهر چون معمولاً ساعت ۱۱ از خواب بیدار میشه وقتی هم که بیدار میشه همش می‌خوره و می خوابه و پشت سر دیگران حرف می‌زنه. وقتی از خواب بیدار میشه به من زنگ می‌زنه و من باید بگم دیروز چیکار کردم. اون در مورد همه چیز سؤال می‌کنه، همه چیز، حتی چیزای خصوصی. من اصلا از این کارش خوشم نمی‌یاد چون همش در کار دیگران دخالت می کنه.



فهرست منابع

- برون، داگلاس. (۱۳۸۹). ارزشیابی زبان اصول و عملکردهای کلاسی. ترجمهٔ علیرضا فرح بخش. تهران: رهنما.
- ثمره، یدالله. (۱۳۸۵). آواشناسی زبان فارسی. تهران: نشر دانشگاهی.
- حق شناس، علی محمد. (۱۳۸٤). آواشناسی. تهران: آگه.
- Baltova, I. (1994). "The impact of video on the comprehension skills of core French students". Canadian Modern Language Review, 50, 507-531.
- Brown, Douglas H. (2000). Principles of language learning and teaching. London : Longman.
- Buck, Gary. (2001). Assessing listening. Cambridge : Cambridge University Press.
- Carroll, David W. (2008). Psychology of language. Boston : Thomson Wadsworth.
- Chastain, Kenneth. (1988). Developing second–language skills theory and practice. Orlando : Harcourt Brace Jovanovich.
- Fromkin, Victoria. (1973). Speech errors as linguistics evidence. The Hague : Mouton.
- Gruba, P. (1997). "The role of video media in listening assessment". System, 25, 335-345.
- Hanley, J. and Herron, C. and Cole, S. (1995). "Using video as an advance organizer to a written passage in the FLES classroom". MLJ, 79, 57-66.
- Harmer, Jeremy. (2009). The practice of English language teaching. London : Longman.

- Herron, C. (1994). "An investigation of the effectiveness of using an advance organizer to introduce video in the foreign language classroom". MLJ, 78, 190-198.
- Herron, Carol and Cole, Steven P. and Corrie, Cathleen and Dubreil, Sebastien. (1999). "The effectiveness of a video-based curriculum in teaching culture". MLJ, 83, 518-533.
- Herron, Carol and Cole, Steven P. and Corrie, Cathleen and Dubreil, Sebastien. (2002). "A classroom investigation : can video improve intermediate-level French language students' ability to learn about a foreign culture?". MLJ, 86, 36-53.
- Hinkle, E. (2006). "Current perspectives in teaching the four skills". TESOL Quarterly, 40/1.
- Joe, A. (1998). "What effects do text-based tasks promoting generation have on incidental vocabulary acquisition?" Applied Linguistics, 19, 3, 357-377.
- Krahanke, Karl. (1987). Approaches to syllabus design for foreign language teaching. Englewood Cliff: Prentice-Hall.
- Krashen, S. (1985). The input hypothesis : Issues and implications. New York : Longman.
- Ladefoged, Peter. (2006). A Course in Phonetics. Boston : Thomson Wadsworth.
- Larson-freeman, Diane. (2000). Techniques and Principles in Language Teaching. Oxford : Oxford University Press.

- Lightbown, Patsy M. and Spada, Nina. (2006). How languages are learned. Oxford : Oxford University Press.
- Long, Michael H. (2009). "Methodological principles for language teaching." In Long, Michael H. and Doughty, Cathrine J. The hand book of language teaching, 373–394. Chichester : Wiley–blackwell.
- Lottmann, A. (1961). "Films in the modern language class". MLJ, 45, 178-180.
- Marion, Williams and Burden, Robert. (2002). Psychology for Language Teachers. Cambridge : Cambridge University Press.
- Ments, M. (1999). The effective use of role play. London : Kogan Page.
- Nikitina, Larisa. (2010). "Video–making in the foreign language classroom : applying principles of constructivist pedagogy". Electronic Journal of Foreign Language Teaching, 7, 21–31.
- Nunan, David. (2000). Second Language Teaching and Learning. Boston : Heinle & Heinle Publishers.
- Nunan, David. (2003). Practical English language teaching. Boston : McGraw Hill.
- Progosh, D. (1996). "Using video for listening assessment : Opinions of test–takers". TESL Canada Journal, 14, 34-44.
- Purcell, E. T. and Suter, R. w. (1980). "Predictors of pronunciation accuracy : a reexamination". Language Learning, 30(2), 271–287.
- Richards, Jack C. (1983). "Listening comprehension : approach, design, procedure". TESOL Quarterly, 17, 219–239.
- PHOTO CREDITS : Shutterstock. com/ Google Image

PHOTO CREDITS:

Shutterstock.com/ Google Image/ Majid rezaei

https://www.freepik.com/https://icon-icons.com/http://aks.roshd.ir/https://icon-icons.com/

http://www.freeflagicons.com/https://www.pinterest.com/http://pngimg.com/

https://www.kisspng.com/https://www.galleryaes.ir/https://www.stockvault.net/

http://www.sxc.hu/http://www.freebieimages.com/https://freerangestock.com/

http://compfight.com/http://www.flickr.com/http://www.dreamstime.com/

http://www.pixelperfectdigital.com/https://openphoto.net/http://www.artfavor.com/

https://www.cepolina.com/freephoto/http://www.sunipix.com/http://www.getfreeimage.com/

http://tofz.org/http://www.pixmac.com

